جنات الخلود

تاریخ و جدول انبیاء و معصومین

علیهم السلام

هو

هذا

# الکتاب المسمی بجنات

# الخلود

المستعان

جنات عدن تجري من تحتها الانهار

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الحكيم المعبود المتفرد بالقدم والابود المتعزز بالكرم والجود مثبت بذى الوجود لتربية مابحيد
يوم الموعود وجاعل جنوب القلوب من حبوب حب المحبوب معمورة كجنات الخلود مرتب حياض العلم برياض
المرتاضين من جداول منهل المشهود ومرسل صواعق نجوم الحجج على الجموم المنكرين كالبروق

والرعود باعث النبي الكريم لسد السدود وحل الحدود ورد الاحجار والرقود عن ردى الطريق المقصود
الى مقيل من ظل ممدود فاخذ لاهل بيته من المواثيق والعهود ونشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شريك له شهادة يرتقي بها اعلى درجات الصعود مع المقربين والشهود في مشهد

يوم مشهود وصلى الله على صاحب المقام المحمود واكمل من تادب بالقعود والجهود وافضل من
تجافى جنوبهم عن المضاجع الرقود [illegible] ذات الوقود وعلى اسعد السعود والكوكب المسعود سمي
ربه الودود على الغالب على الجيوش والجنود [illegible] النجوم الهادية والاقطاب السماء الالهية

بلا زوال ولا ركود الائمة الاجلة المعصومين الماسين تارة بالقيام وتارة بالقعود الطائفين
العاكفين الراكع السجود صلوة تصفي مرائى قلوبنا عن غبار التعصب والجحود وتعصمنا من كيد
كل لجوج وحسود يصهر به ما في بطونهم والجلود واتبعوا في هذه لعنة ويوم القيمة بئس

الرفد المرفود من المخالفين الكفرة الفجرة
العنود الاضلين من النصارى واليهود وسلم
تسليما كثيرا دائما الى ان يذهب الخلق وتعود

## امابعد

بر لوائح ارواح زاكيه وصفائح اذهان صافيه ارباب لباب مينگارد كمينه كثير الجرم قليل الطاقة عديم البضاعة مسكين ابن محمد مومن محمد رضا
الامى المدرس وفقه الله تعالى لمراضيه وحسن التنقى مستقبل حالكما فى ماضيه كه چون عمده اركان ايمان معرفت خداوند تبارك وتعالى

هذه جنات عدن فادخلوها خالدين

وانبیا و اوصیا لاسیما ائمه هدی سلام الله علیهم است که از خوض در حوض حلاوت آثار و اخبار ایشان حاصل گردد و هر یک را
علاحده نامی و نشانی و مولد و مکانی و تاریخ و زمانی و صلوات و عبادات و شغلی و شانی است که دریافت همه آنها تتبع کتب بسیار و سوانح
چون این فقیر حقیر موسوم بخزائن الانوار در اظهار فضل ائمه اطهار صلوة الله علیهم اجمعین تصنیف نمودم در مطاوی تالیف آن

از استقصای کتب کلی بر جزویات آثار انبیا و نامدار و اطوار احمد مختار و ائمه اطهار علیهم السلام بهم رسانیده هر یک را در جای خود ازان
کتاب مستطاب مسطور تمام ارتسام دادم و مجلد اول آن نظر کیمیا اثر کامنان کریاس سده گردون اساس نواب کامیاب مالک رقاب شهنشاه
خلافت مآب طغرای طوامیر دولت و نصفت بنام نامیش موشح و مسجل مناشیر باهر التنویر شوکت باسم سامی شان موشح است حامی [illegible] اسلام

و ماحی عبده اصنام رافع رایات عدل و احسان و قامع الویه ظلم و طغیان [illegible] امم و مفخر ملوک عرب و عجم مشعله دودمان الا المودة
فی القربی و مروج کیش [illegible] والله یؤید بنصره من یشاء اورنگ آرای خواقین کامگار و مملکت پیرای شهنشهان تاج بخش نامدار [illegible] سحابی
کرم آورش تمام انعام عامش بهجت افزای بهارستان [illegible] بسالت هواداری که نسایم الطاف خاصش [illegible] آمانی

و آمال ظل الله فی العالمین و قهرمان الماء و الطین المولفه قبلهٔ ارباب یمن [illegible] کز عدل او دست ملک ظل [illegible]
فریدون کجا شوکت و شانش کجا   در بحر صفا سهامی نشود انگار   پایهٔ قدرش بود پایهٔ جاه و جلال   سایهٔ شانش کجا بود سایهٔ پروردگار
در خم چوگان حکم چون فلک حشمتش   گوی فلک میزند چرخ [illegible]   بهر غنیمان کفر تیغ وی آتش نشان   بهر گلستان دین خنجر وی آبدار

گوهر بحر کرم مظهر احسان چو یم   صدر سریر امم فخر او لواء الافتخار   صبح برج [illegible] برج اسد از حمل   بره شیر فلک پیش [illegible] بنده وار
کان کفش در سخا موج برآرد چو بحر   تیغ پر از جوهرش [illegible]   کهف الثقلین و ضیاء المشرقین و المغربین ملاذ الخلق [illegible]
الخافقین شاه سلطان حسین الصفوی بهادر خان لازالت اعناق السلاطین بابه خاضعة و جباه الخواقین بتراب عتباته متعفرة رسیده بعد از

تخلیع آن بپیرایهٔ استحسان [illegible] خلاع فاخره آفتاب شعاع در تمام مفاخرت [illegible] ودران مطالع [illegible] الانشاء و بعض از
خاصان آن درگاه کرم پیرایت فتح آیهٔ انهم لهم المنصورون آیتی است در شان [illegible] جندنا لهم الغالبون [illegible]
فرمان و شیرازهٔ اوراق انا فتحنا لک فتحا مبینا و شاهباز بلند پرواز [illegible] علیا خلاصه آثار [illegible] معصوم را از اسما

و القاب و کنایات و خصائص و معجزات و ادعیه و صلوات و [illegible] و مدت عمر و ساعات فضائل و کرامات آباء و امهات تولد و وفات و [illegible]
و مستورات اولاد و ازواج و خواتیم و برکات و [illegible] و تواریخ ولادت و [illegible] رسالهٔ [illegible] ملخص احوال
هر یک [illegible] تصنیف کتب [illegible] اشغال و مهمات

خود همین [illegible] و با اختلاف [illegible] معنون ساختیم [illegible] اجمال احوال [illegible]
شد [illegible] و دیگر در ذکر سیر و [illegible] صفیا و تعداد ایام و لیالی [illegible] بلاد مشهوره [illegible] معرفت قبله و اختیارات و بعضی
از فلکیات و اختلاجات اعضا و ادعیه و صلوات و ادویه [illegible] و ذکر خلفا [illegible] حقوق ائمه هدی و حصر مذاهب [illegible] که مذکور
و مشروح است در فهرست این صحیفه [illegible] قرة العین همه کتابهای المولفه [illegible] جدول این باغ قامت [illegible]

[illegible] گلزار ارم باغ خوبان که [illegible] ماه شب عید است [illegible] عید است   هم [illegible] عدد [illegible]
[illegible] جنات خلود است   بر ساحت هر صفحه ز نه جدول [illegible]   [illegible] روان [illegible] شهود است   در هر ورق [illegible]
هر گنج [illegible] هر خانه [illegible] عمارت است   [illegible] معمور است   و موسوم ساختیم این نسخهٔ مبارک
را بنام نامی که عدد حروفش مادهٔ تاریخ تالیف آنست یعنی جنات الخلود المامورة من جداول النور و بالله توکلی فی کل الامور و السلام

# الجدول الاول فی معرفة الاسماء الحسنی و معانیها و خواصها و اعدادها

## الله

اسم ذاتیست مستجمع جمیع صفات کمال که من حیث الاستحقاق سزاوار پرستش و حمد باشد پس الله سرکار لفظ شود گویا اسماء الحسنی همه گفته شده و از لفظ جلاله گویند مأخوذ از الٰه لیلوه اگر بمعنی سرگشتگی در ذات . . . و اله بمعنی تعبد و عبادت . . . [illegible] . . . و اگر اسم اعظم گویند . . . [illegible] . . . اسم اعظم کان . . . [illegible] . . . کبریت . . . [illegible]

## الواحد

[illegible]

## الاحد

[illegible]

## الصمد

چون در غیر خدا استعمال شود اصل بمعنی میان . . . است اما در خدا بمعنی اطلاق شود اول بمعنی سید و بزرگی دوم بمعنی مقصد کرده شد در حوائج و نوازل و پناه در همه امور مأخوذ از صمدت . . . الامر اسی قصدت سیم . . . [illegible] . . . و در عدم . . . و غیر ذلک در حین نزول بلا احتیاج . . . [illegible] . . . آن مجربست . . . [illegible] . . . و گرسنگی نافع است عدد کبیرش . . . و عدد وسطش . . . و صغیرش . . . والسلام

## الاول

دو معنی دارد اول سابق بر همه . . . [illegible] . . . خواندنش موثر . . . [illegible] . . . و صغیرش هفت است

## الآخر

[illegible]

## السمیع

[illegible]

## البصیر

بینا و مطلع بر همه آنچه دیده و شنیده شود . . . [illegible] . . . تعالی است . . . [illegible]

## القادر

بمعنی قادر مشتق از قدرت . . . غلبه است بر مقدوری و تمکن . . . قادر . . . [illegible] . . . مجرب است گویند . . . صفات . . . از این صفت است کبیرش . . . و وسطش . . . صغیرش هشت

## القاهر

[illegible]

## الباقی

[illegible]

## العلی

بمعنی علو . . . [illegible]

## الباقی

صفت فانی است یعنی همیشه پاینده و برقرار که عارض نشود او را . . . زوال . . . محدود . . . نباشد یعنی بقای او ازلی . . . و فرق میان ازلی و ابدی . . . بالعرض . . . کبیرش . . . و صغیرش پنج عدد است

## البدیع

[illegible]

## الباری

[illegible]

## الظاهر

دو معنی دارد اول هویدا و آشکار بسبب . . . و براهین . . . و علامات . . . [illegible] . . . اشیا . . . [illegible] . . . و صغیرش هشت است

# بقیة الجدول الاول فی معرفة نبذ من اسماء الحسنی و معانیها و خواصها و اعدادها و غیرها

| | | | |
|---|---|---|---|
| | | و معنی وارد اول پنهان بودن و احتجاب از ادراک ابصار و تلمیث خواطر و افکار که شاهین نظر عقل و در بین با ذی پایه و ریافت کنه ذاتش نرسد کو ... بال بر کی علی ... در عالم تعبیر ... و ایمنی آنچه در معنی ظاهر گفته شد منافات ندارد ... ظاهر است بدلایل و اعلام و مخفی است ... دو وم او سبحانه باطن است بر هر چیزی ... خبیر و مطلع است بر بواطن ... و در امور خفیه ... عدد کبیرش ... و عدد وسطش ... و صغیرش ... والله اعلم بالصواب | الباطن |
| [illegible] | الحی | [illegible] | الاکرم |
| با علم و اعلام ... [illegible] | العالم | محکم کار و کار را ... علیم است یعنی دانا ... [illegible] | الحکیم |
| [illegible] | الکفیل | [illegible] | الکافی |
| ... معنی وارد اول ... حسیب ... [illegible] | الحسیب | ... معنی وارد اول ... الحق ... و عدد ... و السلام | الحق |
| [illegible] | الحکم | [illegible] | الحمید |
| یعنی بارها ... خالق است ... استعمال ... نصف شب برخاسته ... خشوع و خضوع ... است و عدد وسط آن نوزده است و صغیرش ... عدد است | الخالق | و معنی این اسم اعظم است ... حقتعالی ... معنی ... تحویل کننده ... و یارب در دکر دن این اسم مجربست ... | الرب |
| [illegible] | الرحمن | [illegible] | الرحمن |
| ... عام است ... [illegible] ... و عدد ... | | | الرحیم |

# الجدول الثانی فی معرفة تتمة اسماء الحسنی و معانیها و خواصها و اعدادها و غیرها

| | | | |
|---|---|---|---|
| الرَّقِیبُ | دو معنی دارد اول دیدبان که رقیب القوم خوانند و دوم کسی که حال این علم خود تیک و نگاه دارد یکی بگیرد و منه قوله تعالی ما یلفظ من قول الا لدیه رقیب عتید و دوم صاحب اختیار که در غیبت نگاه دارد برقیبه فرمان او است مداومت بر این اسم غفلت را زایل کند و بجهت خواهم تبیین العرش مفید است هفت بار بر اهل و عیال خوانند از همه آفات محفوظ مانند عدد کبیرش سیصد و دوازده و سطحش سی و سه و صغیرش شش و این اسم را با اسم الحی و المیت کابل بخواند وقت خواب دست بر سینه گذارد و هفده بار بخواند که بخواب برود همهٔ طهارات بسر ساند | الرَّؤُوفُ | مهربان یعنی رحیم است چه رافت و رحمت مساوی اند و القول اصح و ابلغ از رحمت زیرا که رافت بلیغ رحمت را رافت گویند بسیار گفتن این اسم حق را زایل کند و هر کس بسیار با حلیم الرؤوف با منان گوید نزد ظالمی رود برای وی ذلیل شود و هر کس یا رؤوف بسیار گوید بر قومی ایمن گردد و عدد کبیرش دویست و هشتاد و هفت و عدد و سطحش سی و چهار و صغیرش هفت است و دو کش بعدد کبیر هفت روز و سطح چهل و صغیرش همیشه است |
| [illegible] | [illegible] | السَّلامُ | [illegible] |
| المُهَیْمِنُ | سه معنی دارد اول التصدیق کننده یعنی راست کننده وعده خود که با اهل ایمان کرده و یا راست کننده ظنی که بنده با او دارد و بدین معنیست قول برادران یوسف ما انت بمؤمن لنا و لو کنا صادقین دوم ایمن کننده بندگان از ظلم و این که ایمن کننده ایشان از عذاب سیوم یعنی محقق یعنی غلبه کرداننده و هوا ابیت خود را در اهل اولیات نزد خلق و شناسانید و بگفتی جهت امان یافتن از شر جن و انس و سایر مکروهات مفید است عدد کبیرش یکصد و سی و شش و سطحش چهل و صغیرش یکصد و است | المُؤْمِنُ | سه معنی دارد اول شاهد بر احوال خلایق از پنهان و آشکار و دوم خبر گیرنده و محافظت کننده دوم سیوم امین بمعانی که در مومن گفته شد و هواخه اشتقاقش امین است پس اصلش مومن بوده که قلب شده است همزه آن بها از راه قرب مخرج چنانکه قلب شده است همزه ارقت و ایهات در هرقت و هیهات جهت اطلاع یافتن بر ضمایر الناس بخوانند و هر که بعد از غسل صد بار گوید صفای باطن و ظاهر یابد و عدد کبیرش یکصد و چهل و پنج است و سطحش نوزده و صغیرش یک است |
| العَزِیزُ | [illegible] | الجَبّارُ | [illegible] |
| المُتَکَبِّرُ | دو معنی دارد اول بزرگواری که بزرگی مختص اوست تمام تمام ذات اقدس او است و غیر او را نشاید که خود را شریک و مستحق او داند زیرا که موصوف بدین صفت آن کسی باشد که محتاج بکسی نباشد و هر موجودی محتاج بوی باشد و این معنی بجز او سبحانه یافت نشود بنا بر این گفته اند که این اسم شریف از جمله اسماء خواصیه است و کسی که خود را موصوف بدین صفت داند مشرک است چه خود را با خدا شریک و سهیم دانسته است در صفتی که مرجع خدا را نباشد و در حدیث آمده است که لا یدخل الجنة من کان فی قلبه مثقال ذرة من خردل من الکبر و گفته اند که بهترین صفات است در ذات خدا و بدترین اوصاف است در غیر خدا و مقابل کبر متکبران که در تصورت باعتبار که شکننده کبر ایشانست خوش آیند است چنانچه فقره المتکبر مع المتکبر عبادة یاد از آن رسیده دوم خود را بزرگتر دانستن از هر کسی که منازعه نماید با او در عظمت تصغیر گردانیدن او بصورت ما خود از کبریا است که از لوازم خداوند است چه رفعت و عظمت شان و شوکت میان خلق مداومت نمایند عدد کبیرش ششصد و شصت و سطحش چهار و صغیرش پنج است | | |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| الشَّهِیدُ | دو معنی دارد اول شاهد و مطلع بر همه اشیا که هیچ چیز از وی مخفی نماند و از نزد وی حاضر باشد دوم بمعنی علیم و عالم است چنانچه آیهٔ شهد الله بمعنی علم الله است جهت کشف و غایب حاضر بر چهار گوشه کاغذ شهید الحق نویسد و نام کشنده یا غایب در وسط کاغذ نویسد وقت نصف شب برابر آسمان آید و نظر در آن کند هفتاد بار این دو اسم را بگوید البته پیدا شود و عدد کبیرش سیصد و نوزده و عدد و سطحش چهل است و عدد صغیرش چهار است | الصّادِقُ | راست گوینده راست کننده وعده که در جزای راستگویان کرده که از ثواب ایشان کم نکنند جهت دفع کذب و ظاهر شدن راستی و وعده نمودن بوعدها این اسم شریف را مداومت نمایند عدد کبیرش یکصد و نود و پنج است و عدد و سطحش بیست و چهار و عدد صغیرش شش است و هر یک از اعداد مذکوره که بخواهند بعد از صلوات خمس بخوانند البته مجرب است |
| الصّانِعُ | [illegible] | اللَّطِیفُ | [illegible] |
| الحَکَمُ (?) | پاکیزه و منزه از سه چیز اول الصدد و عدد و دوم از انتقام و منزه از معانی و اوصاف خلق از طول و عرض و عمق و علو و سفلی و سکون و ترکیب و غلظت و دخول و خروج و چسبیدن و جدا شدن و بو و طعم و رنگ و در شبی و ضعف و حرارت و برودت و اکل و شرب و حرکت و سکون و اجتماع و افتراق و عجز و ضعف و قوت و مرض و صحت و نوم و بیداری و توانگری و فقر و موت و حیات و روح و شبه و شبهه و امثال آن بر ساخت خدا و دور است و موصوف بآن در علیه قصور است جهت تجلی ذر از ابل تجلی لفظ قل سروع الا است و عدد کبیرش دویست و دوازده است و سطحش بیست و شش و صغیرش هشت است | العَدْلُ | رفق و نیکوئی کننده و ماخوذ از لطف و بمعنی مکرمت است چنانچه گویند فلانی الطف بفلانی و بمعنی مأخوذ از لطف بمعنی نزاکت و صنعت یعنی صاحب حاذق اصحاب لطیف گویند و مردم آفرینند و چه شق کوچک چون ذره که در نظر نباشد و تسویه اعضاء آن مانند خلق عظیم جهت خلاصی از شدت و بمجموع الله لطیف بعباده تا آخر آیه فایده بسیار بخشیده است و چون فقیری بالغی ابو و کعت نماز کند و این اسم را بخواند دفع فقر و مرض او شود عدد کبیرش یکصد و بیست و سطحش بیست و یک و عدد صغیرش سه است |

# بقیة الجدول الثانی فی معرفة تتمة باقی الاسماء الحسنی و معانیها و ذکر خواصها و اعدادها

| | | | |
|---|---|---|---|
| الغفور | فعول یعنی فاعل است مشتق از عفو یعنی در گذرنده و بخشش کننده گناه گناه کاران بکار رانع بدل کننده آن باضعاف آن بحسنات و دوم ترکست یعنی واگذارنده جزای بدکاران در بر دو صورت داو دیست معنی سیم محوست ماخوذ از عفت الریح الاثار و درسته و محته یعنی محو کننده اثر گناه از نامه اعمال جهت محو سیئات و تبدیل آن بحسنات تاثیر عظیم دارد و عدد کبیرش یکصد و پنجاه و شش عدد وسط آن بیست و یک و صغیرش سه است | العفو | عدد کبیرش یکهزار و دویست و هشتاد و شش و وسطش یکصد و سی و چهار صغیرش هشت یعنی ماخوذ از عفو یعنی پوشانیدن و برین معنی غفور که پوشاننده گناهان است و عفو مبالغه در عفو بیشتر است ... [illegible] |
| الغنی | [illegible] | المغنی | [illegible] |
| الفاطر | دو معنی دارد اول شکافنده ماخوذ از فطور و فروج درخنه دادن چه او سبحانه خلق را از پرده عدم بحیز وجود آورده یا شکافنده صورت نوع انسانست و بر طرف کردن آنها و منه قوله تعالی فاطر السموات والارض مرویست که آسمان از موضع کهکشان شکافته خواهد داد و برین معنیست افطار روزه و دوم بمعنی خالق یعنی پیدا کننده اشیا جهة نقش ... سفیدست عدد کبیرش دویست و نود و سطش بیست نه و صغیرش دو ... والسلام | الفرد | و بمعنی او منفرد در ربوبیت و امر بر سر خلایق منفرد بوجود و همه موجودی بجز اوست جهت خلاصی یافتن از کثرت و تصدیع هجوم عام و تنها شدن مداومت نمایند و عدد کبیرش دویست و هشتاد و چهار و عدد وسطش سی و دو و عدد و صغیرش پنج است |
| الفتاح | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| القریب المجیب | دو معنی دارد اول نزدیک بخلق خود از راه علم از جهت که هرکس او را بخواند برای وی اجابت کند چنانچه فرموده فانی قریب اجیب دعوة الداع دوم عالم بودن بوسواس و نهاد و حاجات و مسافت میان او و و نهایت چنانچه خود فرموده است ان الله یحول بین المرء وقلبه و جای که قرب و بعد او سبحانه بحسب مسافت نیست چه او سبحانه بهمه خلق خود از رگ گردن نزدیکترست و نحن اقرب الیه من حبل الورید اگر قرب او سبحانه بحسب مسافت بودی بایستی که نزدیکی او بانکس که در مشرقست مستلزم دوری او باشد بانکس که در مغربست پس بحسب علمست نزدیکی او بخلق خود و نزدیکی خلق با و بحسب عبادت ... بیت ای در دل و جان حاضر و در جان من جدائی + نزدیک گرچه هستی اما ز من جدائی + و در اکثر اوقات این اسم مرادف باسم مجیب کرده و برای نزدیک معنی بالجمله کرده مداومت مجیب برای آسانی و دشواریها ... بعدد و پنجاه و پنج باعث امنی از بدبیست کبیرش یکصد و دوازده و وسطش سی و سه و صغیرش شش ... بجهت دفع غمی کوید یا قریب یا مجیب یا سمیع الدعاء یا لطیف لما یشاء ... علی ... | | |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| القدوس | بسیار بسیار منزه و از معایب و مبالغه چه فعول صیغه مبالغه است چنانچه در سبوح گفته شد پاک از مشابهت باشد او اصاحبه اولاد و تقدیس از برای خدا و معنی نسبت داده است ... بپاکی و برائت از مالایلیق چنانچه ملائکه گفتند نحن نسبح بحمدک و نقدس لک حظیرة قدس عبارتست از مکانی که دور است از آن مکان و باش سی با آنکه قدس اسم خدا و مکان ... باو دست جهت پاکی از عیوب او دست نماید عدد کبیرش یکصد و هفتاد و سطش ... صغیرش ... | القوی | اصل معنیش نیرومندیست لیکن شاد آن بجا بمعنی قادر است چه هر کس قدرت بر چیزی یابد قادر بر آنست پس او سبحانه است جامع جمیع افراد قوی قدر بدون آنکه استعانت از غیر خود مر ... نیستو برای عجز جهت قوت یافتن از ضعف قوت و توانائی و زیاد کردن دشمن بخواهند و دشمنی باشد که دفع نتواند کرد و از خمیر هزار گلوله در بر یک از آن یکبار یا قوی بگوید و بخورد و دفع آن ... شر و دشمن از و دفع شود و عدد کبیرش یکصد و شانزده و وسطش هفده صغیرش هشت است |
| القابض | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| الباسط | یعنی پهن کننده فضل و احسان و رزق بر همه آفریدگان ایما برا غنیا و بر معانی دیگر ضد معانی قابض دارد و جهت فراوانی مال و منال و فرزند و توسعه معیشت و افزونی اسباب ... مداومت نمودن این نام تجربه شده است و بغایت مفید او عدد کبیرش هفتاد و دو و عدد وسطش نه و عدد صغیرش نه است مرویست هرکس وقت سحر دست بردارد و ده بار بگوید محتاج بسوال هیچکس نشود والله اعلم بالصواب | القاضی | به معنی است اول حاکم و الزام کننده امر و نهی خود بر زیردستان ماخوذ از قضیات و منه قوله تعالی و قضی ربک الا تعبدوا الا ایاه و دوم اعلام کننده و اخبار نماینده ماضی و ... و منه قوله تعالی و قضینا الی بنی اسرائیل فی الکتاب اعلامشان بر علی لسان ... سیم باتمام ... چنانچه گویند حاجات فلانی قضا شده و منه قوله تعالی فقضیهن سبع سموات و گفتن یا قاضی الحاجات در همه اوقات برای بر آمدن مطالب سریع الاجابه کبیرش یکصد یازده و وسطش یازده و صغیرش ... |

# الجدول الثالث فی معرفة باقی الاسماء الحسنی و ذکر خواصها و معانیها و اعدادها

| اسم | معنی و خاصیت | اسم | معنی و خاصیت |
| --- | --- | --- | --- |
| المجید | بمعنی ماجد و معنی وارد اول بمعنی واسع الکرم است بر سایر خلق از هر گونه نعمت چنانچه عرب بخی را ماجد گویند دوم کریم و عزیز است و منه قوله تعالی و قرآن مجید و ماخوذ از مجد و بزرگواری و احتمال دارد که بمعنی مجد باشد یعنی تعظیم و تکریم کرده شده و بسیار گفتن این اسم شفاست از هر بیماری و عدد کبیرش پنجاه و هفت و عدد وسطش دوازده و عدد صغیرش چهار است گفتن آن با اسم ماجد موجب تنویر قلب و با گفتن مجد و تربیت و الله اعلم بالصواب | المتعالی | در بعضی نسخ ولی مذکور است و هر دو بمعنی ناصر است برای مومنان و مستولی و اولی الامر ... بمعنی اولی بتصرف باشد چنانچه رسول خدا ... فرموده است ... من کنت مولاه فعلی مولاه و گاهی بمعنی قیم ... بر این معنی حق تعالی مصلح کار مومنین و قایم مهمات ایشانست ... مداومت نماید عدد کبیرش ... |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| المبین | سه معنی دارد اول ظاهر و هویدا بودن با آیات و شواهد فاتحه ... از آثار قدرت ... پنهان نیست دوم هویدا کننده یعنی سازنده هر چیزی از آثار قدرت او آل ... و درین دو صورت ماخوذ از بیان است که ماخوذ از آبانه باشد سیم جدا کننده هر حقی از باطل است ... عدد کبیرش ... و عدد وسطش ... و عدد صغیرش ... | المقیت | سه معنی است اول قدرت دارنده بر هر چیز از صغیر و کبیر و جلیل و حقیر ... دوم رساننده حفظ به هر چیز بقدر حاجت او و این دو صورت ... سیم رساننده بهر چیزی که محتاج بقوت باشد بر تقدیر وادی بودن ... عدد کبیرش ... و عدد صغیرش ... رزق مفید است ... |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| الهادی | دلالت نماینده و ارشاد کننده ... و دلایل اسلام ... بر تمامیت ... اسناد اضلال ... عدد کبیرش ... و وسطش ... و صغیرش ... | | |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| الکاشف | برداشتن پرده خفا از روی امور ... بمعنی محو ... غشاوه نفسانیت ... چنانچه امیر المومنین علیه السلام فرموده لو کشف الغطاء ما ازددت یقینا ... یا کاشف الضر ... عدد کبیرش ... و عدد صغیرش ... | الوتر | ... و اسم است ... یگانه و یکتا ... صلاة الوتر ... عدد کبیرش ... و وسطش ... و عدد صغیرش ... |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| النصیر | بمعنی نصیر و ناصر ... یعنی یاری و مددگاری ... مستوجب یاری ... از بیکسان و مظلومان ... عدد کبیرش ... و عدد صغیرش ... | الغنی | سه معنی دارد اول فراوانی دهنده ... رفع فقر کننده ... دوم بمعنی مغنی ... سیم ... چنانچه گویند الفقر ... و تعالی ... عدد کبیرش ... |

# بَقِیَّةُ الجَدْوَلِ الثَّالِثِ فی مَعْرِفَةِ باقی الاَسْمَاءِ الحُسْنٰی وَخَوَاصِّهَا وَمَعَانِیهَا وَاَعْدَادِهَا

**اَلْوَدُودُ**

ماخوذ از ود بمعنی دوستی است یعنی دوست دارنده بندگان صالح و دوستی او سبحانه رحیم و بر ایشان قبول اعمال صالحه ایشان یعنی قرار دهنده دوستی هر یک نزد دیگری تا مردم دوست دارند او را کما فی قوله سیجعل لهم الرحمن ودا و محتمل که در اینجا فعول بمعنی مفعول باشد یعنی دوست داشته شده بندگان و او دوست دارد ایشان را بخوانند محبوب همه و هر که این نام را بر طعامی هزار بار بخواند و بخورد با جمعی که با هم دشمن باشند و بخورند همه دوست شوند برای محبت مجرب است عدد کبیرش ... سط ... صغیرش ...

**[illegible]**

وفا کننده بعهد خود و بجا آورنده وعده ثواب که ترک از وی قبیح است بر خلاف وعده عذاب که وفا نکردن بر آن مراد او را جایز بلکه مستحسن است والعیاذ نیز کرم آن مولی باشد بر آن معنیست برای راست آمدن وعده مجرب است و عدد کبیرش نود و شش و عدد وسط آن پانزده است و عدد صغیرش شش است

**اَلْوَکِیلُ**

[illegible]

**اَلْوَارِثُ**

[illegible]

**اَلْبَرُّ**

اسم فاعل از بر بمعنی نیکی است که در اصل بارر بود که ادغام بارر باشد یعنی نیکی کننده بر بندگان خود و وجه اعم دائم و معنی دیگرش صادق در سه است آورنده است چنانچه گویند بر ... فلان یعنی راست شد قسم فلانی و معانی رب نیز از آن مستفهم شود ... مکانی او قابل شوم برای توفیق نیکوکاری و رفع الم و سلامتی فرزند ... و عدد کبیرش دویست و دو عدد وسطش بیست و دو عدد صغیرش چهار است

**اَلْبَاعِثُ**

بر انگیزنده خلایق بعد از موت در قبر برای سوال و در آخرت برای جزا و فصل و قضا و باقی بودن در دار البقا و بر انگیزنده پیغمبران برای مبعوث او هر کسی که از روی خراب سد بار یا باعث گوید و دست بر سینه بمالد حق تعالی دل او را زنده سکرد ... معرفت خود از برای بر آمدن کارها مداومت آن مفید است و عدد کبیرش پانصد و هفتاد و عدد وسط آن شصت و عدد صغیرش سه است

**اَلتَّوَّابُ**

[illegible]

**اَلْکَافِی**

[illegible]

**اَلْجَوَادُ**

عطا کننده نعمت عظیمه متواتره و احسان کننده عواطف متکاثره بر برو فاجر از خلق آن جهت مستحق آن باشند یا بعمال خود خواه نباشند سخاوت جود او سبحانه عام است که تجلی از انعام عامه می برد و مسیح تو از انس و جن و وحش و طیر و دیو و دد و هوام مور و مار قطره نامیدکم از دریای جودت یا جواد در تمام خلق عالم صد هزار اندر هزار و استاد جود سخاوت ادون نوعی از تجوز است لطریق استعمال بجیب الغت ... جود به معنی آمده است اول وقت در ... و از آن مقوله است قرائت بر سم تجوید و جودت قرائت و جودت الکم گویند فلان جواد الفکرای ترفیق دوم صحت تندی ... چنانچه آب شدن با جواد سیگویند سیم ... چنانچه زمین نرم و کافی صاف از ... سخاوی گویند پس ... بهمین جهت که نرم میشود دل ... جواد باشد ... رجل جواد و قوم اجواد و جوادی السبحانه جهت برطرف شدن حنث و زنا نت طبع ... متصف شدن به بخشش و کرم مداومت نماید عدد کبیرش ... وسط و صغیرش پنج است

**اَلْکَبِیرُ**

[illegible]

**اَلْخَالِقُ**

[illegible]

**خَیْرُ النَّاصِرِینَ**

بهترین یاری کنندگان اگر چه اصل خیر اخیر و افعل التفضیل است لیکن در اینجا بمعنی ... او سبحانه چنانچه در غیر الراحمین بکار ارحمت و دست معنی التفضیل مراد او ... معنی التفضیل ... از غیر او بقدرت تواند شد و حال آنکه نصرت منحصر است بذات اقدس او سبحانه غیر او و هر کس این اسم شریف مداومت نماید نصرت خدا در ... مصافی ... توفیق ... بر دشمن ... دو سیت چهل و دو ... عدد وسط آن ... عدد صغیرش ... است والسلام

**اَلدَّیَّانُ**

مبالغه از دین است که در لغت برابری است یعنی برابری دهنده عمل عاملان جزا و در اصطلاح عقیده بمعنی ... جزا و مزد کما قرآن ... خواندن توحید حساب ملل حقه اسلام ... و ... دین ... عید کقوله اتخذوا دینهم لهوا و لعبا ای عیدهم و شریعت ... و عادت ... قهر و غلبه و همه این معانی مناسبت ... مداومت بر این ... و عدد کبیرش شصت و پنج و عدد وسطش یازده و صغیرش دو است

**اَلشَّکُورُ**

[illegible]

**اَلْعَظِیمُ**

[illegible]

**اَلشَّافِی**

خلاصی دهنده از مرض و بلا بوسیله دوا و بخشایش کننده بزرگترین جزا بر کوچکترین عمل ماخوذ از شفا بمعنی جانب ... از مرض بجانب دیگر ... مرض ... دیگر میشود و این نام ... بعدد کبیرش که سیصد و نود و یک است خواند ... صحت ... موجب شفای امراض ظاهر و باطن است باعث ... هر کز بیمار نشود ... طعامی که بخوانند ... دفع سموم ... عدد صغیرش چهار است

**خَتْمٌ**

عدد کبیر مجموع عدد حروف ... که مرتبه الوف ... و عشرات ... مجموع ... اگر ... مالک الملک ذو الجلال و الاکرام ... اسمای ... والله اعلم بالصواب

اجدول چهارم در شناختن احوال پیغمبران که مشهورند صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین یوم الدین

# الجدول الرابع فی معرفة احوال الانبیاء المشهورین صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین

## آدم صفی الله

نقش نگینش لا اله الا الله محمد رسول الله کنیتش ابو البشر و ابو محمد عمر شریفش نهصد و سی و شش و بروایتی هزار و سی سال و بروایتی هزار سال از آنجمله سه ساعت در بهشت بود و حوا زوجه اش که بعد از خلقت وی روزی خلق شده بود و چهار زمعه طول قامتش شصت ذراع و در بهشت نه ساعت ... و بعد از هبوط دویست سال بر مفارقت بهشت گریه کرد ... و حوا ... در روز جمعه ... بود و بعد از ... و در روز جمعه در عاشر محرم ... و از معجزات آدم علیه السلام ... شیث ... است که لقب هبة الله است بیست و پنج صحیفه بر آن حضرت نازل شد و تنسل ... آدم او کرد ... بر جنازه او ... و بعد از ... هزار سال و چهل روز و بقولی بعد از نهصد و دوازده سال فوت شد و در پهلوی آدم و حوا مدفون شد والله اعلم بالصواب

## ادریس ع

[illegible]

## نوح ع

نام وی یشکر یا عبد الغفار یا عبد الرحمن یا عبد الملک یا عبد الاعلی بود و از کثرت نوحه بر قومش ملقب بنوح گردید میان آدم و نوح یکهزار یا ششصد سال ... ششصد و ... سال ... و از اولو العزم ... و قبل از بعثت ... سال بود ... طوفان ... سال ... بعد از نزول ... سام و حام و یافث ... نهصد و پنجاه سال ... و الله اعلم

## هود ع

[illegible]

## صالح ع

پسر ... عابر ... سام ابن نوح است ... صالح ابن عبید ابن آسف ابن ماشخ ابن عبید ابن حاذر ابن ثمود ابن عابر ابن ارم ابن سام ابن نوح است ... قوم ... از میان سنگ ناقه ... ظاهر ساخت ... و از معجزات آن حضرت ... عذاب نازل ... و الله اعلم ... علیه السلام

## ابراهیم ع

[illegible]

## لوط ع

لوط خاله زاده ابراهیم است و ساره زوجه ابراهیم ... و هاران ... تارخ ... از ... بابل ... و شهرهای بزرگ ایشان صدوم و ... بودند ... و ... قوم لوط ... فرشتگان ... ایشان ... سنگ ... بر ایشان بارید

## اسمعیل ع

[illegible]

## اسحق ع

کنیتش ابو اسرائیل است و ... ابراهیم و ساره ... و در آنوقت ابراهیم یکصد و بیست سال داشت ساره نود و شش ساله ... جبرئیل بشارت تولد او را به ابراهیم و ساره ... شد و ... ذبیح الله ... اسمعیل ... عبد المطلب ... و ... گوسفند ... ابراهیم ... اسحق ... بود ... آن حضرت یکصد و هشتاد سال بود ... والله اعلم بالصواب

# بقیه الجدول الرابع فی معرفة احوال الانبیاء المشهورین صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین

| | |
|---|---|
| ذو القرنین | در نبوت او اختلاف است و نام او [illegible] [illegible] |
| یعقوب | [illegible] |
| یوسف | [illegible] [illegible] بعد از خلاصی از زندان [illegible] |
| ایوب | [illegible] |
| شعیب | [illegible] |
| موسی | [illegible] |
| یوشع | [illegible] |
| حزقیل | [illegible] |
| اسمعیل | [illegible] |

# الجدول الخامس فی معرفة احوال بقیة الانبیاء المشهورین صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین

## خضر

نام اصلش بلیا بن ملکان بن ارفخشد بن سام بن نوح است چون بهر زمینی نشستی جای نشیمن وی سبزه میروید و بهر چوب خشکی تکیه میکرد شرمشید سبز میشد و بعضی اورا الیاس نبی میدانند اما اصح آنست که او علاحده است دریا با نها الکارگذاران می آید پسر پادشاه بود و او ترویج بدختر باکره نمود چندین روز در خلوت ماندند و او ترک نکرد آخر گفتند چون او دختر را ناکرده کار نمود و توقف میکرد زن ثیبه را ... [illegible] ... حیات رسیده ... [illegible] ... لا یصرف السوء الا الله ... [illegible] ... ما شاء الله ... اللهم صل علی محمد وآل محمد الطیبین الطاهرین ... [illegible] ... ورد کلمه در کلو ... خوب است

## الیاس

[illegible]

## الیسع

پسر اخطوب عم حضرت الیاس است ... [illegible] ... و برای نزول مردم پیامبری کرد ... از معجزه اش ... [illegible] ... این حضرت را ... معلوم نیست

## ذوالکفل

نام اصلش اوید بار بسیار ... [illegible] ... روزه و بحکم قضا در میان مردم ... [illegible] ... و الله اعلم بالصواب

## لقمان

[illegible]

## داود

در اصل او اجرعه بوده است یعنی ... [illegible] ... پسر ایشی ... [illegible] ... و سلیمان پسر ... [illegible] ... فاصله بود در میان او و ... [illegible] ... سال

## سلیمان

[illegible]

## اشموئیل

از صالحان ... [illegible] ... و الاکرام و السلام

## حیقوق

[illegible] ... علی محمد و آل محمد ... [illegible]

## شعیب

[illegible]

## حنظله

مبعوث بر اصحاب رس بود ... [illegible] ... و ... [illegible] ... اطفال ایشان را بالعید

# بقیة الجدول الخامس فی معرفة نبذ من احوال بقیة الانبیاء المشهورین سلام الله علیهم اجمعین

**زکریا**

پنج زا و کاف و با مشهور است اما لمبیر از زاده است با یحیی در نصران در مرو و صورت بدال نیز خوانده شده است و در عبری با عزانی بودن ان اختلاف معنی دائم الذکر مرجع و ملاذ کل علما و زهاد بنی اسرائیل و صاحب منذر ما و بود ای ایشان و مسکنش بیت المقدس اکر کتاب توراة توم خود را بدین خدا دعوت مینمود همیشه آرزوی اولاد و زینه داشت و از دو فرزند مخرج تا انکه مقصد و نسال او عمر و شریفش گذشت و موی سرش سفید شد و اعضایش ضعیف و سست گشت و زوجه اش حنانه و ایشاع که همشیره حنه مادر مریم و بقولی همشیره مریم بود بسن نود و هشت سالگی در حرمش خشک شده بود و آرزوی طلب فرزند و عاقبش این کلمات بود که رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین و دیگر رب هب لی من لدنک ذریة طیبة انک سمیع الدعاء و بعضی از مناجات او و در اول سوره مریم است روزی باتفاق زوجه خود مرغی را دید که جوجه خود را دانه میداد آن روز اول محرم بود و باز اشتیاق فرزندان خود را غالب آمده نالیدن فی الحال زوجه اش حایض شده بعد از طهارت با وی مقاربت نمود یحیی علیه السلام بوجود آمده و ملائکه او را بشارت بقدم حضرت یحیی داده و از جهت اطمینان دل علامتی خواست مقرر شد که تا سه روز زبانش بغیر ذکر خدا بهیچ چیز گویا نشود و بقولی تولد یحیی بعد از بشارت بود به پنج سال

**یحیی**

[illegible]

**ارمیا**

ساکن شهر ایلیا و مدت وفتی در مصر بود که بعد از ظلم بنی اسرائیل و قتل یحیی حق تعالی با او وحی فرستاد و بخت النصر را مسلط کرده ام که مردان ایشان را بکشند تا خون یحیی از جوش بنشیند و زنان و اطفال را اسیر و بیت المقدس را خراب کنند پس ارمیا بوحی خدا او را در میان مزبله یافت که بمعرفت گرفتار بود و در دیگر فضلات خوابیده و شیر خوک میخورد و بشارت پادشاهی او بوی داده از او نوشته گرفت که بعد از ظفر مرحمت کند و در آن از بخت النصر امان یافت و امان با شمس بعد از حکم پادشاهی نوشته را با او نمود و امان یافت بنی اسرائیل القتل کشت که خون ایشان رسید بالای تل که خون یحیی جوشش میزد و در مرتبه هفتاد هزار کس از ایشان کشته شد و خون یحیی از جوش بایستاد

**دانیال**

از فرزندان یهودا بن یعقوب است که بخت النصر در طفولیت اسیر کرد و بچاه انداخت با ماده شیری تا مدت چند سال و دانیال با شیر ماده شیر مادرانه میخورد و بعد از چند سال بخت النصر خوابی دید و دانیال را از زندان بیرون آورده تعبیر خواب را چنین کرد که سه روز دیگر کشته خواهد شد و دانیال نجات یافت و در میان بنی اسرائیل حکم بحق مینمود و وفات یافت و علم رمل منسوب بآنحضرت است زیرا که شتی از ریگ در دست خود حرکت داده و حکم مینمود و خلافی نداشت و وصی دانیال یکاریس است و عالمش این است که چون در قبر را بگشایی بگو اعوذ برب دانیال من شر الاسد و الشیاطین

**[illegible]**

[illegible]

**عیسی**

بلقبش مسیح یا خود از عیسی بمعنی سید کامل النفس مسیح بمعنی ماسح چه تمام کف پایش مسیح زمین میکرد و یا بعلت مالیدن دست بر بیماران و شفا دادن و یا بمعنی ممسوح است چه ملائکه در حین تولد بال بر وی مالیده از مس شیطان محفوظ ماند و لقب دیگرش روح الله و کلمة الله است چه در تولد تکلم نموده یا بدون پدر محض بکلمه کن بهم رسید و در زوال روز جمعه مریم غسل کرده بود و جبرئیل بصورت جوانی بشکل بر وی ظاهر شده بر گریبان وی دمید فی الحال حامله شد پس از مسجد اقصی بسطی الارض یعنی کربلا آمده در موضع قبر امام حسین زائید و در آنحال خرمای خشک بود از معجزه عیسی سبز شد و چشمه آبی ظاهر شد و مریم او را در آن نشست و از آن خرما کامیاب شد و بعد از آن در مهد عیسی تکلم آمده انی عبد الله آتانی الکتاب گفت تولد آنحضرت بعد از چهار ساعت از روز سه شنبه دهم محرم و بقولی در شب بیست پنجم ذیقعده سی و سه سال بود که یهودان قصد قتل او کردند و باسمان رفت و در شب بیست یکم رمضان شمعون که وصی و ابن عم اوست بسیار باطراف عالم فرستاد و خود با حواریین که بی تنها سیاحت میکرد و از معجزات او زنده کردن دو کس بود که سام بن نوح را بعد از چهار هزار سال زنده کرد و دیگر خلاص کردن و شفای بیماران که تقریبا پنجاه هزار را شفا داده و اخبار مردم از آنچه میخوردند و ذخیره مینمودند و ساختن مرغ را از گل و جان دادن آن و اخبار از غیب و دعایش یا رب یا خالق النفس من النفس و مخلص النفس من النفس خلصنی من النار

**[illegible]**

[illegible]

**حنظله**

در رسستان از قبیله بنی قصیص بود بر قومی از کفار مبعوث گردیده آتش پرستان ایشان بهم رسید و اهل آن دیار از اهل ایمان بودند با ایشان شرط کرد که اگر آتش ایشان را بسوزد ایمان آورند پس آتش در غاری بود خود در میان آتش غلطید و نسوخت باز قومش تکذیب کردند و او خبر داد که در فلان روز فوت خواهم شد مرا دفن کنید و بعد از چند روز که کلاغ از گوران در خت بر سر قبرم نشیند مرا از قبر در آرید و هرچه پرسید نعش من جواب خواهد داد چنان کردند از قبر جواب داد و باز ایمان نیاوردند و در کمال خود بکفر استقامت و آنحضرت بعد از عیسی و قبل از محمد صلی الله علیه و آله بود

**جرجیس**

از روم و ارض فلسطین در زمان پادشاهی بت پرست او را تمام دعوت میکرد پادشاه بنشاختهای آهنین مجروح کرده و سرکه بر آن ریختند و پلاسهای خشن بر آن بستند و بر تنهای سرخ بدنش نهاده داغ کرده و میخها سرخ کرده با تش بر سرش کوفتند که مغز سرش روان شد و بجای آب ستون عمارت بر نعش گذاردند باز زنده شد و تبلیغ رسالت کرد با تشها او را سوزانیدند خاکسترش را بباد دادند باز زنده شد و معجزات نمود و در میان چوبش گذارده باره کرده دو نیم کردند باز زنده شد و در چهار مرتبه کردند باز زنده شد آخر نفرین کرد و او را کردند و همه قوم بعذاب الیم گرفتار شدند

**یونس**

[illegible]

**اصحاب کهف**

شش نفر بودند تملیخا مکسلمینا مشلینا مرنوس دبرنوس شادنوس و رکان دولت دقیانوس که پای تخت او بلده افسوس در طرف نجران بود و قصری داشت که یک فرسخ طول و عرض و چهار هزار ستون از طلا و هزار قندیل جواهر بر آن آویخته که بروغن عنبر روشن میشد و تختی از جواهر الوان طرف راست هشتاد کرسی از طلا و بر و دسبز و طرف چپ هشتاد کرسی از نقره و یاقوت سرخ و پنجاه غلام چهار از با و شاهزادگان با جهاد و کمرهای مرصع ایستاده و این شش نفر از جمله وزراء اعظم و صاحبان مشورت بودند و در دست یکی جامی مملو از مشک سائیده و دیگری کاسه جامی از نقره مملو از گلاب در دست و مرغ سفیدی که خود را در میان مشک و گلاب می زد و بر سر پادشاه می افشاند و دعوی خدائی میکرد روزی این شش نفر یقین بطلان او نموده از شهر بقصد شکار بگریختند در راه شبانی که کفش نام داشت برفیق شدند و کلب او قطمیر نام بزبان آمده همراهی و رفاقت انها را نمود و آمدند بدان غاری که رقیم نام داشت ساکن شدند حقتعالی ایشان را قبض روح نموده بعد از سیصد و نه سال زنده شدند در وقتیکه دقیانوس مرده قران بر طرف شده بود چون این عجائب دیدند بار دیگر مرگ کردند مردند و در آن غار خوابیده اند تا زمان قائم آل محمد که زنده خواهند شد و در خدمت او بکشتند و بروایتی چهار از غیر ایشان است و او از مسلطان قلیوس که بروایتی نام آخر ایشان است و نام پسر سگ نوح خانم [illegible]

# الجدول الملموس للناس فی معرفة احوال و آثار خاتم النبیین محمد المصطفی صلی الله علیه و آله اجمعین

| | |
|---|---|
| الالقاب | [illegible] |
| اول خلقت | نور او چهار صد و بیست و چهار هزار سال قبل از آفرینش آسمان و زمین و لوح و قلم و عرش و کرسی و بهشت ... در حجاب قدرت دوازده هزار سال و در حجاب عظمت یازده هزار سال و در حجاب منت ده هزار سال و در حجاب رحمت نه هزار سال و در حجاب سعادت هشت هزار سال و در حجاب کرامت هفت هزار سال و در حجاب منزلت شش هزار سال و در حجاب هدایت پنج هزار سال و در حجاب نبوت چهار هزار سال و در حجاب رفعت سه هزار سال و در حجاب هیبت دو هزار سال و در حجاب شفاعت هزار سال ... و در حجاب ذل از دوازده حجاب سبحان ربی الاعلی ... سبحان ربی الرفیع الاعلی ... سبحان الملک الکبیر ... سبحان ذی العرش العظیم ... سبحان ذی الملک و الملکوت ... هزار سال تسبیح کرد |
| اسماء | [illegible] |
| [illegible] | ابو القاسم ... ابو الفضل ... ابو المظفر ... ابو النصیر ... ابو الارواح ... در اول و دوم اختلاف است |
| خصائص | [illegible] |
| یوم ولادت | [illegible] |
| شهر ولادت | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] |

# بقیة الجدول السادس فی معرفة احوال خاتم النبیین و خیر المرسلین محمد المصطفی صلی الله علیه و آله

| | |
|---|---|
| **ازواج حضرت** | [illegible] |
| **عدد اولاد حضرت** | عبد الله ملقب بطیب و طاهر و قاسم و زینب که قبل از بعثت بابی العاص بن ربیع تزویج نموده بود و رقیه بعتبه پسر ابی لهب تزویج کرده بود و قبل از آنکه تزویج کافر حرام شود و عتبه او را قبل از دخول از خود مطلقه ساخت و بعد از و بعثمان داد و عثمان او را بظلم شهید کرد و ام کلثوم که او را نیز عتیق پسر دیگر ابی لهب خواسته و قبل از دخول طلاق داده و او را نیز عثمان خواست فاطمه زهرا صلوات الله علیها و این شش از بطن خدیجه بودند و ابراهیم که از ماریه قبطیه داشت و پسران و دختران همگی قبل از هجرت فوت شده بودند و نزد برخی که اولاد آنحضرت را هشت میدانند طیب و طاهر غیر عبد الله فرزند علاحده اند |
| **معجزات آنحضرت** | از حد و حصر بیرون است آنچه ضبط شده سیصد و سیزده است بهترین قسم قرآن که اعظم معجزات و منبع خیرات است ۲ معجزاتیکه در اجرام سماویه واقع شده چون شق القمر و رد الشمس از این نوع هشت معجزه است ۳ در کفایت شر دشمنان سی و نه معجزه ۴ در غالب شدن بر شیاطین جن و تسخیر ایشان چهارده معجزه ۵ در استجابت دعا و زنده کردن مردگان و تکلم ایشان و شفای بیماران و کرامات اعضای آنحضرت هشتاد و شش معجزه ۶ در حیوانات ظاهر شده سی و یک معجزه ۷ در جمادات و نباتات ظاهر شد هفتاد و نه معجزه ۸ در اخبار از مغیبات پنجاه و پنج معجزه است |
| **نقش خاتم آنحضرت** | [illegible] |
| **دعای او** | یا مونس المستوحشین یا انیس المتفردین یا ظاهر المستضعفین یا قوة المستضعفین یا کنز الفقراء و یا موضع شکوی الغرباء و یا متفردا بالجلال یا معروفا بالنوال یا کثیر الافضال اغثنی عند کربتی و صلی الله علی محمد و آل ... [illegible] ... لک محمد و الیک المشتکی و انت المستعان |
| **حرز آنحضرت** | [illegible] |
| **عمر حضرت** | در روز پنجشنبه هفدهم ربیع الاول سال ... از بعثت سنه ثمث و خمسین از تولد که پنجاه و سیم از عام الفیل باشد از خوف از مکه بیرون رفت و در روز دوشنبه دوازدهم ماه مذکور داخل مدینه طیبه شد وقت زوال الشمس و الله اعلم |
| **صلوات بر آنحضرت** | اللهم صل علی محمد و آل محمد کما حمل وحیک و بلغ رسالتک و صل علی محمد کما احل حلالک و حرم حرامک و علم کتابک و صل علی محمد کما اقام الصلوة و آتی الزکوة و دعا الی دینک و صل علی محمد کما صدق بوعدک و اشفق من وعیدک و صل علی محمد کما غفرت به الذنوب و سترت به العیوب و فرجت به الکروب و صل علی محمد کما دفعت به الشقاء و کشفت به الغماء و اجبت به الدعاء و نجیت به من البلاء و صل علی محمد کما رحمت به العباد و احییت به البلاد و قصمت به الجبابرة و اهلکت به الفراعنة و صل علی محمد کما اضعفت به الاموال و حذرت به من الاهوال و کسرت به الاصنام و رحمت به الانام و عظمت به بیت الحرام و صل علی محمد و اهل بیته الطاهرین الاخیار |
| **حجاب آنحضرت** | اراده و حمایت کرده میخواندند ... از چشم دشمنان مخفی میشدند یا اگر مخفی نمیشدند ... دشمن کار ... اذیت ... رسانید ... مذکور است و سلم تسلیما کثیرا و السلام |
| **غزوات آنحضرت** | [illegible] |
| **صلوات آنحضرت** | دو رکعت است بعد از حمد پانزده مرتبه سوره قدر و در هر یک از رکوع و برداشتن از آن و سجدتین و رفع سر از آن سوره مزبوره پانزده بار خوانده شود ... پنجاه ... رکعت ... |
| **معراج آنحضرت** | در شب شنبه هفدهم ماه و یا بیست و یکم ماه رمضان بود و جماعتی دیگر روز پنجاه و نه روز قبل از هجرت و بقول دیگر بیست و هفتم ماه رجب یا ماه ربیع الاول بوده است بعد از هجرت بدو سال خروج از خانه امهانی زوجه خود کرد بنحوی که چندین هزار سال راه سموات و حجب و سرادقات را طی کرد ... حرکت بود و بعضی عروج از مسجد الحرام و بعضی از شعب ابیطالب دانسته اند و برخی در سال هجرت ... در مدینه ... بجسم ... تا مسجد الاقصی بر براق سوار و از آنجا بر نردبان نور بالا رفت و السلام |
| **تاریخ وفات** | یوم الاثنین دوم شهر ربیع الاول و بقولی دوازدهم از آن بقولی دوم شهر صفر المظفر و بقولی بیست و هفتم شهر صفر المظفر است |
| **سنه وفات آنحضرت** | [illegible] |
| **محل وفات** | در خانه خود که در جنب مسجد است وفات یافته هم در آنجا مدفون گردید و جمعی مدفن او را داخل مسجد دانسته اند و حدیث لاتتخذوا قبری مسجدا موید قول اول است گویند اول آنجا خانه ابوایوب انصاری بود که ناقه حضرت در آن انور بر زمین نهاده و مرقد منور در مکانیست که اول قدم پای حضرت به آن مکان رسید |
| **مدفن آنحضرت** | [illegible] |
| **مبلغ سن حضرت** | بنا بر قول اصح شصت و دو سال یا دو ماه و یا ده روز است که پنجاه و دو سال و یازده ماه و نه روز در مکه نه سال یا ده روز در راه مدینه و دوازده روز در مدینه بود و اقوال مختلف ... پانزده احتمال دیگر میرود و شصت سال ... شصت و دو سال شصت و چهار سال چهار روز و یازده صورت دیگر شصت و ... ماه و چهار روز و شش دیگر یازده ماه و پانزده روز ... |
| **مدت نبوت** | بیست و دو سال و هفت ماه یکروز است یا سه روز نزد شیعه که مبعث را بیست و هفتم و بیست و هفتم میدانند پس از آنجمله دوازده سال و یازده روز یا سیزده ... تبلیغ رسالت و تحمل امور نبوت بود و بعد از خروج از مکه سه شب با ابی بکر در غار بود و ... تا بمدینه داخل شد و نه سال یازده ماه و شانزده روز هم در مدینه بود و بعضی ایام ... سال چهارده روز کم ... و بعضی بیست و دو سال و چهار ماه و یازده روز ... که در مبعث گذشت |
| **زیارت آنحضرت** | [illegible] |

# الجدول السابع فی معرفة نبذ من احوال الامام الاول امیر المؤمنین علی ابن ابیطالب علیه السلام

## القاب آنحضرت

[illegible]

## اسماء آنحضرت

دیگر امیر از نام است و آنچه معلوم است علی که در اسماء حسنی گذشت حیدر یعنی در زبده و ازدها و مطرح [illegible]
در یوم احد بیاد و خود جنگ خیبر فرمود انا الذی سمتنی امی حیدره ضرغام اوجام و لیث قسوره و طه یعنی طاهر [illegible]
الحق کرامات الخلق لیس بلا دلیل اشاره بسیدنا ابیزان که کنایه [illegible]
شمس است [illegible]
و بهمه اسماء حسنی با تضافه لفظ عبد نامیده شده در کتاب [illegible]

## کنیه آنحضرت

ابو الحسن

پدرش عمران ابو طالب بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف که [illegible]
بود و نام دیگرش عبد مناف [illegible] ابی طالب [illegible]
از بعثت [illegible] مادرش فاطمه بنت اسد بن هاشم بن عبد مناف [illegible] رسول خدا صلی الله علیه و آله [illegible]
که [illegible] رسول خدا [illegible] هجرت به مدینه [illegible]
[illegible]

## نقش خاتم

[illegible]

## حمل

نه ماه و نه روز تمام بود و روایت که [illegible]
[illegible]

## مولد

[illegible]

## حسب آنحضرت

[illegible]

## خصائص آنحضرت

[illegible]

## شهر ولادت

سیزدهم ماه رجب المرجب [illegible]
[illegible]

## طالع

[illegible]

## سن ولادت

[illegible]

## مسقط رأس

[illegible]

## سلطان وقت

تولد وی در زمان سلطنت [illegible]
[illegible]

## ساعت ولادت

[illegible]
علی احد من اوصیاء انبیاء [illegible] یا رب العالمین و یا ارحم الراحمین + +

## معجزات آنحضرت

[illegible]

## بقیة الجدول السابع فی معرفة تتمة ما یتعلق بالامام الاول امیر المؤمنین یعسوب المسلمین علی ابن ابیطالب

### اخلاق آنحضرت

[illegible]

### شمائل آنحضرت

میانه بالا در روی مه در حسن قرلیلة البدر گونهای سرخ چون عقیق لعل رویهای گشاده متقوس سرازکت ومویی او انبوه سرخ وگردن بلند چون ابریق از نقره خالص صیقل و بروایتی عدیم اللون مایل العنق کث اللحیه عظیم البدن عریض المنکبین شدید الساعد والیدین قوی الاعضا بلند ... ازنجرف ... بلند ... شکم عظیم البطن ... اضلاع قوی ... که در ... مصاف مضطرب ... عند تقلب الاحوال ... جواهر الرجال واکثر ... شمشیر ... واکثرت فتوحات ... فتح ... کشته ...

### طریق صلوة

روز یکشنبه از ایام ... حضرت فاطمه ... زیارت ... بجا آنکه نماز ... سلام ... رکعت ... سبحان من لا تبید معالمه سبحان من لا ینقص خزائنه سبحان من لا اضمحلال لفخره سبحان من لا ینفد ما عنده سبحان من لا انقطاع لمدته سبحان من لا یشارک احدا فی امره سبحان من لا اله غیره ... بیرون ... روزی که از مادرش ... انشاء الله تعالی

### دعوات آنحضرت

بسم الله الرحمن الرحیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم ایاک نعبد وایاک نستعین یا الله یا رحمن یا رحیم یا احد یا صمد یا ابد یا الله ... الیک نقلت الاقدام وافضت القلوب وشخصت الابصار ومدت الاعناق وطلب الحوائج ورفعت الایدی اللهم افتح بیننا وبین قومنا بالحق وانت خیر الفاتحین ... لا اله الا الله والله اکبر ...

### سیف

[illegible]

### نقش خاتم

[illegible]

### ازواج آنحضرت

سوای کنیزان خاصه دوازده زن ... اول فاطمه زهرا بنت رسول الله ... خوله بنت جعفر بن قیس الحنفیه ... ام حبیب بنت ربیعه ... لیلی بنت مسعود ... اسما بنت عمیس ... امامه بنت ابی العاص ... ام البنین بنت حزام ... ام سعید بنت عروة بن مسعود ثقفی ... والله اعلم ...

### سنه وفاته

[illegible]

### عمر آنحضرت

[illegible]

### یوم وفات

[illegible]

### عدد اولاد

بقولی بیست وهفت اند دوازده پسر ... دختر ... اول امام حسن ... ۲ امام حسین ... ۳ زینب کبری ... ۴ زینب صغری المکنی بام کلثوم ... محسن ... محمد اکبر مشهور بابن الحنفیه ... عباس ... جعفر ... عثمان ... عبدالله ... محمد اصغر ... عبیدالله ... یحیی ... عون ... رقیه ... ام هانی ... رمله ... ام الحسن ... میمونه ... خدیجه صغری ... فاطمه صغری ... ام کلثوم صغری ... والله اعلم

### موضع وفات

[illegible]

### محل دفن

... حسین علیه السلام وباقی فرزندان ... لعنه الله ... جبرئیل ومیکائیل ...

### موضع قبر

[illegible]

### علة وفاته

بضرب عبد الرحمن بن ملجم مرادی لعنه الله ... اشقی الاولین والآخرین ... بن عبد الله وعمرو بن بکر تمیمی ... درمکه ... قسم ... که علی ومعاویه وعمرو عاص ... نهروان ... رمضان ... معاویه ... شام ... عمرو عاص ... خارجه ... لعین ...

### مدت عمر

شصت وسه سال ... روز ... بعثت ... خلافت ... سال ... ماه ... روز ... 

### اصحاب آنحضرت

[illegible]

# الجدول التام فی معرفة احوال سیدة النساء فاطمة الزهراء صلوات الله وسلامه علیها

| | | | |
|---|---|---|---|
| اسماؤها (اسمهای آن حضرت) | اول فاطمه مشتق از فطام بمعنی جدا کردن است ... مجموع اعداد مفرده اش ... فاطمه ... | کناها (کنیتهای آن حضرت) | ام الائمه ام الحسن وام الحسین وام المحسن ... وام الفضائل ... معنی ام ابیها ... تاج ... گوشواره ... وام الکتاب ... |
| القابها (لقبهای آن حضرت) | [illegible] | | |
| اباؤها (پدران آن حضرت) | بتمه قول رسول خدا صلی الله علیه وآله که فرمود حق تعالی ... نظر رحمت بر خلق ... و فاطمه را از میان خلق برگزیده بر همه زنان اولین و آخرین ... فاطر السموات والارض ... فاطمه پارهٔ تن من است ... ان الله لیغضب لغضب فاطمة ... | سنّ (سن آن حضرت) | اللهم صل علی الصدیقة فاطمة الزکیة ... علی نساء العالمین ... صاحب اللواء ... علیه وآله وسلم ... |
| ابواها (پدر و مادر آن حضرت) | [illegible] | | |
| یوم ولادتها (روز ولادت آن حضرت) | یوم جمعه ... منقول است که چون هنگام ظهور ... جبرئیل ... صلی الله علیه وآله آمده گفت حق تعالی ... عبادت ... طعام ... جبرئیل ... نطفه مبارک آن حضرت ... | شهر ولادتها (ماه ولادت آن حضرت) | بیستم جمادی الثانی گویند ... زنان قریش ... نطفه فاطمه ... آسمان زمین و مشرق و مغرب ... حمل فاطمه علیها السلام ... |
| خصائصها (خصایص آن حضرت) | [illegible] | | |
| عام ولادتها (سال ولادت آن حضرت) | سال چهل و پنجم از عام الفیل ... بعثت ... بعد از بعثت بوده ... زمان حکومت یزدجرد ... نوشیروان ... | مکان ولادتها (مکان ولادت آن حضرت) | مکه در خانه رسول خدا ... خدیجه ... زنان قریش ... |
| معجزاتها (معجزات آن حضرت) | [illegible] | | |
| مدة عمرها (مدت عمر آن حضرت) | مشهور هجده سال ... بعد از هجرت ... و بقولی ... ده سال بود بنابر اقوال دیگر تفاوت بسیار می شود که ذکر آنها بی فایده است | ساعة ولادتها (ساعت ولادت آن حضرت) | ساعت آخر شب یعنی ساعت قبل از طلوع فجر ... انا انزلناه فی لیلة مبارکة ... لیلهٔ مبارکه ... سورهٔ مبارکهٔ قدر ... |

# بقیة الجدول الثامن فی معرفة احوال سیدة النساء فاطمة الزهراء صلوات الله و سلامه علیها

## نقش خاتمها

الله ولی عصمتی یعنی خداست صاحب اختیار و نگاهدارنده من از خطاها و گناهان [illegible] بسم الله القادر یا الله و بقولی امن المتوکلون یعنی ایمن اند توکل کنندگان بخدا و نقش نمودن این کلمات در نگین تاثیر عظیم دارد و برای دفع دشمن و حفظ اموال و اولاد و رد بلای جن و انس و ابرمی [illegible] مکرر است و این موافق است با انچه گفته اند که نقش نگین ان حضرت نقش نگین سلیمان نبی علیه السلام بود و ان کلمات این است که این اجسم الجن [illegible] و الکلمه

## دعای نقشها

بسم الله الرحمن الرحیم یا حی یا قیوم برحمتک استغیث فاغثنی و لا تکلنی الی نفسی طرفة عین و اصلح لی شأنی کله دعای دیگر که از برای دفع بی علمی سلمان فارسی نموده و او زیاد و از هزار کس را شفا داده بود بسم الله النور بسم الله النور النور بسم الله نور علی نور بسم الله الذی هو مدبر الامور بسم الله الذی خلق النور من النور و انزل النور علی الطور فی کتاب مسطور فی رق منشور بقدر مقدور علی نبی محبور الحمد لله الذی هو بالعز مذکور و بالفخر مشهور و علی السراء و الضراء مشکور و صلی الله علی محمد و اله الطیبین الطاهرین در شام و صبح مداومت نماید

## ازواجها

[illegible]

## عدد اولادها

پنج نفر بودند حضرت امام حسن مجتبی و حضرت امام حسین سید الشهداء و زینب کبری که در فصاحت و بلاغت و زهد و تدبیر و شجاعت شبیه پدر بزرگوار خود بود و بعد از شهادت ان حضرت امام حسین علیه السلام بکلی اهلبیت بلکه فاطمه زهرا و بنی هاشم برای او حشمت می یافت و خطبه ها و گفتگوهای او با ابن زیاد و یزید علیه اللعنة و العذاب مشهور است و غیر نادر کتاب با حتجاج مذکور است و زینب صغری مکناة بام کلثوم و محسن که قریب بوضع بود و عمر بی شکم ان حضرت زد و سقط شد و در روایت امده که روز اول از روز قیامت معامله محسن است با عمر

## صلوتها

دو نوع نماز دارد اول دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه سوره توحید و دوم نیز دو رکعت در رکعت اول بعد از حمد صد بار سوره انا انزلناه و در ثانی بعد از حمد صد بار سوره توحید بهر تقدیر بعد از فراغ تسبیح کرده بگوید سبحان ذی العز الشامخ المنیف سبحان ذی الجلال الباذخ العظیم سبحان ذی الملک الفاخر القدیم سبحان من لبس البهجة و الجمال سبحان من تردی بالنور و الوقار سبحان من یری اثر النمل فی الصفا سبحان من یری اثر الطیر فی الهواء سبحان من هو هکذا و لا هکذا غیره جهت همه مطالب و حاجات سریع الاجابه

## علة وفاتها

[illegible]

## یوم وفاتها

دو شنبه وقت عصر و بقولی در شب سه شنبه بود و منقول است که ان حضرت اسماء بنت عمیس را طلبید فرمود که جبرئیل حنوطی اورده بود که فوراً ان بهشت جهت پدرم اورده و ان را سه قسمت کرده قسمتی جهت خود و قسمتی جهت علی و قسمتی برای من ماده است و وعده وفات من رسیده که فوراً بگیر چون فاتحه یا هم احدی را نگذار نزد من اید سوای علی و حسنین امیر المؤمنین ما را غسل دهد و در روایت است که در رحلت ان حضرت عائشه خواست که داخل شود اسماء مانع شد عائشه شکایت بابی بکر گفت او نیز امده اسماء جواب گفت که ان حضرت امیر المؤمنین و اسماء غسل دادند و دلالی روایت کرده که ان حضرت پیش از فوت خود غسل داده ام کفن کنند [illegible]

## غسلها و کفنها

در شب سیم ماه مبارک رمضان و بقولی بیست و چهارم ماه رجب و بقولی سیم ماه جمادی الثانی بود و مروی است که ان حضرت در ابتدای ماه مذکور تجهیز سفر اخرت پرداخته حضرت طفلان [illegible] و اوضاع خانه را در سر انجام داده و پیوسته مهیای مرگ بود و وصیت نامه نوشته بود بدین عبارت بسم الله الرحمن الرحیم هذا ما اوصت فاطمة بنت محمد ص اوصت بحوائطها السبع الی علی علیها السلام فان مضی فالی الحسن فان مضی فالی الحسین فان مضی فالی الاکابر من ولدی شهد المقداد بن الاسود و الکندی و الزبیر بن العوام و وصایای بسیار در ان نوشته بود از جمله انکه امیر المؤمنین امامة بنت ابی العاص را که همشیره زاده اش بود خواستگاری نماید [illegible]

## مدفنها

[illegible]

## سنة وفاتها

سال یازدهم از هجرت که از خواص شیعه عام الحزن میگفتند بجهت وفات رسول خدا و فاطمه زهرا و انقلاب اصحاب در امور و وصایای ان حضرت و خلافت ابی بکر و ابن ابی قحافه در خصوص گفته است بالطبع [illegible] عن کل معضلة سخیفة لا تکشف معطافلو با کشفت خفیة و ارب مستور و ما کالطبل من تحت الطیلسان الجواب لحاضر و لکن الخفیة خفیة لو لا اعتداء و رعیة الی سیاستها الخلیفة [illegible] اعداء و بیابانا ما شاء الله تعالی منه شد من اسرار ال محمد حملها طرفه [illegible] عمار و او مالک [illegible] الحسین یوم [illegible] و لا ح حال [illegible] الشریفه [illegible]

## موضع وفاتها

در خانه که در جنب مسجد رسول خدا است در مدینه مروی است که چون امیر المؤمنین از خانه بیرون رفت اسماء بنت عمیس را طلبید فرمود که وقت وفات من رسیده میخواهم که نعش مرا کسی نه بیند پس اسماء گفت بقیه در ولایت حبشه دیده ام برای تو کنم پس چوب چند بر چهار جانب نموده و جامه بر روی انداخته مانند هودج ان حضرت را از این تعریف خوش امد و فرمود تا اسماء اب حاضر ساخت ان حضرت غسل کرده و جامهای نو و رخت خویش را در بر کرده و سجاده انداخته رو بقبله خوابید و دست در زیر سر نهاده و فرمود که تا زمانی در زیر سرم مینوازم و اگر تا جواب ندهم داخل شو و الا امیر المؤمنین را خبر کن پس رو بقبله خوابیده و دست در زیر سر نهاده وفات یافت [illegible]

## یوم زیارتها

[illegible]

## فضل زیارتها

مروی است از ان حضرت که رسول خدا صلی الله علیه و اله مرا گفت یا فاطمه من صلی علیک غفر الله له و الحقه حیث کنت من الجنة هر که ترا زیارت کند و صلوات بر تو فرستد بیامرزد خدا گناهان او را و ملحق سازد او را با من در بهشت هر کجا که منزل من باشد و دیگر از ان حضرت منقول است که از رسول خدا صلی الله علیه و اله شنیده ام که هر که بر او و بر من سلام کند سه روز واجب گرداند حقتعالی جل جلاله از برای او بهشت را شخصی گفت این سلام را در حیات شما فرستند یا بعد از وفات فرمودند که خواه انکه در حیات ما باشد و یا انکه در ممات

## تعقیب زیارتها

بقولی ایمس روز بعد از فوت پدر بزرگوار خود زنده بود و بقولی هفتاد و پنج روز و بقولی نود روز و بقولی سه ماه و بقولی شش ماه و گویند که از مفارقت رسول خدا پیوسته در شب و روز بحدی گریه میکرد که اهل مدینه بتنگ آمده گفتند یا بنت رسول الله ایام ما را بر ما تلخ کردی یا روز گریه کن و یا شب تا ما استراحت کنیم یا شب گریه کن و روز را با ما گذار اخر با ایشان قرار گرد که روز گریه کند و شب با ایشان گذارد و الله اعلم بالصواب

# الجدول التاسع فی معرفة احوال الامام الثانی والسبط الاول صلوات الله علیه

**اسماء وکنیه**

حسن است بمعنی نیکو و این نام را حق تعالی از نام خود که محسن است اشتقاق کرده [illegible]

**القاب**

[illegible]

**شمایل عالیه**

[illegible]

**کنیه**

کنیت او ابو محمد است [illegible] رسول خدا صلی الله علیه وآله [illegible]

[illegible]

**اولاد و امه**

[illegible]

**اصحاب**

[illegible]

**صلوات**

اللهم صل علی الحسن [illegible]

**اولاد**

[illegible]

**ساعت**

[illegible]

**سنه ولادت**

بقول صحیح سال سیم از هجرت زمان پادشاهی هرمز خسرو و بقولی زمان یزدجرد و بقولی سال دویم از هجرت بود و در روز قبل از جنگ بدر بنا بر قول [illegible] و قولی که در جدول [illegible] ولادت گفته شد یعنی ولادت در ماه رمضان بوده و این قول صحیح است که روز ولادت [illegible] گفته اما بنا بر قول اول از ماه تولد که شعبان باشد [illegible] قبل از جنگ بدر بوده [illegible] رسول خدا [illegible] تولد آنحضرت [illegible]

**مکان ولادت**

[illegible]

**معجزات**

[illegible]

**تعقیبات**

از برای دفع مکاره و انتقام کشیدن از اعدا و رفع ظلم مظلوم [illegible] بتوسل حسنین بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله وسلامه علیه و آنحضرت علیه السلام اللهم انی اسئلک بحق ابیه امیر المؤمنین علی ابن ابیطالب [illegible] الحسن علیهما السلام الا [illegible] لی [illegible] من ظلمنی و غشمنی و اذانی علی ذالک [illegible] کل احد یا ارحم الراحمین

**مدة عمر**

[illegible]

# بقیة الجدول التاسع فی بقیة احوال الامام الثانی والسبط الاول صلوات الله علیه

**نقش خاتم** — نقش انگشتر آن حضرت

العزة لله یعنی قهر و غلبه و تسلط مخصوص است از برای خدا هر که این کلمه را بر نگین انگشتر خود خصوصا اگر حدید باشد نقش کند پیوسته بر خلق مسلط باشد و در نظرها معزز باشد و بقولی نقش نگین آن حضرت المستعان بالله و بقولی نقش نگین ابراهیم علیه السلام بود که لا اله الا الله محمد رسول الله اشهر توکلت علی الله استندت ظهری الی الله فوضت امری الی الله لا حول ولا قوة الا بالله
از برکت این شش کلمه آتش سرد و نجات یافت

**دعاء** — دعای آن حضرت

یا شدید القوی و یا شدید المحال یا عزیز ذللت بعزتک جمیع من خلقت صل علی محمد و آله واکفنی مؤنة فلان بما شئت و بجای فلان نام
آن کس را باید گفت که از آن خوف داری یا دفع او میخواهی و خواندن این دعا بعد از فریضه مغرب با دو رکعت نماز حاجت بهر سوره که بخواند و بعد بسجده رفتن برای دفع دشمن تاثیر عظیم دارد و بسیار مجرب است والسلام

**عدد اولاد** — عدد اولاد آن حضرت

[illegible]

**ازواج** — زنهای آن حضرت

شصت و چهار زن نکاحی داشت سوای کنیزان خاصه و آنچه از زنان آن سرور مشخص شده و اینست ام بشیر بنت ابی مسعود و حفصه بنت عبد الرحمن ... و خواهر ام الحسن ام الحسین ... و ام اسحق بنت طلحة بن عبید الله تیمی مادر حسین بن حسن ملقب باثرم و فاطمه ... و جعده بنت اشعث ... که آن حضرت را به تحریک معاویه مسموم ساخت ... [illegible]

**صلوة** — صلوات بر آن حضرت

دو رکعت است در هر رکعت فاتحه الکتاب یکبار و بیست و پنج مرتبه قل هو الله احد ... بعد از آنکه غسل کرده باشد و بعد از فراغ سر باسمان کرده و دستها بگشاید و بگوید اللهم رب محمد و آل محمد صل علی محمد و آل محمد اللهم ان فلان بن فلان قد ظلمنی ولا احد من اصول به غیرک فاستوف منه ظلامتی الساعة الساعة بحق من جعلت له علیک حقا و بحقک علیهم الا فعلت ذلک یا مخوف الاحکام یا مرهوب البطش یا مالک الفضل الی آنکه ظالم سرنگون گردد والسلام

**علة وفات** — سبب وفات آن حضرت

[illegible]

**یوم وفات** — روز وفات آن حضرت

روز پنجشنبه هنگام چاشت منقولست که آن روز که آن حضرت بود به تنگ آمده و در فراش خود اضطراب زیاده می فرمود و آیه ... الم الکتاب ... پس حضرت امام حسین علیه السلام گفت ای برادر چرا اینقدر جزع میکنی ... [illegible] ... جواب داد که ای برادر جزع من ... داخل شده ام و الله اعلم

**شهادت و وفات** — وفات آن حضرت

چهارم ماه جمادی الاول و بقولی هفتم صفر و بقولی بیست و هشتم صفر و بقولی سلخ ماه مذکور منقول است که در آن هنگام آن حضرت فرمود که رخت خوابش را در صحن خانه گسترانیده بودند ... آن حضرت ... عمر بن اسحق گوید که من با شخصی به دیدن آن حضرت رفتیم آن حضرت فرمود ... [illegible] ... والسلام

**محل القبر** — مدفن آن حضرت

[illegible]

**عام وفات** — سال وفات آن حضرت

سال چهل و نهم از هجرت و بقولی سال پنجاهم آن حضرت بود و ایام پادشاهی معاویه بن ابی سفیان که ... شادی عظیم از استماع خبر وفات آن حضرت روی داده و از راه حیله ... حضرت امام حسین علیه السلام نوشت ... [illegible] ... آن حضرت کنار دو اگرچه امام حسین خود ... نماز گذارده بود

**محل شهادت** — مقام شهادت آن حضرت

در خانه مبارک خود که از پدر و مادر بر او منتقل شده بود و در جنب مسجد مدینه که در وصف آن گفته: و ... فی العلی سنام رجب بعید الذکر ... ساد الوری شرفا و مجدا ... داد الزیادة + و جده الکرم ... + الی الحسن بن فاطمة ... + ... + ... والسلام

**یوم زیارت** — روز زیارت آن حضرت

[illegible]

**فضل زیارت** — ثواب زیارت آن حضرت

زیارتش در ثواب مثل زیارت رسول خداست صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین است چنانچه بسند معتبر منقولست که رسول خدا صلی الله علیه و آله بآن حضرت گفت یا بنی من زارنی حیا او میتا او زار اباک او زارک کان حقا علی ان ازوره یوم القیمة فاخلصه من ذنوبه و در خصوص زیارت خود فرموده من زار قبری بعد موتی کمن هاجر الی فی حیوتی فان لم تستطیعوا فابعثوا الی بالسلام

**مدت عمر** — مدت عمر آن حضرت

مشهور ده سال ... [illegible] ... چهل و هفت سال ... با پدر ... سال ... اول ... [illegible] ... این مکان گنجایش ندارد

# الجدول العاشر فی معرفة آثار الامام الثالث والسبط الثانی صلوات الله علیه

**اسم مبارک**

حسین است معمم حسن [illegible] و معنی و ممانی او [illegible] زاد و وی والد [illegible]
است چنانچه درین باب خود فرموده خیرة الله من الخلق ابی ثم امی فانا ابن [illegible]
من قصة فانا القفة وابن الدین بن لرجد [illegible] فی الوری [illegible] فانا ابن العرس [illegible]
است و اول امام حسن را عمر نام کرده بود امام حسین را جعفر [illegible] رسول خدا حسن و
حسین نامید [illegible] الشان [illegible] است نامهای [illegible] هارون [illegible] حسن حسین [illegible]
[illegible] امام حسین [illegible] در کتب سماوی [illegible]

**القاب**

شاهزاده لقب [illegible] شده [illegible] القول النبی صلی الله علیه و آله [illegible] اصحابه [illegible] الحسین سید شباب اهل الجنة
نفس [illegible] سیم [illegible] و [illegible] [illegible] را [illegible] عوفی [illegible] بوزن [illegible] است یعنی و [illegible]
در [illegible] باخیر و برکت و تابع یعنی پیرو دین جد خود [illegible] الاسباط [illegible] شهید [illegible]
[illegible] النور الی [illegible] یعنی روشن [illegible] اثنا [illegible] آل عبا [illegible] ترتیب [illegible]
جدول امام حسن اشاره بران رفت و بقولی خامس آل عبا بنابر بیت ظاهر والله اعلم

**حسب و نسب**

[illegible]

**کنیت**

ابو عبدالله و ابوالائمه و ابوالمساکین زیرا که فقرا و مساکین را نوازش [illegible] جوادی [illegible]
[illegible] درین باب گفته اند [illegible] قبلکم من قبلو [illegible] من بعدهم [illegible] والناس
ارض فی السماحة [illegible] اذا عدوا الکرام [illegible] آدم [illegible]
[illegible] اول [illegible] اجماع [illegible] اختلاف [illegible]
حضرت [illegible] کار آن حضرت [illegible] باشد [illegible]
[illegible]

**القاب و امه**

[illegible] امیرالمؤمنین علیه السلام [illegible] فاطمه زهرا صلوات الله علیها [illegible]
[illegible] درین باب خود فرموده است انا ابن علی الخیر [illegible] هاشم [illegible]
[illegible] اکرم [illegible] الخلق [illegible] فاطمة [illegible]
کتاب [illegible] الهدی [illegible] والخیر [illegible] الارض [illegible]
رسول الله [illegible] الناس [illegible] یوم القیمة [illegible] والله اعلم بالصواب

**صلوات**

[illegible]

**مولد**

روز سه شنبه و بقولی روز پنجشنبه مروی است که درین روز رسول خدا صلی الله علیه
و آله آن حضرت را بر دست گرفته اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ [illegible]
[illegible] ملائکه و [illegible] درگاه خدا [illegible] بآن حضرت [illegible] خود [illegible] خدا
[illegible] مرویست که آن حضرت را در جامه حریر بهشت پیچیده [illegible] رسول الله [illegible]
حضرت [illegible] اللهم انی اعیذه بک و اولاده من الشیطان الرجیم
عقیقه او [illegible] برادرش [illegible]

**شهر ولادت**

شهر ولادت او در روز سیم ماه شعبان و بقولی [illegible] مذکور [illegible] سنت مولد است
و بقولی [illegible] شهر ربیع الاول [illegible] ربیع الاول [illegible] شش ماه قبل از ولادت
[illegible] امام حسن علیه السلام [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] فاصله میان او و برادرش [illegible] ماه [illegible]
[illegible] میان [illegible] خصوص [illegible] ولادت آن حضرت درین جدول مذکور است
و ایام ولادت امام حسن علیه السلام که در جدول سابق گذشت فاصله [illegible]

**ساعت مبارک**

[illegible]

**تاریخ ولادت**

بقولی سال سیم از هجرت اما بقولی اصح سال چهارم از هجرت در ایام دولت هرمز
و بقولی خسرو پرویز و بقولی شهریار و بقولی ایام بادشاه یزدجرد بن شهریار بود که در
زمان خلافت عمر [illegible] بمقاومت سلمان [illegible] بجانب فارس گریخت [illegible]
در انجا بود [illegible] و بازار صولت لشکر اسلام از فارس بخراسان گریخت

**اصحاب**

انس [illegible] الحارث الکاهلی [illegible] سعد بن حنظله [illegible] الموالی [illegible] جابر [illegible] جعفر
[illegible] بن الحارث [illegible] بن مظاهر [illegible] زید بن
[illegible] بن [illegible] سعد [illegible]
[illegible] بن عمرو [illegible]
غلام [illegible] سفیان [illegible] عبدالله [illegible]
[illegible] عباس بن علی [illegible] حسن [illegible]
[illegible] عبدالرحمن [illegible] عمران بن کعب والله اعلم بالصواب

**معجزات**

[illegible]

**نقش خاتم**

وسیله جنت رحمت و مغفرت و کفاره گناهان اختصاص برسول خدا صلی الله علیه و آله
فاطمه زهرا و امام حسن مجتبی و آن حضرت دارد درین توسل اللهم صل علی محمد و آل محمد
[illegible] اسئلک [illegible] علی طاعتک و رضوانک و تعالی
[illegible] اولیائک [illegible] جواد کریم غفور رحیم

**مدت عمر**

پنجاه و هفت [illegible] پنجاه و هشت سال [illegible] ماه اما [illegible] اقوال مختلف در ماه و سال ولادت
[illegible] احتمال [illegible] پنجاه و هفت سال [illegible] پنجاه و هفت [illegible] روز دوم پنجاه و هفت سال [illegible]
[illegible] پنجاه و شش سال [illegible] پنجاه و شش سال [illegible] پنجاه و هشت سال [illegible]
[illegible] پنجاه و هفت سال [illegible] پنجاه و هفت سال [illegible]
و هفت سال [illegible] پنجاه [illegible]
[illegible] والسلام

# بقیة الجدول العاشر فی معرفة احوال الامام الثالث و السبط الثانی صلوات الله علیه

## نقش خاتمه

الا ان الله بالغ امره یعنی بدرستی که حق تعالی بجا آورنده فرمان خود است و نقش یاین کلمه بر نگین جهت توسعه روزی فایده عظیم دارد و بقولی نقش نگین ان حضرت لکل اجل کتاب بوده و بعضی گفته‌اند حسبی الله بوده و نقش این کلمه برای حفظ نیکوست خصوصا اگر نگین عقیق باشد و عقیق از برای خلاصی از دست ظالم تاثیر عظیم دارد و اگر عقیق زرد باشد و در روی ان ماشاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله و در تحت ان محمد و علی نقش کنند برای توسعه معیشت و دولت فایده عظیم دارد

## دعا

اللهم انی اسئلک بکلماتک و معاقد عزک و سکان سمواتک و ارضک و انبیائک و رسلک ان تستجیب لی فقد رهقنی من امری عسرا فاسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل لی من امری یسرا و خواندن این دعا بعد از فریضه موجب فتح و فرج و غلبه بر دشمن و آسانی کارها و قضای دین و شرح صدر و تلقین شهادتین است نزد موت و موجب رفاقت ان حضرت است در آخرت و همسایگی او در بهشت

## صلوات

[illegible]

## زوجاته

سوای کنیزان خاصه پنج زن نکاحی داشت اشهر ایشان شهربانو بنت یزدجرد بن شهریار کسری پادشاه فارس که نام اصلی وی شاه زنان است و بعد از اسیر شدن بمدینه آوردند عرض میان امیرالمؤمنین و حسین علیهم السلام مخیر کردند ... امام حسین علیه السلام ... و لیلی دختر ابی مرة بن عروة بن مسعود ثقفیه ... رباب بنت امرء القیس ... ام اسحق بنت طلحه ... قضاعیه نام که پدرش معلوم نشد

## عدد اولاده

بقولی چهار پسر و دو دختر و بقولی شش پسر و دو دختر و بقولی اصح شش پسر و چهار دختر علی اکبر در کربلا با آن حضرت شهید شد از لیلی بنت عروه و دیگر علی اوسط ملقب بامام زین العابدین که از شاه زنان بوده و بقولی مادرش ام ولد بوده و علی اصغر که در شیرخوارگی در کربلا بر جانش شهید شد مادرش معلوم نیست ... عبدالله که در کربلا شهید شد ... و دختران فاطمه و سکینه ... و دیگر دختری هم معلوم نیست

## علة وفاته

[illegible]

## یوم وفاته

روز جمعه و بقولی روز دوشنبه و اول اصح است بهر تقدیر وقت نماز عصر بود که ان حضرت در عین کربلا و تقید کلی آلات حرب و ضرب در عین کارزار نماز عصر بطریق نماز خوف با ابو ثمامه صائدی و حبیب بن مظاهر و زهیر بن قین و سعد بن عبدالله با جماعت گزارده بعد از نماز بقتال روی آورد تا شهید شد و در آن وقت لازم است بر شیعیان اگر روزه دارند افطار کنند زیرا که در آن وقت جنگ آل البیت برطرف شد و روایت که بعد از شهادت ان حضرت عالم سیاه شد و زلزله و باد مخوف وزیده و از آسمان صدای مهیب برآمد و بعد از لحظه دنیا بحال خود آمده

## تاریخ وفاته

دهم ماه محرم بر که در این روز باید خواند در ان سال بیشتر: بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الله ملاء المیزان و منتهی العلم و مبلغ الرضا و زنة العرش لا ملجأ و لا منجا من الله الا الیه سبحان الله عدد الشفع و الوتر و کلماته التامات برحمتک لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و هو حسبی و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین صلوات فرستد و بگوید یا فالق ... یا کاشف ضر ایوب یا غافر ذنب داود یا سامع دعوة موسی و هارون یا رحمن الدنیا و الآخرة و رحیمهما صل علی محمد جمیع الانبیاء و المرسلین و اقض حاجاتی فی الدنیا و الآخرة برحمتک یا ارحم الراحمین

## مدفنه

[illegible]

## سنة وفاته

سال شصت و یکم از هجرت بود در ایام پادشاهی یزید پلید که بعلت قتل آنحضرت آشوب عظیم در همه عالم بهم رسید خصوصا در میان شیعیان و شقاوت یزید لعین و تابعان او لعنهم الله بر هر کس ظاهر و هویدا شد و ملعون ابدی گشتند و اوضاع عالم دگرگون شد ... و تمام قاتلان ... بعقوبت رسیدند ...

## موضع وفاته

کنایت از زمین کربلا و ... در زمین ... که در حین جنگ بعد از کوشش و برطرف شدن قوت و قدرت از بسیاری زخم ... بر روی خاک ... و آن حضرت ... دو شمشیر ... صالح بن وهب مزنی لعنه الله ... نیزه بر پهلوی آن حضرت زد ... شمر حرامزاده سر مبارک را ... جدا کرد ... و خاک مقتل ...

## فضل زیارته

[illegible]

## خصائصه

شجاع ترین امت بوده ... بیکساعت از روز ... و زوار او برو ... و عبادت بر مهر و تسبیح از خاک او و شفای امراض از خاک او و استجابت دعا در زیر قبه او ... ایام عمره زیارت آن حاضر شدن ... و وجوب زیارت و ظاهر شدن بوی عطر از خاک او و تسبیح تربت او الی آخر الزمان

## مدت عمره و ایام امامته

مشهور پنجاه و هفت سال و ... سال با جدش رسول الله ... سال با پدرش ... سال با برادرش حسن ... و بعد از برادر یازده سال ... و مدت امامت یازده سال ... روز ...

[illegible] ... آثار امام چهارم حضرت امام زین العابدین صلوات الله وسلامه علیه

# الجدول الحادی عشر فی معرفة آثار الامام الرابع الراکع الساجد علیه السلام

**اسم و لقب و کنیت آنحضرت**

علی کنانو ... و معنی ... و مناقب است چنانچه در این باب ... علی بن الحسین ... علی الاتی ... امام الهدی ... ابا و خیر الوری ... از شرف فوق النجوم ... لسان ... بالغیب ... بتخلاف التی وجود ... طالب ... بحار العقول من ... ونفس ... [illegible]

**القاب**

السید ... سید الساجدین ... زین العابدین ... [illegible]

**حسب و نسب**

[illegible]

**کنیت**

در اول ابو الحسن ثانی دوم ابو محمد ... ابو بکر ... شیعیان ... لیکن ... چون ائمه علیهم السلام ... ایام تقیه ... خواستند ... ابی بکر و عمر و عثمان ... نامها ... امیر المؤمنین علیه السلام ... [illegible]

**امهات**

بقولی ام ولد ... بقول اصح شهربانو بنت یزدجرد بن شهریار بن خسرو پرویز ... کسری بوده ... شاه زنان ... خلافت امیر المؤمنین علیه السلام ... محمد بن ابی بکر ... قاسم ... امام زین العابدین خاله زاده اند والسلام

**اخلاق و فضائل**

[illegible]

**مولد**

یوم الجمعه بقولی یوم الخمیس یوم الثلثاء و بقولی یوم الاحد وقت ظهر در مدینه طیبه ... خلافت امیر المؤمنین علی علیه السلام ... شهر جمادی الاول ... جمادی الثانی ... شعبان المعظم ... [illegible]

**ساعت**

ساعت چهارم ... السموات والارضین ... الجنة ... علی بن الحسین ... بعد از آن ... بالجبت والطاغوت ... آل محمد ... والسلام

**اصحاب**

[illegible]

**سن فلان**

سال سی و ... از هجرت ... بقولی ... علی علیه السلام ... امیر المؤمنین علیه السلام ... فرات ... امام حسین علیه السلام ...

**صلوات**

اللهم صل علی علی بن الحسین زین العابدین الذی استخلصته لنفسک وجعلت منه ائمة الهدی الذین یهدون بالحق وبه یعدلون اخترته لنفسک وطهرته من الرجس ... اللهم صل علیه افضل ما صلیت علی احد من ذریة انبیائک حتی تبلغ به ما تقر به عینه فی الدنیا والآخرة انک عزیز حکیم والسلام

**معجزات**

[illegible]

**نقش خاتم**

الهی ... سلطان ... شیطان ... علی بن الحسین علیه السلام ... [illegible]

**مدت عمر**

پنجاه و هفت سال ... پنجاه و هشت سال ... [illegible]

[illegible]

# بقية الجدول الحادی عشر فی معرفة آثار الامام الرابع والراکع الساجد صلوات الله علیه

## نقش خاتمه

لکل غم حسبی الله یعنی تو دہر اندوہی بس است مرخدا و نقش این کلمہ برنگین معینہ دفع اندوہ و بقولی نقش نگین آنحضرت الله شہود یعنی او سبحانہ گواہ و مدد است مومنان را بقولی القی بامہ بود یعنی اعتماد من بخداست و بقولی ان الله بالغ امرہ بود یعنی برساند خدا ارادۂ خود است و بقول نقش نگین عیسی بن مریم بود و آن این است خزی و شقی قاتل الحسین بن علی... [illegible] الله من اجله

### دعائه

یا دائم یا دیموم یا حی یا قیوم یا کاشف الغم یا فارج الهم یا باعث الرسل یا صادق الوعد صل علی محمد وآل محمد وافعل بی ما انت اهله و دعا ... اللهم انی اسئلک باسمک ... لا اله الا هو رب العرش العظیم ... [illegible]

## عدد اولاده

[illegible]

## ازواجه

بقولی یک زن نکاحی داشت لا غیر و او ام عبد الله دختر امام حسن مجتبی بود و مادر ابی جعفر محمد بن علی الباقر علیہ السلام و بقول عبد الله بن زاہد نیز او ... و باقی فرزندان از کنیزان خاص ... [illegible]

### صلوته

چہار رکعت بعد از وضوی کامل ... [illegible] ... فاسئلک باسمائک التی اذا دعیت بها علی ... صل علی محمد وآل محمد ... [illegible]

## علة وفاته

[illegible]

## عام وفاته

یوم السبت و بقولی یوم الاثنین دوازدہم شہر محرم الحرام و بقولی ہجدہم آن ماہ مذکور و بقولی بیست و پنجم آن در سنہ یکصد و دوم از ہجرت و بقولی سال نود و چہارم و بقولی یک نود و دوم ... آن سال را عام الفقہاء نامیدند از بسیاری فوت شدن علماء و دانشمندان و ارکان شیعہ در آن سال ... شد در زمان خلافت ہشام بن عبد الملک ... [illegible]

### تعقیبه

[illegible] ... من ماله فی طاعة الله وما ذا ابقی الحق یصنع العبد بعز الغنی والعز للمتقی

## مدة امامته

[illegible]

## خصائصه

تالیف صحیفۂ کاملہ کہ مصحف اہل بیت و زبور آل محمد است ... بجانب عرب و عجم ... قال رسول الله صلی الله علیہ وآلہ ان الله من عبادہ خیرتین فخیرتہ من العرب قریش و من العجم فارس ... خدا از آنحضرت شد ... اختیار کرد و اول کسیست کہ مہر و تسبیح خاک امام حسین سجدہ و عبادت کرد ... زین العابدین ...

### مدفنه

در مدینہ وفات یافت در خانۂ خود و در بقیع نزد عم بزرگوار خود مدفون گشت ... [illegible] ... در جنة البقیع ... [illegible]

وماند طاس ای کاشتہ بہشت

## [illegible]

[illegible]

## فضل زیارته

قال الرضا علیه السلام ان لکل امام عهدا فی اولیائه وشیعته وان من تمام الوفاء بالعهد وحسن الاداء زیارة قبورهم فمن زارهم رغبة فی زیارتهم وتصدیقا بما رغبوا فیه کان ائمتهم شفعاؤهم یوم القیمة وقال الصادق علیه السلام من زار اماما مفترضا طاعته وصلی اربع رکعات کتب الله له حجة مبرورة وقال علیه السلام من زار واحدا منا کمن زار رسول الله صلی الله علیه وآله ...

### زیارته

بسم الله استعنت وبسم الله استفتحت وبه اعتصمت ... علیه توکلت والیه انیب فاعذنی اللهم من کل طارق طرق فی لیل غسق ... قل هو الله احد ... المتردد بین الکاف والنون ... قبل ان تکون ... [illegible]

# الجدول الثانی عشر فی معرفة احوال الامام الخامس و الحبر المؤسس صلوات الله و سلامه علیه

**اسم**

محمد است یعنی از باب تفعیل جهة مبالغه و تکثیر آن یا تفعیل لفظ احمد ازان است کر چون [illegible] …

**القاب**

[illegible]

… تا باقر العلم لاهل التقی + و خیر من لبی علی الجبل … امام حق فاق فی فضله + العالمین …

**کنیت**

[illegible]

**کنیت**

ابو جعفر است و پس از ظاهر بعضی اخبار مفهوم میگردد که مکنی ابو الحسن … امام جعفر صادق علیه السلام … [illegible]

حضرت منقول است کنا نکنی اولادنا فی صغرهم مخافة النبز ان یلحق بهم …

**صلوات**

اللهم صل علی محمد بن علی باقر علم الاولین و الآخرین و امام الهدی و قائد اهل التقوی و المنتجب من عبادک اللهم و کما جعلته علما لعبادک و منارا لبلادک و مستودعا لحکمتک و مترجما لوحیک و امرت بطاعتک و حذرت عن معصیته و صل علیه یا رب افضل ما صلیت علی احد من ذریة انبیائک و اصفیائک و رسلک و امنائک یا رب العالمین

**نقش خاتم**

[illegible]

**والده**

ام عبد الله دختر امام حسن مجتبی علیه السلام که بقول جمعی کنیه اش ام عبد الله و نام اصلی او فاطمه بوده … [illegible]

**حمل**

[illegible]

**ساعت**

[illegible]

**شهر و ولادت**

در اول رجب … [illegible]

اسماء الانبیاء … [illegible]

**سنه ولادت**

سال پنجاه و هفتم و بقولی پنجاه و ششم از هجرت … [illegible]

**اخلاق**

[illegible]

**سن**

توفیق کسب علم در یافت معرفت … [illegible] … اللهم انی اسئلک بحق ولیک علی الباقر و انی اتوسل الیک به ان ترزقنی علما کثیرا نافعا و فهما کاملا و یقینا صادقا تطمئن به قلبی و توصلنی الی درجات المقربین فی معرفة امور الدین امین یا رب العالمین

**مدت عمر**

پنجاه و هشت سال … [illegible]

# بقیة الجدول الثانی فی عشر معرفة احوال الامام الخامس و الحبر المونس صلوات الله وسلامه علیه

## نقش خاتم

انگشتری آنحضرت عقیق بود و نقش آن علی بالله ... و بقولی الغرة لله ...
و بقولی العلی ... نقش نگین آنحضرت چنین بود که ظنی بالله حسن و بالنبی المؤتمن و بالوصی ذی المنن
و بالحسین و الحسن ... و نقش این کلمات در نگین موجب ... از عقوبات ...
و نیز از آنحضرت مرویست که ... نقش خاتمه آیة من کتاب الله عفر له و روایت نقش خاتم القاسم ...

## دعای

اللهم ان کان لی عندک رضوان و ود فاغفر لی و لمن تبعنی من اخوانی و شیعتی و طیب
ما فی صلبی یا ارحم الراحمین ...
انتم ... ام نحن الزارعون ... قل الله الزارع ...
... اللهم صل علی محمد و اهله ...
و الغبطة ...

## صلوات

[illegible]

## عدد اولاد

بقولی چهار پسر ... و بقولی سه دختر ... امام جعفر صادق علیه السلام و عبد الله که ... ابراهیم و عبد الله ... و دختران ... زینب ...
... علی و زینب ...
نظم فنحن علی الحوض ورّاده نذود و یسعد ورّاده فما فاز من فاز الا بنا
و ما خاب من حاد اداده و من سرّنا نال منا السرور و من ساءنا ساء
میلاده و من کان غاصبنا حقنا فیوم القیمة میعاده

## زوجات

سوای کنیزان ... ام فروه بنت قاسم بن محمد بن ابی بکر ... مادر امام جعفر صادق
و عبد الله ... ام حکیم بنت اسد بن المغیرة الثقفیه مادر ابراهیم
و عبد الله ... و زینب

## احتجاجه

[illegible]

## علة وفاته

سمی بود که ابراهیم بن ولید والی مدینه در میان طعام بخورد آنحضرت داد و آنحضرت بدان سبب
از این عالم ... و بقولی هشام بن عبد الملک آنحضرت را
مسموم کرد منقول است که آن حضرت ...
از ... این کلمات ... فلم ائتمر و نهیتنی فلم ازدجر
فها انا ذا عبدک بین یدیک و لا اعتذار

## وفات

یوم الاثنین ... ربیع الاول و بقولی ربیع الثانی ...
روایت ... آنحضرت ...
...
... و تکفین ...
... علی ...

## نصائحه

[illegible]

## سنة وفاته

سال یکصد و چهارم از هجرت و بقولی یکصد و هفتم و بقولی صد و ... از هجرت ...
... آنحضرت ... در آن سال که وفات یافت
... قتل علی بن ابی طالب و له ثمان و خمسین سنة و قتل الحسین
علیه السلام و له ثمان و خمسین سنة و مات علی ابن الحسین و له ثمان و خمسین سنة
و انا الیوم ... و این مؤید قول اول ...
... امام حسین ... امیر المؤمنین ... موافق نیست

## مدفنه

در قبرستان بقیع در جائی که پدر بزرگوارش مدفون بود ... در قبه عباس بن عبد المطلب
منقول است که آن حضرت را بهمان قبری که پدرش مدفون بود ...
... و این معنی ...
نیست مگر آنکه ...
... باشد

## اصحابه

[illegible]

## حرز

اللهم یا نور السموات و الارض ... یا من خضع ... کل جبار و ذل ... اهل الانظار
... رب العالمین ...
... المنازل ... بالاسحار ...
...
... العالمین
... الله اصوانا و انا الله العالمین ...

## ملاحظات

نوزده سال و دو ماه و بیست و پنج یوم گفته اند ...
... صورت حاصل کرد ... سال و دو ماه و بیست و پنج روز یا نوزده روز یا دوازده روز ...
سال و دو ماه و بیست و پنج روز یا نوزده روز یا دوازده روز ... یک سال و دو ماه و بیست
و پنج روز یا نوزده روز یا دوازده روز ... و دو سال با کسرهای مذکوره بیست و سه سال
با کسرهای مذکوره بیست و چهار سال با کسرهای مذکوره ...
... سال و دو ماه و بیست و پنج روز ... سال با کسرهای مذکوره هفت سال با کسرهای مذکوره

# الجدول الثالث عشر في معرفة احوال الامام السادس و العالم الکایس صلوات الله

| | | | |
|---|---|---|---|
| **اسم** — بیان نام آنحضرت | معرفت کرد الله میگفت بر کثرت منوبات و علوم غیرمتناهی چه بنهر جاری کثیر النفع را جعفر گویند و جمع آن جعافر است و جعفر نام نهر بیست در بهشت پس وجه مناسبت آنکه علوم اهل بیت نبوت از آنحضرت ترویج مذهب اثنا عشری گردید و ... از آن حضرت فیضان نموده و خود نیز در خصوص سر حکایت معاد از کثرت افاده خود فرموده که یمشون النهار و یضیقون النهر العظیم یعنی طلب علیم نزد ما جعفر غریم میروند در یکبره بوی کوچک را میکنید و نهر پر آب معاف را که عبارت از آن حضرت است میگذارند | **القاب** — بیان القاب آنحضرت | صادق یعنی راستگو بنده مصدق بخبر ان او در ارضه ... فاضل یعنی ... کاشف الحقایق یعنی ظاهر کننده حقیقت ... صابر یعنی صبر کننده ... صبیرم و ... |
| **حسب** — بیان حسب آنحضرت | [illegible] | | |
| **کنیت** — بیان کنیت آنحضرت | اول ابوعبدالله است چنانکه حضرت را پسری بود باین نام که پا های امام چون پای فیل شده بود و برادر عبدالله افطح گفتندی و بعد از فوت آن حضرت دعوی امامت کرد ... و مذهب فطحیه منسوب است ... ابو اسمعیل ... پسری داشت در نهایت جمال و کمال صوری و معنوی و مردم گمان میکردند که امامت به او میرسد ... پدر فوت شد و آن حضرت ... آن جماعت اسمعیلیه ... | **نقش خاتم** — بیان نقش خاتم آنحضرت | اللهم صل علی جعفر بن محمد الصادق خازن العلم الداعی الیک بالحق النور المبین اللهم فکما جعلته معدن کلامک و وحیک و خازن علمک و لسان توحیدک و ولی امرک و مستحفظ دینک فصل علیه افضل ما صلیت علی احد من اصفیائک و حججک انک حمید مجید |
| **اصحاب** — بیان اصحاب آنحضرت | [illegible] | | |
| **نسب** — بیان نسب آنحضرت | پدر بزرگوارش امام محمد باقر علیه السلام ... مادرش ام فروه بنت قاسم بن محمد بن ابی بکر ... فروه ... در عهد ... امام محمد باقر علیه السلام ... امام جعفر صادق ... بنت عبدالرحمن بن ابی بکر است ... | **مولد** — بیان مولد آنحضرت | یوم الاحد و بقولی یوم الاثنین هفدهم شهر ربیع الاول که روز شریف عظیم البرکه است و از جمله اعیاد اربعه است و روزه آن را فضل بسیار و ... یک سال ... متولد شد در مدینه طیبه در زمان خلافت عبدالملک بن مروان سنه ثلاث و ثمانین من الهجرة النبویة و بقول اصح در سال هشتادم از هجرت که آن را عام الجحاف میگفتند باعتبار قحط |
| **مناجات** — بیان مناجات آنحضرت | [illegible] | | |
| **شمائل** — بیان شمائل آنحضرت | در اکثر احوال و اشکال چون پدر عالیمقدار خود بود ... سرخ رو ابروهای پیوسته و خال سیاه بر گونه راست و گردن بلند چون صراحی از نقره ... محاسنش نه بسیار انبوه و نه بسیار تنک دندان های درشت سفید و میان دو دندان پیش ... و پنج سال پیش از فوت ... و میان دو ... اندک ... و آن نشان ذکا و علم و نجابت است | **اخلاق** — بیان اخلاق آنحضرت | از همه خلایق دانا تر و حلیم تر ... در راه خدا ... فی زمن طویل فلا تباس فان الیاس کفر لعل الله یغنی عن قلیل فلا تظنن بربک ظن سوء فان الله اولی بالجمیل |
| **معجزات** — بیان معجزات آنحضرت | [illegible] | | |
| **سلام** — بیان سلام بر آنحضرت | توفیق یافتن بر طاعات و عبادات و ادای سنن و قربات و ترک محرمات ... بتوسل جستن بآنحضرت علیه السلام ... اللهم انی اسئلک بحق ولیک الصادق جعفر بن محمد الصادق الا اعنتنی به علی طاعتک و رضوانک و بلغتنی به ما یرضیک عنی انک فعال لما ترید | **مدت عمر** — بیان مدت عمر آنحضرت | مشهور شصت و پنج سال ... در حیات جدش ... و در فوت ... شصت و ... سال ... و ... |

# بقیة الجدول الثالث عشر فی معرفة احوال الامام السادس صلوات الله وسلامه علیه اجمعین

## نقش خاتم — نقش انگشتر آن حضرت

انت ثقتی فاعصمنی من خلقك یعنی توئی اعتماد من ای پروردگار پس نگاه دار مرا از شر خلق خود و بقولی الله ولیی وعصمتی من خلقه نقش هر یک از این کلمات نگین حضرت اگر عقیق باشد موجب محفوظ بودن از ناگهانیها است و بقولی نقش نگینش الله ولیی الغنی بود از برای انگشتری که موروث است و بقولی الله خالق کل شیء بود و بقولی ما شاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله ... انت ثقتی فقنی شر خلقك بوده والسلام

### دعای حاجت — دعای آن حضرت

یا دیان غیر متوان یا ارحم الراحمین اجعل لشیعتی من النار وقاءً ولهم عندك رضی فاغفر ذنوبهم ویسر امورهم واقض دیونهم واستر عوراتهم وهب لهم الکبائر التی بینك وبینهم یا من لا یخاف الضیم ولا تأخذه سنة ولا نوم اجعل لی من کل غم فرجا ومخرجا ... و دعای دیگر ... بسم الله الرحمن الرحیم ان الله وعد الصابرین المخرج مما یکرهون والرزق من حیث لا یحتسبون وجعلنا الله وایاکم من الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون ...

## احتجاج — احتجاجات آن حضرت

[illegible]

## علت وفات — سبب وفات آن حضرت

سمی بود که منصور خلیفه لعین داده بود در میان مجلس در طعام و بقولی انگور ... گویند چند مرتبه مسموم کرده ... در رقعه شفا یافت ... بهم رسانید ... وفات یافت ... عمر بن یزید گوید ... از او در مرض موتش ... دیدم ... آثار مرض شدید ... بسیدم که وفات ... گویند علوم ... امام ... لیس ... معجزی ... شفا یافت ... چند بار مسموم شد ... در بوده ... اکنون جواب ... خواهی ...

### وفات — وفات آن حضرت

یوم الاحد و بقولی یوم الاثنین بیست و پنجم ماه شوال و بقولی بیست و پنجم ماه رجب سنه یکصد و چهل و هشت ... الهجرة النبویة ... در زمان حکومت منصور خلیفه لعین ابو جعفر دوانیقی و باعتبار اکثر ... از طعام ... و فرزند ... وفات ... بر آن حضرت ... حضرت امام موسی کاظم ... معارضه ... گفته ... آخر حضرت کاظم علیه السلام ... چند ... در قرار آمد

## مناقب — مناقب آن حضرت

[illegible]

## مدفن — مدفن آن حضرت

در قبر پدر و جد خود در بقیع مدینه که در وصف زیارت آن گفته اند نظم ایا راکبا نحو المدینة ... فذا فرقد ... ازاما علاء ... آل الله ... الاباطی ... الله ... الرحمن ... الیک ... عطا ... خان ولی الله والقائم الذی ... مرویست که ... سلطویه ... علی بن الحسین علیه السلام ...

### فضائل کلام — کلمات آن حضرت

فرمود که ... طایفه ... الاحرار ... العرب ... بالاکرم والشجاعة ... بالحجر ... والعلماء ... والجود ... المعبود ... و فرمود که من ... کارد ... و فرمود که من اکرم ... النساء ... الاعمار ... الدیار ... زیدی ... علمه ... فرمود ... عطای ...

## عدد اولاد — عدد اولاد آن حضرت

[illegible]

## ازواج — ازواج آن حضرت

سوای کنیزان خاصه دو زن نکاحی داشت فاطمه دختر حسن بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب بود مادر اسمعیل و عبد الله وام فروه و یک زن دیگر خواسته بود از وی فرزندی معلوم نیست نام و نشان او نیز بنظر نرسیده اما از سراری یازده نفر دیگر خاصه داشت از اکثر ایشان فرزند بهم رسانید و نام و نشان ایشان نیز مضبوط نیست سوای حمیده بربریه مادر امام موسی کاظم علیه السلام که در جدول آینده مذکور است که معلوم خواهد شد

### خصائص — خصائص آن حضرت

انتساب نسبت بآن حضرت باعتبار کثرت ... آن ... کرم و ... در تحت ... مناقب الصادق مشهورة ینقلها الصادق ... کما جری فی الجیل السابق ... اهل الارض فی عصره ... فضل ... مطلق ... السبعین کانما ... الناظر ... بکمال ...

## ... — ... آن حضرت

[illegible]

## زیارت — زیارت آن حضرت

سه شنبه است و زیارتش قبل گذشت اما زیارتی که او را وسایر ائمه را در همه روزه جا توان کرد ... السلام علیك یا ابن النبی المرسل ... وسیدة النساء الکبری ... والاولاد الکرام ... الیکم ... الله ... والملکوت ... علیکم و رحمة الله و برکاته +

### مدت خلافت — مدت خلافت آن حضرت

سی و سه سال تقریبا و بقولی سی و چهار سال بنابر مشهور اما از اختلاف اقوال در تاریخ فوت آن حضرت و تاریخ فوت والد ماجد ... سال ... مدت خلافت ... احتمال ... سی سال ... ماه ... دویم سی سال ... ماه ... سی و سه سال ... ماه ... دو روز ... سال و شش ماه و دو روز قول اول احتمال اصح است

# الجدول الرابع عشر فی معرفة احوال الامام السابع و العالم الباذع علیه السلام

## اسمه و لقبه

... اصل این نام بزبان قبطی است و معنای آن ... از خوف فرعونیان ... ساختن ... کرده بود که اگر فرزندشان پسر باشد هلاک شود ... آنحضرت را پنهان ... ساخته بود و آخر تابوت ... در نزد ... آب ... فرعون ... آن تابوت را از میان آب و درخت یافتند ... آب را مو و درخت را سا گویند لهذا موسی شد

## صلواته

اللّهم صلّ علی الامین المؤتمن موسی بن جعفر الوفیّ الطّاهر الزّکیّ النّور المبین المجتهد المحتسب الصّابر علی الاذی فیک اللّهمّ و کما بلّغ عن آبائه ما استودع من امرک و نهیک و حمل علی المحجّة و کابد اهل العزّة و الشّدّة فیما کان یلقی من جهّال قومه فصلّ علیه افضل ما صلّیت علی احد ممّن اطاعک و نصح لعبادک انّک غفور رحیم

## اولاده

[illegible]

## القابه

اول کاظم ... فرو برنده خشم ... آنحضرت از دشمنان ... لهذا تمام امور ... صابر ... عبد صالح ... دوم ابو الحسن ... ابو العلی ... امین ... و بعضی گفته‌اند ...

## کناه

اول ابو الحسن ... اکثر اوقات بدین کنیت نامیده شده ... دوم ابو العلی ... امام رضا علیه السلام ... سیم ابو اسمعیل ... چهارم ابو ابراهیم ... دلائل امامت ...

## بناته

[illegible]

## مولده

روز یکشنبه هفتم ماه صفر المظفر در سال یکصد و بیست و هشتم از هجرت ... در ابواء که منزلی است میان مکه و مدینه ... در ایام دولت ابراهیم ... و اول ... مروی است ... حاضران سلام کرد و ... اسلام ...

## عقیقته

... تو نفسی بود ... سنت است ... رسول خدا ... قصد کردند ... العقیقة ... الطعام و ...

## اخوانه

[illegible]

## دعاء عقیقته

بسم الله و بالله اللّهم عقیقة عن فلان ... اللّهم ... السلام و در روایت دیگر ... بسم الله و بالله ... علی رسول الله صلی الله علیه و آله ... الحمد لله ... اللّهم لک و بک ...

## اخلاقه

... قامت و ضعیف ... شدید السمرة ... اوقات ... تنهائی ... و قبل از سلام ... بخشش ... اخلاق حمیده آن حضرت ...

## اصحابه

[illegible]

## نسبه

پدرش حضرت جعفر ... مادرش ... ابوالحسن ... امام موسی علیه السلام ... سلیمان ... فرمود ...

## توسله

... شفای امراض ... بسلامت ... حضرت ... لهذا ... اللّهم انّی اسألک بحق ولیّک موسی بن جعفر ... یا جواد یا کریم یا ارحم الراحمین ... بالیقین ...

بعون الله

تمت

# بقیة الجدول الرابع عشر فی معرفة احوال الامام السابع والعالم البارع علیه السلام

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| نقش خاتم / نقش خاتم آنحضرت | حسبی الله بود یعنی بس است مرا خدا و در نقش ظلال و در تحریر کلی بود و بقولی العزة لله بود یعنی غلبه و عزت حقیقت مختص است برای خدائی که محمد کرده شده است و بقولی این کلمات بود که من الله علی حذر یعنی بوده باشد از غضب و سخط الهی بر حذر و بقولی انگشتر آنحضرت بعینه انگشتر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بود و الملک لله نقش داشت | دعا / دعای آنحضرت | آنحضرت را ادعیه بسیار است لیکن درین سفر و عاحبیه [illegible] یا خالق الخلق و یا باسط الرزق و یا فالق الحب یا باری النسم و محیی الموتی و ممیت الاحیاء [illegible] و مخرج النبات افعل بی ما انت اهله فانک اهل التقوی و اهل المغفرة اللهم انی اسئلک [illegible] عند الموت والعفو عند الحساب و در آخر دعا که بکیفیت عظم الذنب من عبدک فلیحسن العفو من عندک و دعای دیگر نیز وارد است اللهم اجعلها علینا رحمة و علی الکافرین عذابا و صلی الله علی محمد و آل محمد | |
| عدد اولاد / عدد اولاد آنحضرت | [illegible] | | | |
| ازواج / زنان آنحضرت | زن نکاحی هیچ نداشت همگی اولاد از کنیزان ام ولد بودند و نام ایشان معلوم نیست [illegible] مادر حضرت امام رضا علیه السلام [illegible] ... و من کتوبه کتابه او کعلی والی القائم امام حق [illegible] ... الناظم والناظم قد استوی ... علی الی ناظم [illegible] | مدت عمر / مدت عمر آنحضرت | پنجاه و چهار سال و بقولی پنجاه و پنج سال و بقولی پنجاه و شش سال که بیست سال با پدر بود و سی و پنج سال بعد از پدر و بقولی ... بیست و چهار صورت حاصل گردد ... پنجاه و بیست ... با کثرهای مذکوره پنجاه و چهار سال ... | |
| صلوات / بانوان آنحضرت | [illegible] | | | |
| وقت وفات / زمان وفات آنحضرت | روز جمعه در وقت چاشت و بقولی وقت عصر بیست و پنجم ماه رجب و بقولی ششم و بقولی بیست و چهارم و بقولی بیست و پنجم از ماه مذکور که نزد برخی از علما از کتب و اعمال وارد است... موکد است مروی است که آنحضرت از عبادت فارغ شده در سجده و شکر بود که از منادی آسمان ندا آمد یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة گوش هوش ساکنان صوامع ... تن و زبان ... مبل ورسیده آوازی ... مرغ روح مقدس ... پرواز نمود | سنه وفات / سال وفات آنحضرت | سال یکصد و هشتاد و سیم از هجرت و بقولی اصح یکصد و هشتاد و ششم از هجرت ایام خلافت هارون الرشید که از خلفای بنی العباس بود ... آنحضرت ... در بغداد ... | |
| علت وفات / علت وفات آنحضرت | [illegible] | | | |
| موضع وفات / مکان وفات آنحضرت | خانه سندی بن شاهک در خارج بغداد و گویند در جائیکه الحال مشهور است که از امام موسی کاظم گویند و آنحضرت آنجا محبوس بود و در حبس هیشه روزه بود ... بعد از سجده ... مشغول بتلاوت قرآن ... سندی ... هر آن ... گفتند موسی بن جعفر است که بسجده رفته است | محل دفن / مکان دفن آنحضرت | موضعیست نزدیکی بغداد که آنرا مقابر قریش گویند و در آن وقت معروف بباب التبن بود ... راه ... مقدس ... و السلام | |
| احوال اصحاب / اصحاب آنحضرت | [illegible] | | | |
| مدت حیات / مدت حیات آنحضرت | هارون با وقت از جهة راه ... رسول خدا اقرب از ما بید ... رسول خدا دختر است ... موسی ... حرام ... بسران رسول خدا خوانده است ... | مدت خلافت / مدت خلافت آنحضرت | مشهور سی و پنج سال ... پنجاه و چهار ... سیزده سال ... و السلام | |

# الجدول الخامس عشر فی معرفة احوال الامام الثامن والولی الضامن صلوات الله وسلامه علیه

**اسم مبارک آنحضرت**

بدانکه اسم مبارکش چون نام جد بزرگوارش مشتق از نام الهی است و در فضایل معنی آن [illegible] اسماء حسنی گذشت و این نام مقدس [illegible] اتیان از همگنان و دوازده [illegible] عدد اثنی عشر شهرت [illegible] که مراد از شهور دوازده گانه دوازده امام [illegible] و اسامی ایشان علی است علی ابن ابی طالب و علی ابن الحسین و علی بن موسی الرضا و علی النقی علیهم السلام و این دلیل صریح است بر فضیلت چهار بر هشت دیگر

**صلوات آنحضرت**

اللهم صل علی علی بن موسی الذی ارتضیته ورضیت به من شئت من خلقک اللهم وکما جعلته حجة علی خلقک وقائما بامرک وناصرا لدینک وشاهدا علی عبادک وکما نصح لهم فی السر والعلانیة ودعا الی سبیلک بالحکمة والموعظة الحسنة فصل علیه افضل ما صلیت علی احد من اولیائک وخیرتک من خلقک انک جواد کریم

**حسب آنحضرت**

[illegible]

**القاب آنحضرت**

القاب مشهورش رضا است رضی است که این دو دلالت صریح بر خوشنودی او از الطاف الهی و خوشنودی خدا از وی کند [illegible] که حضرت جوادش بعد از خدا در روایت آمده که ادنی مرتبه رضا بلند تر مرتبه تقوی ایمان است و اخلاص [illegible] خوشنودی خدا که بعد از در عنوان من ائمه [illegible] بلند تر درجه [illegible] و بیان نام الکرام [illegible] صابر و وافی یعنی صبر کننده در بلاها و وفا کننده بعهد در میان تحوم ملقب بضامن [illegible] زیرا که محل استقبال خلایق در همه روی زمین بعد مکان مکه و مدینه و نجف و کربلا [illegible] در کتب سابقه ملقب به رضا است

**کنیت آنحضرت**

ابو الحسن ثالث است از [illegible] امیر المؤمنین را ابو الحسن مطلق گویند و سید الساجدین ابو الحسن اول و امام موسی کاظم علیه السلام ابو الحسن ثانی [illegible] امام زین العابدین علیهم السلام [illegible] ابو الحسن [illegible] امام موسی کاظم و حضرت امام رضا [illegible] ابو الحسن ثانی [illegible] حضرت کاظم را ابو الحسن ماضی و ابو الحسن اول و امام رضا را ابو الحسن ثانی گویند و این کنیت حضرت کاظم [illegible] چنانچه [illegible] از آنحضرت [illegible] ابی سعید [illegible] والسلام

**معجزات آنحضرت**

[illegible]

**نسب آنحضرت**

مادرش [illegible] بود مسماة به نجمه و [illegible] ام البنین [illegible] و بقول تکتم و [illegible] شقراء و بقول [illegible] بود با ملاحت و جمال [illegible] و [illegible] سکن النوبیه بود و بقول [illegible] خیزران المرسیه [illegible] و در باب [illegible] الا ان خیر الناس نفسا و [illegible] و ادرکا و احدا [illegible] علی المعظم اشتبانه بالعلم والحلم [illegible] حمیده مادر امام موسی [illegible] او را امام [illegible] داد که امام رضا از وی [illegible] بعد از تولد آن حضرت طاهره نام نهید

**مولد آنحضرت**

روز سه شنبه و بقولی یوم الخمیس الحادی عشر [illegible] ذی الحجه [illegible] در سنه [illegible] و ماتین من الهجرة النبویه و بقولی سنه ثلث و خمسین و ماته در عهد خلافت منصور بعد از فوت حضرت صادق به پنج سال در مدینه [illegible] متولد گردید در حین تولد خوارق عادات از آنحضرت [illegible] از جمله آنکه روی [illegible] قبله [illegible] سجده [illegible] کلمه [illegible]

**شمایل آنحضرت**

[illegible]

**نصایح آنحضرت**

فرمود که قناعت [illegible] آبرو و [illegible] کننده [illegible] و دور کننده آدمی است از زیادتی طلبی [illegible] بندگی اهل دنیا [illegible] و [illegible] که اراده آخرت داشته باشد [illegible] نیز کرد [illegible] پشیمان نماید [illegible] تا حال [illegible] الزمان [illegible] وکل الطعوم [illegible] الزمان [illegible] نعیب زماننا والعیب فینا وما لزماننا عیب سوانا [illegible]

**اخلاق آنحضرت**

در شمایل چون امیر المؤمنین [illegible] فرمودی [illegible] سؤال [illegible] قرآن کردی [illegible] نرم [illegible] و [illegible] کردی و بر [illegible] داشتی و در خانه لباس کهنه پوشیدی و در نظر مردم زینت کردی [illegible] مردم [illegible] کردی

**اصحاب آنحضرت**

[illegible]

**دعای آنحضرت**

سلامتی در سفر بحر و بر و رسیدن بوطن و خلاصی از غم [illegible] حسین [illegible] حضرت علیه السلام [illegible] دعا که اللهم انی اسئلک بحق ولیک الرضا علی بن موسی الرضا الا سلمتنی به فی جمیع اسفاری فی البراری والبحار والجبال والقفار والاودیة والغیاض من جمیع ما احذره انک رؤف رحیم

**احتجاج آنحضرت**

مکالماتش [illegible] با طایفه از علما و متکلمین بسیار است [illegible] رسید [illegible] خلق [illegible] فرمود خدا [illegible] که بنده را مجبور [illegible] و اگر [illegible] فرمود حکیم [illegible] که بنده را [illegible] چون [illegible] است [illegible] اسلام [illegible] همه گناهان است [illegible] است و متوسل [illegible] سبحانه

# بقیة الجدول الخامس عشر فی معرفة احوال الامام الثامن والولی الضامن والمعصوم المؤتمن والولی الممتحن صلوات الله علیه

**نقش نگین آن حضرت**

ما شاء الله لا قوة الا بالله بود و نقش این کلمه در نگین خصوصاً اگر عقیق زرد باشد برای توانگری بسیار مفید است بتخصیص اگر وزیران محمود و علی کنده باشد و بقولی نقش نگین آن حضرت حسبی الله حافظی بود و نقش این کلمه جهت حفظ در جنگ و امان از دشمن نفعی عظیم دارد و بقولی الله ابن رضا عبد بود و بقولی انا الله ولی بود و در جمادی الاول یا در رمضان بر نگین حک نماید این کلمات را الحلیم و لا الا الله لا حول و لا قوة الا بالله نقش کنند برای رفع علت نافع است

**دعای آن حضرت**

اللهم اعطنی الهدی وثبتنی علیه واحشرنی علیه آمنا امن من لا خوف علیه ولا حزن ولا جزع انک اهل التقوی واهل المغفرة ... مشغول می بودی فرمود اللهم سلم و ... در کار خیر مشغول باشید مگر زبان ... بسیار از کارهای خیر ... و السلام

**حرز آن حضرت**

[illegible]

**مدت عمر آن حضرت**

مشهور پنجاه و پنج سال و بقولی پنجاه و یک سال و بقولی چهل و نه سال و چند ماه و بیست و چهار سال ... چهار ماه و ... بسیار ... پنجاه سال ... [illegible]

**مدت امامت**

بیست یک سال و پنجاه و کسری و بقولی بیست سال ... [illegible]

**علامات و کرامات آن حضرت**

[illegible]

**تاریخ وفات آن حضرت**

یوم الثلثا و بقولی الصبح یوم الجمعه بیست و چهارم ماه مبارک رمضان و بقولی ... آن حضرت از جانب ... امیر المؤمنین علیه السلام ... و بقولی در ... و فات یافت ... در طوس بود

**موضع وفات**

خانه و در شهر طوس که آن حضرت ... ابا صلت ... امام محمد تقی ... [illegible]

**معجزات آن حضرت**

[illegible]

**عدد اولاد آن حضرت**

بقولی اولاد آن حضرت منحصر بود یک پسر ... امام محمد تقی است ... [illegible]

**ازواج آن حضرت**

و وزن نکاحی ... امام محمد تقی ... [illegible] ... انشاء الله تعالی

**بیان ...**

[illegible]

**فضیلت زیارت آن حضرت**

در امالی از آن حضرت منقول است ... در خراسان ... [illegible] ... از ... تا ... است

**نماز آن حضرت**

دو رکعت ... اللهم ان کان ... الحق المبین ... [illegible] ... الحمد لله الذی ... دعائی واعطانی ...

# الجدول السادس فی معرفة احوال الامام التاسع والنور الساطع علیه صلوات الله الملک القاهر

## اسم مبارک آنحضرت

[illegible]

## ذکر صلوات

اللهم صل علی محمد بن علی بن موسی علم التقی ونور الهدی و معدن الوفاء و فرع الازکیاء وخلیفة الاوصیاء وامینک علی وحیک اللهم وکما هدیت به من الضلالة واستنقذت به من الحیرة وارشدت به من اهتدی وزکیت به من تزکی وصل علیه افضل ما صلیت علی احد من اولیائک وبقیة اصفیائک انک عزیز حکیم وانت علی کل شیء قدیر

## حسب و نسب آنحضرت

[illegible]

## القاب آنحضرت

[illegible] … جواد … [illegible] … والسلام

## کنیت آنحضرت

ابو جعفر ابو الفضل … [illegible]

## معجزات آنحضرت

[illegible]

## نسب مادر آنحضرت

[illegible] … حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرموده است بابی ابن خیرة الاماء ابن النوبیة الطیبة الفم المنجبة الرحم

## مولد آنحضرت

[illegible]

## ساعت شهادت آنحضرت

[illegible]

## شمائل آنحضرت

[illegible] … والسلام

## اخلاق آنحضرت

[illegible] … والسلام

## اصحاب آنحضرت

[illegible]

## دعای آنحضرت

… [illegible] … اللهم انی اسئلک بحق ولیک محمد بن علی … علی من فضلک وتفضلت به علی من وسعک ووسعت علی من رزقک واعتق بجلالک عن حرامک وجللت لحالی البلاء انک لما تشاء قدیر

## حرز آنحضرت

الخالق اعظم واکرم من المخلوقین … [illegible] … باللوح المحفوظ والحجاب المزور … [illegible] … ونطه وبطسم وبطس وبحم وبحمعسق وبق والقرآن المجید … [illegible]

# بقیة الجدول السادس عشر فی معرفة احوال الامام التاسع والنور الساطع صلوات الله علیه الملک الصانع

## نقش خاتم آن حضرت

حسبی الله حافظی بود و بعضی نعم القادر الله گفته‌اند ... و این نقش جهت کفایت مهمات و دفع اعادی مجرب است ... [illegible] ... و اسلام از یاقوت سرخ بود و تمام ... [illegible]

## دعای آن حضرت

یا من لا شبیه له و لا مثال انت الله لا اله الا انت و لا خالق الا انت تفنی المخلوقین و تبقی انت حلمت عمن عصاک و فی المغفرة رضاک ... [illegible] ... اللهم ... [illegible]

## نصیحتهای آن حضرت

[illegible]

## عدد اولاد آن حضرت

بقولی دو پسر داشت و پنج دختر و بقول اصح دو پسر و دو دختر پسران یکی علی بن محمد است ملقب بنقی علیه السلام که امام دهم شیعیان است دیگر موسی از دختران یکی فاطمه و دیگری امامه است ... [illegible] ... شعر: نظم بها اللیل لو خابت فضل لکفکم شبعت ان الرزق فی الارض واسع اذا الخفقت بالبکر ابن الاریح ... [illegible]

## ازواج آن حضرت

سوای کنیزان زن نکاحی داشت ام الفضل دختر مامون ... که مامون بعد از یک سال از شهادت امام رضا ... [illegible] ... ام الفضل ... [illegible]

## صلوات بر آن حضرت

[illegible]

## وفات آن حضرت

روز سه شنبه اول شهر ذی القعده الحرام و بقولی آخر آن در شهر ... [illegible] ... سنه دویست و بیست ... [illegible]

## علت وفات آن حضرت

گویند معتصم عباسی ... [illegible] ... ام الفضل ... [illegible]

## استجابات آن حضرت

[illegible]

## مدت عمر آن حضرت

مشهور بیست و پنج سال ... [illegible]

## مدت امامت آن حضرت

هفده سال ... [illegible] ... والسلام

## احتجاجات آن حضرت

[illegible]

## حرز آن حضرت

[illegible]

## مدفن آن حضرت

در مقابر قریش ... [illegible] ... در کاظمین نزد جد بزرگوار خود موسی بن جعفر علیه السلام ... [illegible]

# الجدول السابع عشر فی معرفة احوال الامام العاشر والمولی القاهر الطاهر صلوات الله علیه الملک الباری

## اسمه — یعنی نام آنحضرت

علی است که دلالت صریح بر ارتفاع شان و سمو مکان آن حضرت کند چه این لفظ فعیل بمعنی فاعلست ماخوذ از علو خواه در مراتب صوری و خواه در مراتب معنوی مانند صدر بزرگوار لهذا در کتب مقدسه سماوی لطول است یعنی هم نام تمام صفات علی الخیر من المتقی مدارجها احلیه لو ثوبه صفات جلال الاحتدی لسانها لسواه ولاحت لغیر جنابه یفوقها اطفلا وکملا فاسفت معانی المعانی تهی ثنا اما بمناقب من فاضت بشهدت له بازالاته من ربه واقرابه تمت

## القابه — یعنی القاب آنحضرت

اشهر زاده لقب امین معنی لی دهیت طیب امین ناصح فتاح مرتضی نقی عالم متوکل واین لقب آنحضرت مخفی بود و که حضرت سعی بار در خطاب لقب متوکل شیعیان را حیث ممنوع کرده بودند این لقب را نگو میدند واز ترس آن ... نامید از راه تقیه ... اگر خلیفه ... تا متوکل ... احتمال ... داشت اما مشهور ترین القاب آن حضرت لقب نقی است ... عسکری ... اگر خلیفه او را ... خود طلبیده بود ... در سر من رای ... اعسکر ... بود

## حسبه

[illegible]

## کنیته — یعنی کنیت آنحضرت

ابو الحسن الرابع وبقولی ابو الحسن الثالث تفصیلیه در جدول امام رضا علیه السلام گفته شد و این کنیت باعتبار آن است که امام حسن عسکری فرزند او ست یا باعتبار ائمه ... مثل ... است ومنتهی ... طبع آنحضرت ... چنانچه در این خصوص گفته اند نظم ... علی ... واضحا ... طیبین علی ... سبل المعالی ... ولوا الایام ... ومشاکات الحکام ... لسان المرس ... کیف ... لسانی ...

## نقش خاتمه

اللهم صل علی علی بن محمد وصی الاوصیاء وامام الاتقیاء وخلف ائمة الدین علی الخلائق اجمعین اللهم کما جعلته نورا یستضیئ به المؤمنون فبشر بالجزیل من ثوابک وانذر بالالیم من عقابک وحذر باسک وذکر بآیاتک واحل حلالک وحرم حرامک وبین شرائعک وفرائضک وحض علی عبادتک وامر بطاعتک ونهی عن معصیتک فصل علیه افضل ما صلیت علی احد من اولیائک وذریة انبیائک یا اله العالمین یا ارحم الراحمین

## معجزاته — یعنی معجزات آنحضرت

[illegible]

## مولده — یعنی زمان و مکان ولادت آنحضرت

یوم السبت وبقولی یوم الجمعه وبقولی یوم الثلثاء دوم ماه رجب وبقولی پنجم از آن وبقولی ... از ماه مذکور وبقولی یازدهم از ماه ذیحجه وبقولی هفدهم از آن وبقولی ... شهر جمادی الآخر سنه اربع عشر ومائتین من الهجرة النبویه و بقول اصح اثنا عشر ومائتین در زمان سلطنت مامون الرشید موضع صریا که مکانی است در مدینه متبرکه متولد شد و ظاهر ساختن خوارق عادات در حین تولد خود

## شمائله

پدرش امام محمد تقی علیه السلام مادرش ... بود سوسن نام و بقول ... و بقولی ... بود و از غایت سفیدی چهره و ... لون و بقولی نامش سمانه بود و از راه ... اعضاء ... الغمه آورده که نامش شفرا ... بود و ... نهایت کمال و حسن صوری و معنوی و قابلیت و صلاح و همیشه روزه ... داشته و در زهد و تقوی مثل و مانند نداشت

## ... — یعنی ... آنحضرت

[illegible]

## اخلاقه — یعنی اخلاق آنحضرت

در شجاعت و جلالت و وقار ... بود و ... در مطالب ... آنحضرت ... ساختن ... هرگز ... محی ... گویند که روزی خلیفه ... بامر ... مسافت ... چون ... خلیفه ... کردان حضرت فرمود یا ... صالح تمتعوا فی دارکم ثلثة ایام ذلک وعد غیر مکذوب ...

## صفاته

متوسط القامه ... و روی ... و ... بود ... و دندان های ... و چهره ... کشا ... بر روی مبارکش ... اهل ... محبوب القلوب و صاحب هیبت ... بوی ... و ... لب مبارکش ... و در راه رفتن ... گذارده ... رفتن ... آنحضرت ... مبارکش ...

## احتجاجاته — یعنی احتجاجات آنحضرت

[illegible]

## قاتله

استعانت براداء حقوق اخوان مؤمنین و مؤمنات ... مطلب ... بتوسل ... آنحضرت ... اللهم انی اسئلک بحق ولیک علی بن محمد الا اعنتنی به علی تادیة فروضک وبر اخوانی المؤمنین والمؤمنات وسهل ذلک لی واقرنه بالخیر واعنی علی طاعتک بفضلک یا ارحم الراحمین و بروایتی بفضلک یا ارحم الراحمین

## عمره

چهل و دو سال ... بقولی چهل ... سال ... آنحضرت ... ماه ... سال ... بعد ... گفته ... شد ... که ... اعلم بالصواب

عبارة السالکین ... السعید ...

# بقیة الجدول السابع عشر فی معرفة احوال الامام العاشر و الولی القاهر الطاهر صلوات الله

## نقش خاتم

نقش خاتم آن حضرت: الله الملک و بر سنگ نگین حضرت امیر المؤمنین منقش است که فیروزه بر رو دارد و یا که بر او الملک الواحد القهار باشد امان است از درندگان و ظفر است در حربها و بقولی المتوکل حبل الله و بقولی حفظ العهود من اخلاق المعبود و نقش این کلمه بر نگین جهت دفع بلیه و رسیدن بامیدهای نفعی عظیم دارد خصوصا اگر نگین عقیق باشد بجهة خلاصی از دست ظالم و جبر نافع است مرویست از بعضی از شیعیان را ملازم خلفای جور محبس بود امام جعفر صادق حرز عقیق سرخ برای او فرستاد و تعلیمی بوی داد که بجهت او در بجهات یافت والسلام

## دعای آن حضرت

یا نور یا برهان یا مبین یا منیر یا رب اکفنی شر الشرور و آفات الدهور و اسئلک النجاة یوم ینفخ فی الصور و نزد بر خی دعای مذکور حرز آن حضرت و دعائش اینست یا عدتی دون العدد و یا رجائی و المعتمد و یا کهفی و السند یا واحد یا احد یا من هو الله احد اسئلک بحق من خلقته من خلقک و لم تجعل فی خلقک منهم احدا ان تصلی علی جماعتهم و تفعل بی کذا و کذا و مطلب گوید

## اصحاب آن حضرت

[illegible]

## روز زیارت آن حضرت

روز زیارت آن حضرت روز سه شنبه مختص باو و سه امام دیگر است بدین نحو السلام علیکم یا اولیاء الله السلام علیکم یا حجج الله السلام علیکم یا نور الله فی ظلمات الارض صلوات الله علیکم و علی آل بیتکم الطاهرین بابی انتم و امی لقد عبدتم الله مخلصین و جاهدتم فی الله حق جهاده حتی اتاکم الیقین فلعن الله اعدائکم من الجن و الانس اجمعین و انا ابرء الی الله و الیکم منهم یا مولای یا ابا ابراهیم موسی بن جعفر یا مولای یا ابا الحسن علی بن موسی یا مولای یا ابا جعفر محمد بن علی یا مولای یا ابا الحسن علی بن محمد انا مولی لکم مؤمن بسرکم و جهرکم متضیف بکم فی یومکم هذا ... و استشفع بکم الی الله تعالی فاشفعوا لی ... الطیبین الطاهرین

## نماز آن حضرت

در طلب فرزند و در کعت نماز گذارد بسجده رود و بصد بار بگوید استغفر الله و بعد از آن مقاربت نماید ... اللهم ... فانی لا استغنی ... اللهم ... انی وجهت وجهی للذی فطر السموات و الارض حنیفا و ما انا من المشرکین ان صلوتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین لا شریک له و بذلک امرت و انا اول المسلمین اللهم منک و الیک بسم الله و الله اکبر اللهم تقبل عن فلان بن فلان و نام مولود گوید

## فضایل آن حضرت

[illegible]

## علت وفات آن حضرت

در مدینه مسکنی داشت و خواص شیعه نزد آنحضرت تردد میکردند و عبد الله بن محمد از اطراف متوکل در مدینه حاکم بود و آزار او میرسید و نزد او بلی و فری خود را از اطراف آنحضرت سید انست و مکرر بخلیفه می نوشت و تهمتها باو نسبت میداد و خلیفه خوف از خروج کرده استمالت نامه بآنحضرت نوشته اظهار محبت نموده آنحضرت را نزد خود طلب کرد یا یحیی بن هرثمه در سر من رای برای آنحضرت خانه و اسباب ترتیب نموده در ظاهر محبت نموده ... آنحضرت کوشیده او را مسموم کرد و بقولی معتز بالله او را زهر جفا داد والسلام

## وفات آن حضرت

یوم الاثنین بیست و ششم شهر جمادی الآخر و بقولی دوم ماه رجب و بقولی سیم از ماه مذکور و بقولی پنجم از آن و بقولی سیزدهم از آن در سنه دویست و پنجاه و چهار و زمان خلافت معتز بالله در سر من رای وفات یافت و در حین فوت او قریب بدویست نفر از دوستان در تشییع جنازه او حاضر بوده‌اند والسلام

## عدد اولاد آن حضرت

[illegible]

## ازواج آن حضرت

آنحضرت را زمان نکاحی بسیر نبود زیرا که باعث آزار تعقیب او و محنت در یکجا نبود و اگر اوقات در سفر بود و مدتها در مدینه خلیفه او را احضار کرد و بسر من رای و بروایت کشف الغمه دو سال و چندماه در سر من رای بود و در سامان نداشت و در عرض ایام جو یکیز خاص تصرف کرد و بود که اولاد مذکوره را از و بهم رسانیده نام و نشان در جدول آتی ذکر شود

## مسکن آن حضرت

خانه مسکنی وی که در سر من رای متوکل خلیفه به آنحضرت ترتیب داده بود آنحضرت با فرزندان مدت ده سال و کسری در آنجا بسر برده مشغول عبادت و تلاوت قرآن بوده آن مکان شریف که زیارت و تلاوت در آن مکان ثواب عظیم دارد و در این باب گفته‌اند ... الشریف الاطهر سلام الله ... علی ذلک ... عصا علاه قد ... فار شا منیرا

## دعای آن حضرت

[illegible]

## خلافت آن حضرت

مشهور اینست که در سال ... دو ماه و هفت روز است و بقولی سی و سه سال و هفت ماه است که بعد ... کم و این قول مشهور است ... آنحضرت با پدر ... شش سال ... و مدت ... چهل سال گذرانیده و ... اقوال مختلف ... سی و دو سال ... بیست و شش روز ... بیست و هفت روز ... و بعد از آن ... بیست و سوم ... و بقولی ... تمام ... ایام امامت ... سال ... بعید است

## خلفای زمان آن حضرت

در اعلام الوری آورده‌اند که در اوائل ایام امامت آنحضرت بقیه ایام پادشاهی معتصم بود و بعد از فوت معتصم مملکت منتقل شد بالواثق بالله تا مدت پنج سال و هفت ماه و بعد از چهارده سال ایام پادشاهی متوکل بود که نام وی جعفر است و بعد از وی پسرش که ملقب بمنتصر بود شش ماه پادشاهی کرد و بعد از وی مستعین نواده معتصم که مسمی باحمد بن محمد بن معتصم بود دو سال و نه ماه حکومت کرد و بعد از وی زبیر بن متوکل بود که ملقب بمعتز بود با سه سال و شش ماه پادشاه ... در دوره سلطنت وی آن حضرت وفات یافت والسلام

# الجدول الثاني عشر في معرفة احوال الامام الحادي عشر وصنا حسن العسكري من الصلوات افضلها ومن التحيات اكملها

**اسم شریف**

دو امام اول ابو محمد الحسن عسکری ... علیه السلام ...
... قد عثرت في ارجح
الضمير عرج لسامرا ... الامام الحسن العسكري عرج على من
حل ... على المشتري على الامام الطاهر المجتبى على الكريم
النسب المعظم على امام عدل لاحكامه يبسط العرف على المنكر ... عن ...
الامة بحجة ازكى من العنبر سمى جده المجتبى ابن خيار الله في كل عصر

**القاب**

... القاب ... ازکی ... عسکری یعنی منسوب بلشکر و این مشهورترین القاب آن حضرت
است و سبب ملقب شدن آن حضرت بدین لقب ... خلیفه ... آن حضرت که مبادا خروج کند ...
لشکر خود را بآن حضرت نماید ... آن حضرت ... لشکر ... عظیم ...
... آن ... لشکر بود ... آن ...
پس آن حضرت از میان دو انگشت خود ... لشکری ... میان زمین و آسمان پر کرده والسلام

**حسب و نسب**

[illegible]

**کنیت**

ابو محمد و ابو القاسم ... لقب القائم ... فضیلت برای او
... در کشف الغمه ... کمال الدین محمد بن طلحه آورده که کفى لابي محمد الحسن ...
من ربه ان جعل محمد المهدي من كنيته واخرجه من صلبه وجعل معدودا
من حزبه وحسبه ذلك منقبة وكفاه ولم يطل في الدنيا ايام مقامه ...
ولا امتدت ها امد ... فيها ليظهر ماثره ومزاياه والله اعلم بالصواب

**نام مادر**

مادرش ... جاریه بود ... در نهایت آداب و غایت ...
وطاعت و بقولی مسماة بسمانه ... و بقولی ... 
... و بقولی ...
مسماة بحریب بوده است گویند در ولایت خود پادشاه زاده بوده است

**اولاد**

[illegible]

**مولد**

... روز ... ماه ربیع الثانی ... ماه رمضان ...
...
...

**وفات**

...
...

**سن**

[illegible]

**شمائل**

گندم گون و متوسط القامه ... جمیل الوجه ... اعضا باندازه
وابروهای سیاه ... و چشمهای فراخ و پیشانی گشاده ... و خال ها
در گونه است و دندان های درشت و سفید و لب در کمال نزاکت و شیرین و گردن بلند
و سینه پهن و ما بین منکبین گشاده و گوشت را بسیار و با هیبت و جلالت

**اخلاق**

در نهایت بخشش و حیا و تمکین و فضل و عفاف ...
... خلق نیکو ...
...
... الحال ... والسلام

**معجزات**

[illegible]

**توسل**

... آن حضرت ...
... بدین طریق اللهم اني اسئلك بحق وليك الحسن بن علي
الا اعنتني به على آخرتي بطاعتك ورضوانك وسترتني في منقلبي
برحمتك يا ارحم الراحمين وايضا برای دشمن و تفریق جماعت
ایشان توسل بآنحضرت باید جست تمت

**مدت عمر**

...
...

# بقیة الجدول الثامن عشر فی معرفة احوال الامام الحادی عشر علیه من الصلوات انماها ومن التحیات ازکیها

## نقش خاتم آنحضرت

سنبحان من له مقالید السموات والارض [illegible] الحسن بن علی [illegible] سعید بن [illegible] نقش [illegible] [illegible] ماهوت [illegible] باقوت [illegible] دنیا و دوستی باقوت [illegible] گردد والسلام

## دعای آنحضرت

یا عزیز العز فی عزه یا اعز عزیز بالعز فی عزه [illegible] بعزتک وایدنی [illegible] واطرد عنی همزات الشیاطین وادفع عنی بدفعک وامنع عنی بمنعک واجعلنی من خیار خلقک یا واحد یا احد یا فرد یا صمد [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible] [illegible] کتاب [illegible]

## اصحاب آنحضرت

[illegible]

## ازواج آنحضرت

آنحضرت را زنی نکاحی [illegible] نبود [illegible] ام ولد [illegible] نرجس خاتون [illegible] والده حضرت [illegible] علیه السلام [illegible] والسلام

## اولاد آنحضرت

[illegible] آنحضرت بقول [illegible] حضرت صاحب الامر علیه السلام [illegible] خاتم النبیین [illegible]

## صلوات آنحضرت

[illegible]

## علت وفات آنحضرت

[illegible] بقول [illegible] والسلام

## وقت وفات آنحضرت

یوم الجمعة بقولی یوم الاحد وبقولی یوم الاربعاء [illegible] ربیع الاول [illegible] هشتم ماه مذکور در سنه [illegible] و ستین و مائتین [illegible] در زمان خلافت المعتمد علی الله عباسی [illegible] چهار سال [illegible] والسلام

## حکام زمان آنحضرت

[illegible]

## محل وفات آنحضرت

در کتاب اعلام الوری آورده اند [illegible] بقول صادق علیه السلام که ما منا الا مقتول او شهید

[illegible] آنحضرت [illegible] دفن کردند

## احوال زیارت آنحضرت

[illegible]

## روز زیارت آنحضرت

روز پنجشنبه مختص بآنحضرت [illegible] زیارت [illegible] السلام علیک یا ولی الله السلام علیک یا حجة الله وخالصته السلام علیک یا امام المؤمنین [illegible] السلام علیک یا وارث المرسلین وحجة رب العالمین صلی الله علیک وعلی آل بیتک الطیبین الطاهرین یا مولای یا ابا محمد الحسن بن علی انا مولی لک ولآل بیتک وهذا یومک وهو یوم الخمیس [illegible] ضیفک [illegible] بحق آل بیتک الطیبین الطاهرین

## عمر آنحضرت

[illegible] سال [illegible] والسلام

# الجدول التاسع عشر فی معرفة احوال الامام الثانی عشر والحجة المنتظر علیه صلوات الله الملک الاکبر

| | | | |
|---|---|---|---|
| اسم مبارک آنحضرت | مولد آنحضرت بسر من رای ... [illegible] | القائم ... [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | | |
| کنیت آنحضرت | ابو عبدالله و ابو القاسم علی ما گفت حضرت رسول که خود با آنحضرت داده است جمع کرده اند میان اسم شریف حضرت محمدی و این کنیت مختص است ... خاتم انبیا بود و مهدی نیز خاتم اوصیا است لهذا نام و کنیت آنحضرت را در مجالس گفتن حرام است ... عوام الناس شنیدن آن ... تا آنکه میگویند ... آخر الزمان غایب ... خواهد شد و کنیت او از خصائص آنحضرت است و غیر را نشاید والسلام | نسب آنحضرت | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | | |
| روز ولادت آنحضرت | روز جمعه و بقول اصح شب جمعه بود ... امام علی نقی ... با فطار گرفت ... امام حسن ... صبح ... مشغول نماز تهجد بود ... سوره توحید و انا انزلناه و آیة الکرسی ... آنحضرت بوجود آمد ... امام حسن عسکری ... والسلام | سنه ولادت آنحضرت | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | | |
| عام ولادت آنحضرت | سنه دویست و پنجاه و پنج ... و بقول اصح ... المهتدی بالله ... امام خلافت ... سال ... آنحضرت ... امام حسن عسکری ... و السلام | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | | |
| [illegible] | فیروزی یافتن و ظفر بر اعدا در روز جنگ ... فتوحات ... توسل جستن بآنحضرت بدین اسلوب اللهم انی اسئلک بحق ولیک و حجتک صاحب الزمان الا اعنتنی به علی جمیع اموری و کفیتنی به مؤنة کل موذ و طاغ و باغ و اعنتنی به فقد بلغ مجهودی و کفیتنی کل عدو و هم و غم و دین و ولدی و جمیع اهلی و مالی و اخوانی و من یعنینی امره و خاصتی آمین یا رب العالمین | [illegible] | [illegible] |

[illegible]

# بقیة الجدول التاسع عشر فی معرفة احوال الامام الثانی عشر صلوات الله وسلامه علیه

| | | | |
|---|---|---|---|
| نقش خاتم آن حضرت | انا حجة الله وخاصته ... روی زمین ... در رضوانه علی الامام الحجة القائم علی امام حکمه ... الامام خلیفة الله علی خلقه ... الارض ... یحیی الوری ... من القائم ... | دعوات | ... وسلام علی ... الصلوات الله علی محمد واله الطاهرین ... [illegible] |
| توقیع شریف آن حضرت | [illegible] | | |
| یاران آن حضرت | سیصد و سیزده نفر بودند که در حین خروج ... روی زمین ... قوم موسی الذین یهدون بالحق و به یعدلون ... اصحاب کهف ... یوشع ... سلیمان ... | علامات | شب ... نزد ... خواب ... رکعت ... [illegible] |
| اثبات ظهور آن حضرت | [illegible] | | |
| وکلاء آن حضرت | در ایام غیبت او جمعی از شیعیان ... ایشان با آن حضرت رسانیده جواب می آوردند از آن جمله حسین بن روح ... بغداد محمد بن عثمان ... ابی عمرو العمری ... محمد بن ابراهیم بن مهزیار الاهوازی ... محمد بن عبدالله ... قاسم بن علا ... | سفراء | جمعی که در غیبت آن حضرت را دیده ... یعقوب ... ابوالقاسم ... [illegible] |
| حجاب آن حضرت | [illegible] | | |
| شمائل آن حضرت | ... رنگ ... در وصف ... المهدی طاوس اهل الجنة ... کانه الکوکب الدری ... المهدی ... [illegible] ... والله اعلم بالصواب | ازواج و اولاد | ... فرزند ... [illegible] |
| بعض ارشادات آن حضرت | [illegible] | | |
| سلطنت آن حضرت | وقت خروج در مسجد الحرام ... سیصد و سیزده ... کوفه ... مساجد ... قرآن ... [illegible] | خصائص | ... آل محمد ... [illegible] |

جدول بیستم در شناختن اخلاق پیغمبر صلی الله علیه و آله و منتهای آنحضرت که مشترکست در میانهٔ آنحضرت و سایر ائمه

# الجدول العشرون فی معرفة اخلاق النبی صلی الله علیه و آله و السیر المشترکة بینه و بین الائمة علیهم السلام

سخن میگفت کم و در جائی که بکار آید و الفت میان مردم میداد و تفرقه نمیداد و بزرگ قوم را اکرام میداشت و سرکردگی قوم حاکم میگردانید و از مردم حذر مینمود و بدی از وی کسی نمی‌دید و تفقد حال اصحاب مینمود و نیکی را نیک میشمرد و قوت میداد و قبیح را قبیح میشمرد و ضعیف میکرد و کارها و میانه‌روی بود و در هر چیزی اختلاف نمی‌فرمود و کوتاهی از کار حق نمیکرد و بیلاعت [illegible]

[illegible]

# بقیة الجدول العشرون فی معرفة اخلاق النبی صلی الله علیه و آله و سننه المشترکة بین الائمة علیهم السلام

دهن و طیب آن حضرت

استعمال روغن خوشبو را دوست میداشت و استعمال میکرد خصوصا روغن بنفشه و اول سر را میمالید بعد از آن ابرو و شارب را پس از آن ریش و گاهی ریش خود را بروغن بید میکرد و شارب خود را از روغن دیگر و گاهی مشک و عنبر و غالیه بکار میبرد و بوی خوش خوش خوش بود از هر عطر و بوی خوش که از هر راهی میگذشت یا صبر میکرد تا دو روز بقول آنکه از آن جا میگذشت میدانست که حضرت در این جا نماز کرده گذشته و آنحضرت الله اعلم

شانه آن حضرت

سر خود را گاهی خود شانه میکرد و گاهی ریش را نیز و روزی بار هم خود شانه میکرد و گاهی بود که در یک روز شانه میکرد و شانه را در زیر بالین خود میگذاشت و سر مبارک از و ساقط میشد و موی را نیز میبرد و روایت که موی سر او را در بیخ و بیخ جبرئیل با آسمان می برد و می گفت که شانه کردن رفع وبا میکند و گاهی در دست گرفته میکرد و هفت بار از زیر بالا و هفت بار از بالا بزیر و گاهی اجمع هفتاد بار و روایت که خالد بن ولید تار موی آن حضرت را بر اوه و داشت در جنگ که میرفت فتح میکرد

اکتحال آن حضرت

[illegible]

سفر آن حضرت

در وقت سفر داروی کشیدن خاری را فرمود که عزیز تر بین را میمالید و اسباب دارو و قیفه روغن خوشبو و سرمه‌دان و مقراض و آئینه و مسواک و شانه همیشه همراه داشت و در حمام خواه بعد از دارو و خواه بدون دارو و خود از آب سرد نمی‌شست و شلوار بجای لنگی لنگی می‌بست و جامه دیگر بود که بر نمی‌گفتند سیاه و رنگ او را بجای لنگ بشتری می‌بست و ساق و پایش را بی پوشاند و بعد از حنا میمالید

قلانس آن حضرت

در کلاه حضرت سیاه است یکی بسته و دیگری سفید و کلاه سفری برای جنگ که در جنگ داشت و جبه بدستی داشت بنام ... و دیگری ... ذو الفقار و عون و مجد و سیوم و زبیری سمی بذات الفضول علی سمی نقاب و غمار سمی سحاب و لوا ... سمی بمعلوم ... و اسبی یکی مرتجز ... و ... کی سکب ... و دلدل ... یعفور ... [illegible]

لباس آن حضرت

[illegible]

نگاه در آئینه آن حضرت

اکثر اوقات شانه میکرد و در لباس پوشیدن نگاه بآئینه مینمود و از برای اصحاب زیاده از برای زوجات زینت میکرد و خود را آراسته مینمود روزی در خانه عائشه آئینه حاضر نبود حضرت نگاه بآب میکرد و عکس خود را در آب میدید و جامه ها و ریش خود را درست میکرد پس عائشه گفت یا رسول الله ترا اگر پیغمبر خدائی چه احتیاج بخودنمائی آرایش کردن است آنحضرت فرمود که حق تعالی دوست میدارد که بنده ترد برادر مومن خود رود با تجمل و آرایش که ان الله جمیل یحب الجمال

خاتم آن حضرت

انگشتری حضرت ... در دست ... و انگشتری ... جبرئیل و بعد از آن در ... و بقولی انگشتری دیگر داشت بدست چپ ... انگشتری با نگشت میان میکرد و ... و گاهی بانگشت ابهام ... بر انگشتر خود ... نقش ... [illegible]

لباس آن حضرت

[illegible]

نعلین آن حضرت

در پوشیدن نعلین ابتدا بپای راست مینمود و در بیرون کردن اول از پای چپ بیرون میکرد و نشسته میپوشید و گاهی هردو را ایستاده میپوشید و گاهی نعلین ... میکرد از راه کراهت اگر تنها با نعلین بود دیگری بی نعلین باشد و موسث ... از یک نوع نعلی میپوشید و دو نعل ... پوشیدن کفش هموار مکروه است و سنت است که ...

فرش آن حضرت

فرشی که آنحضرت ... از پوست و ... بقولی طول آن نزدیک ... بود و فرشش ... از پوست ... کرد و ... گاهی ... امیرالمومنین علیه السلام ... و ... تکیه بران مینمود و بالشی داشت از مو که بران می نشست و گاهی نماز میکرد

نوم آن حضرت

[illegible]

سواک آن حضرت

شبی سه مرتبه مسواک میکرد یکی قبل از خواب یکی بعد از بیدار شدن و متوجه شدن بورد خود و یکی پیش از آنکه بنماز صبح بیرون رود جبرئیل او را امر کرده بود که چوب اراک مسواک کند و حضرت امیرالمومنین علیه السلام او را امر کرده بود که در حین ... مسواک کند و دیگر فرمود تخللوا ... [illegible]

ختم مجلس آن حضرت

چون از مجلس بر میخاست ... سبحان ربک رب العزة ... و ... الحمد لله رب العالمین ... اللهم صل علی محمد و آل محمد ... اللهم ... و السلامة فی دینی و السعة فی رزقی ... [illegible]

جدول بیست و یکم در شناختن ماههای سال و ایام متبرکه و عیدها معروف است

# الجدول الحادی و العشرون فی معرفة الشهور و السنة و الایام المتبرکة و الاعیاد المختلفة

| | |
|---|---|
| المحرم الحرام | از ماه محرم روز اول آن دعای زکریا مستجاب شد ... امام حسین ع شهید گردید ... [illegible] |
| الصفر المظفر | [illegible] |
| ربیع الاول | [illegible] |
| الجمادیات | [illegible] |
| رجب المرجب | [illegible] |
| شعبان | [illegible] |
| رمضان المبارک | [illegible] |
| الشوال | [illegible] |
| ذیقعده و ذیحجه | [illegible] |

# بقیة الجدول الحادی والعشرون فی معرفة تقییر الشهور والایام والاسبوع والنیروز الفرس

| | |
|---|---|
| ذی الحجه | ایام معلومات عشر اول این ماه ... [illegible] |
| یوم الجمعه | [illegible] |
| یوم الخمیس | [illegible] |
| یوم الثلثاء | [illegible] |
| یوم الاربعاء | [illegible] |
| یوم الجمعه | [illegible] |
| یوم الخمیس | [illegible] |
| یوم السبت | [illegible] |
| یوم [illegible] | [illegible] |

جدول بیست و دویم در شناختن ایام ماههای فارسی و احکام خوابها ارقوع و ایام نحوسه و احکام کر بلوز

# الجدول الثانی والعشرون فی معرفة ایام الشهور الفارسیة واحکام الرؤیا والارقوع والمنحوسات

**الیوم الاول** — روز اورمزد

[illegible]

**الیوم الثانی** — روز بهمن

مبارک و بسیار نیکست خلق شده است درآن حوا و تزویج او با آدم درین روز شده نیکوست درآن تزویج و بنا بر منازل و نوشتن عهدنامه و ابتدای سفر و طلب حوایج و هر که درآن روز بیمار شود از آن رنج سبک باشد نگاه داشتن از خطر که قتل آورد و طفلی که درین روز متولد گردد در تربیت پذیر باشد و عمارت کردن و بنا نهادن درین روز بسیار مبارک و نیکو باشد

**الیوم الثالث** — روز اردیبهشت

[illegible]

**رویة الهلال** — دیدن ماه نو

ماه نو را در شب اول ببیند و از شب چهارم تا اواسط ماه قمر را و اسط بر ما بعد آن اثر درس سوزانجی است و طلعت و دیدن هلال خصوصا ماه رمضان و شوال ... سنت و گاهی سببی از اسباب وجب گردد و علمای دین اختیار کرده اند بحسب برج و مطالع آن که هر ماه دیدن ... نوشتن که در کلام ... باشد ...

[illegible]

**الیوم الرابع** — روز شهریور

[illegible]

**الیوم الخامس** — روز اسفندارمذ

نیکوست از برای گونه حاجتی چون بیع و شرا و عرض بنا و نزدیک کسی رفتن نزد سلطان و طلب هر چیز که آید و در دست ... خوب سفر و جنگ رفتن و دیدن زمین و نوشتن عهدنامه و هر کس درین روز متولد شود با تربیت ... و گریخته درین روز نیابد و هر که درین روز بیمار گردد و در فرض ... گردد

**الیوم السادس** — روز خرداد

[illegible]

**الفصد والحجامة**

ماه در اول حال ظاهر و مطیع انسان ... این معنی معلوم گردد و نظر حیوانات که در ایام ... است و در اول آخر ماه خالیست پس از اول ماه تا نصف ... قوت ... بیرون رفتن خون ... خواه فصد خواه حجامت و همچنین ... نباید کشید و از نصف تا آخر ماه نافع است والسلام

[illegible]

**الیوم السابع** — روز امرداد

[illegible]

**الیوم الثامن** — روز دی باذر

نیکوست از برای هر چیزی هر که درین روز متولد گردد و مال وی بسیار شود ولیکن ظالم باشد و طلب علم و شری و فروش و استقراض ... بجز درین روز نیکوست اگر گریخته درین روز ... شود و مریض شود و بیمار گردد و ... طویل العمر و شغول ... باشد ...

**الیوم التاسع** — روز آذر

[illegible]

**خطوط الراس**

هر روز از ایام ماه موی را بجهت تراشیدن ... خاصیتی است ... از جمله سلطان ... امیرالمومنین علیه السلام ... آن خواص منظور است و تجربه معلوم علمای این ... اند بطریق حدیث نقل کرده اند ...

[illegible]

**الیوم العاشر** — روز آبان

[illegible]

**الیوم الحادی عشر** — روز خور

[illegible]

**الیوم الثانی عشر** — روز ماه

مسعود است مصلحت از برای سفر و قضای حوایج و بنا نهادن اساس حصار و زرع و غرس اشجار و کرد و امر ... سلطان و اتحاد و ماشیه و هر که گریزد دیر به دست آید و هر که درین روز ... شود دیر خیزد ... هر که درین روز بیمار گردد مرضش صعب شود و هر که متولد شود زندگی ... باشد

**الیوم الثالث عشر** — روز تیر

[illegible]

**رجال الغیب**

همی از بندگان خواص خدا که از ... اند ... و ایشان را ابدال و اوتاد و قطب الاقطاب گویند ... برجال الغیب اند و بعضی ایشان از اصحاب ... عدد ایشان اختلاف ... در حدیث ... از ماه ... بسیر ... کنند ...

[illegible]

**الیوم الرابع عشر** — روز گوش

[illegible]

**الیوم الخامس عشر** — روز دی بمهر

روز نیکست که موسی علیه السلام عصای خود را بر حجر زد و دوازده چشمه آب بجوشید هم درین روز دریا شکافت نیکوست ... و سفر ... اراده کنی سوای تزویج و هر کس درین روز تزویج کند تفرقه واقع شود میان او و زوجه ... و اگر درین روز از سفر آمده باشی ... و هر که درین روز بیمار شود ... و هر که درین روز متولد شود طویل العمر باشد

**الیوم السادس عشر** — روز مهر

[illegible]

## بقية الجدول الثاني والعشرين في معرفة ايام الشهور الفارسية واحكام المنحوسات والارتفوع

شمس سعید است قابیل پسر آدم علیه السلام در این روز تولد یافته و در همین روز برادرش را کشت نیک نیست در آن روز اجمکند کلاغی پیدا شده با کلاغ دیگر جنگ کرده و او را بکشت متقار زمین را کنده او را در خاک کرده پنهان کرد و هابیل از برای خود خواست ملی کسبت کم خون ناحق کرده و در تمام دنیا از منزل بیرون نیاید فرزندی که در آن روز متولد شود [illegible]

[illegible]

تاثیر خوابهای شبهای ماه و درین جدول قرار گرفته و چون خواب شب [illegible] خوابها معتبر است و نیکی ها بسر النبی [illegible] محمد المصطفی [illegible] و آن شب [illegible] بیند خواب [illegible] که بیند [illegible] و بلطف [illegible] آب [illegible] چند انداز و [illegible] والله اعلم

[illegible]

روز تولد شیث است نیکوست از برای کار شرعی و هر عملی و از برای بیع و شری نیک است لیکن مسافرت از برای غسل شدن بر سلاطین و بهر دیدن وزیر [illegible] و غسل [illegible] و هر که بیمار شود زود صحت یابد و هر که از راه [illegible] سالم ماند و هر که درین روز متولد شود [illegible] نیکو گردد [illegible] و از سلطان [illegible] والله اعلم

[illegible]

از تقدیم [illegible] امور [illegible] در این روز [illegible] ماه [illegible] شده [illegible] گرده [illegible] نشانات [illegible] والله اعلم

[illegible]

روز متوسط است [illegible] و برادر اکبر [illegible] چیزی [illegible] دیگر آن چیز [illegible] مولود درین [illegible] و بر [illegible] نیک است [illegible] و روز [illegible] مع دشری [illegible] سلاطین [illegible] نیک است [illegible]

[illegible]

از امیر المومنین منقول است که در سال [illegible] روز [illegible] شد که در آن روز [illegible] شود [illegible] مولود زنده [illegible] که درین ایام سفر رود [illegible] و درین [illegible] و از [illegible] ماههای عربیه روز نحس است و [illegible] جعفر صادق [illegible] روز [illegible] است در ماهی یک روز است

[illegible]

خفیف و نیکوست از برای [illegible] بیع و تجارت و تزویج و دخول بر سلاطین و حضرت یوسف در این روز تولد یافته پس هر که درین روز متولد شود [illegible] نیکو باشد و هر که درین روز بسفر رود خیر بسیار بیند و سالم [illegible] بالمش برگردد و از آن [illegible] و محفوظ باشد

[illegible]

سست [illegible] است [illegible] روز [illegible] است [illegible] و [illegible] عمارت نشاید [illegible] آسمان است [illegible]

[illegible]

روز سبک و نیکوست هر امری [illegible] حاجتی که [illegible] هر کس [illegible] تولد یابد حلیم و مال بسیار [illegible] و هر که درین روز بیمار شود [illegible] یابد و هر کس [illegible] لیکن [illegible] این روز [illegible] روز مبارک [illegible] السلطان [illegible]

[illegible]

جدول بیست و سیم در ذکر اشیاء متفرقه که محتاج میشوند بآن بسیاری از اوقات و زمانها

# الجدول الثالث والعشرون في ذكر اشياء متفرقة تحتاج اليها في كثير من الاوقات

## [illegible]

[illegible]

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| 1 | 4 | [illegible] | 2 | 5 | [illegible] | 3 | 6 |
| 7 | 10 | | 8 | 11 | | 9 | 12 |
| 13 | 16 | | 14 | 17 | | 15 | 18 |
| 19 | 22 | | 20 | 23 | | 21 | 24 |
| 25 | 28 | | 26 | 29 | | 27 | 30 |
| 31 | 34 | | 32 | 35 | | 33 | 36 |

[illegible]

## [illegible]

[illegible]

## السنة — معرفت سال

[illegible] ... و ماه ... سیصد و پنجاه و چهار روز ... سیصد و شصت روز ... [illegible]

[illegible]

... و فارسیان مبدء سال را اول فروردین قدیم دانسته اند که اوایل نزول شمس بعقرب باشد و بعضی آن را سی روز فرض داشتند

## [illegible]

[illegible]

## [illegible]

[illegible]

## [illegible]

[illegible]

## الکسوفات — احکام خسوف

[illegible]

## [illegible]

[illegible]

## مبداء السنة — ابتداء سال [illegible]

... اول محرم شنبه باشد باران ... [illegible]

[illegible]

... در مغرب ... در رم و فارس ... [illegible]

[illegible]

# بقیة الجدول الثالث والعشرون فی ذکر اشیاء متفرقة یحتاج الیها فی کثیر من الاوقات

| | |
|---|---|
| التاریخ | ماخوذ از توریخ و مصدر باب تفعیل ... و بعض تواریخ یعنی یاد آوردن و آگاه ساختن در خواطر داشتن چه در هر امر عظیم که روی نمودی از غایت عظمت بر عالمیان اشتباه نشود از برای ضبط معاملات ... و اول تاریخی که در روی زمین ... هبوط آدم علیه السلام بود ... و بعد از آن طوفان نوح ... تاریخ اسکندری جلوس اسکندر ... و بعد از آن غرق فرعون و نجات بنی اسرائیل ... تاریخ هجرت رسول خدا ... و اول آن در ماه ربیع الاول بود ... از ماه رمضان ... و حسابهای این کتاب ... است و الله اعلم بالصواب |
| الشهور | [illegible] |
| الساعة | هر روزی از حرکت فلک الافلاک ... بیست و چهار ساعت ... و ساعات معوجه ... [illegible] |
| [illegible] | [illegible] |
| ذوات الذوائب | ستاره دنباله دار ... [illegible] |
| [illegible] | [illegible] |
| الکسوف | ... در ماه محرم ... جنگ و خونریزی ... بادشاه ... قحط و گرانی ... در بلاد مغرب ... [illegible] |
| [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | ... ماه ... اللهم ... سوره ... تصدق ... حضرت صادق علیه السلام ... والله اعلم بالصواب |

Small table in the ذوات الذوائب row:

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| ۱ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | [illegible] | ۱ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ |

جدول بیست و چهارم در شناختن خط قبله از طول بلاد و عرض بلاد و طوالع بلاد و انحراف قبله بلاد و طول وزهای

## الجدول الرابع والعشرون فی معرفة خط القبلة من طول البلاد وعرضها وطوالعها وانحراف قبلتها وطول نهارها

**فی معرفة الخط**

[illegible]

**الطول الاول**

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| سوس قصبی | ساری | طوس | غزنین | الطالقه | کابل | حلوان | سبزوار | ری | هرات | همدان | بغداد | مدینه | جیلان | دیلم | وقزوین | سلطانیه | قم | اصعر | امل |
| رل | قح ا | صبل | فدک | عاکو | قدم | وبه | امال | مرک | صدک | مح ها | ف ها | عدک | ری | ینبا | رها | ف به | بم | سا به | مح ک |
| خوارزم | مرد | نشابور | خوی | مراغه | شوستر | مداین | نصیبین | مشهد رضا | قابوس | شیراز | یزد | کاشان | دمشق | کوفه | فلسطین | سیرجان | موصل | نرجس | زنج |
| سدل | مربه | صبل | عطام | صب ما | قدل | صب ها | ق بال | سح ب ۸ | قعاله | سج مه | موزح | ع مه | عطل | سول | صدک | صدمه | صدل | صدلی | ما ۹ |
| کرمان | شماخی | بادکوبه | ابرقوه | خار | سمرقند | بخارا | جرجان | حانه | مکه | طالقان | عمان | نهاوند | تبریز | علانا | حلب | راس العین | رقه | دمغان | بسطام |
| صبها | قدل | سح ل | بوی | طلو | صوب | صدمه | عولب | عب | قهه | عدک | ع ه | ف مه | نب مه | سول | عب | عدمه | سح به | سح نه | قطل |

**العرض الثانی**

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| سوس | امل | ساری | طوس | غزنین | الطالقه | کابل | حلوان | سبزوار | ری | هرات | سعدان | همدان | بغداد | مدینه | جیلان | دیلم | قزوین | سلطانیه | قم |
| ل مر | لربه | لرمد | سح له | لدل | لرمد | لرمد | لرمدار | لولا | لرمد | لدل | لری | کح که | کهمد | لزمد | لوله | لزنه | لزبه | لدم | لرمد |
| حمص | مرو | نیشاپور | خوی | مراغه | شوستر | مداین | نصیبین | دکده | مشهد رضا | قابوس | شیراز | یزد | کاشان | دمشق | کوفه | فلسطین | سیرجان | موصل | نرجس |
| لدمد | لزم | لوکا | لزم | لزک | ۷ الر | سح ۷ | ۵ ل | لطے | لزه | کون | کطکو | لبمد | لح | لح ر | ۷ ل | ۷ هم | کطح | لدا | لومر |
| بلخ | کرمان | شماخی | بادکوبه | ابرقوه | خار | سمرقند | بخارا | جرجان | حانه | مکه | طالقان | عمان | نهاوند | تبریز | علانا | حلب | راس العین | رقه | دمغان |
| لوما | لوه | م ه | لطل | ۷ قد | لزم | لطو | لطو | لون | لدمد | کام | لرے | لدے | لدک | کح مر | لبنه | لزه | لون | لومر | لوک |

**الطالع**

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| سوس | حلوان | جیلان | شهر القبیل | خوی | مشهد رضا | بلخ | عمان | دینور | اهواز | ساوه | قسطنطنیه | امل | سبزوار | دیلم | مرو | مراغه | کابوس | کرمان | نهاوند |
| حمل | ثور | جوزا | سرطان | اسد | سنبله | میزان | عقرب | قوس | جدی | دلو | حوت | حمل | ثور | جوزا | سرطان | اسد | سنبله | میزان | عقرب |
| تربت | خارستان | بروع | کیمکران | ساری | ری | قزوین | نیشاپور | شوستر | شیراز | شماخی | سعدالعلی | جرجان | حبشه | بحرین | طوس | هرات | سلطانیه | مرغانه | قبل طوس |
| قوس | جدی | دلو | حوت | حمل | ثور | جوزا | سرطان | اسد | سنبله | میزان | عقرب | قوس | جدی | دلو | حوت | حمل | ثور | جوزا | اسد |
| یمن | کاشان | حجاز | یا پارس | بصره | واسط | قزوین | سعدانه | قم | بیت المقدس | دجله | بادکوبه | ابرقوه | تبریز | راس العین | قبل امل | طبرستان | بابل | جلان | چوسم |
| سنبله | میزان | عقرب | قوس | جدی | حوت | حمل | ثور | جوزا | سرطان | اسد | سنبله | میزان | عقرب | قوس | جدی | حوت | حمل | ثور | جوزا |

**و انحراف القبلة**

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| یمن | اردستان | حلب | رحبه | الطالقه | ملطیه | مدینه | دمشق | طرابلس | یمن | مدارس هند | اگره | دسکه | دبیل | منصوره | لهاور | تهامه | هرمز | مولتان | خان بالغ |
| طرف | ح | یو | بز | بط | ک | کح | کم | کط | عرق | قد | قفز | مح | سح | فا | هو | مح | عب | عب | حما |
| الجنوب | حمص | قبرس | رومیه | طرطوس | قسطنطنیه | توشر | قریه | عسقلان | الجنوب | کشمیر | قطیف | احسا | قندهار | بست | تبت | سیستان | ترکستان | بیش بالغ | قراقروه |
| الی | عط | ل | لا | لد | سو | لز | کح | مد | لسی | سط | سط | سح | سح | سه | سه | سب | سب | سا | سا |
| جانب | بیت المقدس | اسکندریه | مصر | لوموم | مغرب الاقصی | قرطاجنس | قیروان | تاهرت | ینبع | بحرین | بلخ | ختن | آماد | فاریاب | کاشغر | مرو | هرات | شیراز | کش |
| المشرق | مز | سح | نط | ح | مو | فر | فا | فز | المغرب | س | قط | سح | سح | نو | ند | نب | نا | نا | ن |

**الطول الرابع**

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| سوس | امل | ساری | طوس | غزنین | بابل | کابل | سبزوار | هرات | همدان | بغداد | جیلان | دیلم | قزوین | سلطانیه | قم | حمص | خوارزم | رومیه | شهر القبیل |
| عطارد | مشتری | مشتری | مشتری | عطارد | مشتری | مشتری | مشتری | مشتری | مشتری | عطارد | مشتری | مشتری | مشتری | مشتری | زحل | مشتری | زهره | زهره | عطارد |
| مرو | نیشاپور | فرغانه | بیت المقدس | قزوین | خوی | مراغه | شوستر | قبل طوس | دجله | مداین | نصیبین | دکده | مشهد رضا | قابوس | شیراز | یزد | کاشان | قراشام | دمشق |
| مشتری | مشتری | زهره | عطارد | مشتری | مشتری | مشتری | عطارد | مشتری | عطارد | عطارد | زحل | زحل | مشتری | مشتری | عطارد | عطارد | مشتری | مشتری | عطارد |
| مدینه ها | کوفه | فلسطین | ایورت | جیلان | موصل | نرجس | بلخ | کرمان | شماخی | بادکوبه | ابرقوه | ابهر | خوار | سمرقند | بخارا | جرجان | عرنیه | طرطوس | السعید |
| عطارد | عطارد | عطارد | عطارد | عطارد | مشتری | مشتری | مشتری | عطارد | زهره | زهره | عطارد | مشتری | مشتری | زهره | زهره | مشتری | مشتری | مشتری | مشتری |

**الطول الثالث**

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| آذربایجان | سوس | امل | ساری | طوس | غزنین | الطالقه | کابل | حلوان | سبزوار | ری | هرات | همدان | بغداد | مدینه | جیلان | دیلم | قزوین | سلطانیه | قم |
| مدلز | مدو | مدح | مح ح | مدمد | مدکه | مدکا | مدلو | مدو | مدکا | سرکد | مرکد | مح ۱ | لح لح | مح لح | مح لح | مح لح | مدو | مح لح | مدک |
| هوسم | حمص | خوارزم | رومیه | شهر القبیل | مرگو | نیشاپور | فرغانه | بیت المقدس | فرابین | خوی | مراغه | شوستر | مداین | نصیبین | مشهد رضا | شیراز | یزد | کاشان | دمشق |
| مح ح | مدلو | مده | مدو | لح لح | مدلر | مدلط | مدز | مح ح | مح ل | مدلز | مدله | مح ل | مدان | م ر | مح لر | لح مر | مرو | تب | ب |
| کوفه | فلسطین | جیلان | موصل | نرجس | بلخ | کرمان | شماخی | بادکوبه | ابرقوه | ابهر | خوار | سمرقند | بخارا | جرجان | طرطوس | قابوس | کریت | دکده | المعید |
| مح ل | مدری | سح تا | مط ل | مط ل | مدلاو | لح لو | مدلو | مح ح | میم | ملالب | مدک | مح مر | مدن | مدلب | مدلب | مدلب | مح ل | تباب ل | مدلال |

**الاقالیم**

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| حبشه | مکه | بغداد | طبنجه | خوخو | قومس سربرم | ارض صغالبه | عمان | مدینه | قیروان | طرطوس | بست | اندلس | یاجوج ماجوج | زنجبار | معرحمیده | طرابلس | حمص | سوکیو | اما مبه |
| خط استوا ۲ | ۲ | ۲ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | اول ۲ | ۳ | ۳ | ۴ | ۵ | ۲ | ۷ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ |
| سدالسکندر | قوبه | جمع | الخضریه | حلب | خوارزم | فاریاب | توفرقند | حضرموت | طائف | قدس خلیل | موصل | بلخ | طراز | کفه | عدن | خامه | دمشق | موسے | بخارا |
| ۷ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۱ | ۲ | قبل ۲ | ۴ | قبل ۳ | ۲ | ۷ | ۱ | ۲ | ۳ | ۳ | ۵ |
| کاشغر | قزلقان | نصیبین | هرموز | بعلبک | تبریز | سمرقند | قراقوم | بلغار | سرانب | بحرین | بصره | کنبه | ماوراءالنهر | مانع | سیلان مع | کیمیات | قرن عز | سیل | شروانات |
| قبل ۵ | ۷ | خط استوا | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۱ | ۲ | ۳ | ۳ | ۵ | ۱۲ | ۱ | ۲ | ۳ | ۲ | ۵ |

**مستخرج البلاد**

[illegible]

# بقیه جدول الرابع و العشرون فی معرفة سمت القبلة بقایا اطوال البلاد فی عروضها و طوالعها و آخر افقهما و طول نهارها و تعادلها فی الاقالیم

**حل القبله**

[illegible]

**بقیه الطول**

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| فرنیان | اصفهان | بابارس | اهواز | حبشه | بصره | قومز | سوادکوفه | ساوه | بروع | قسطنطنیه | بحرین | واسط | طبرستان | طبریه | جرجیر | طبس | [illegible] | [illegible] |
| نهال | منم | ننک | نذ | سا | قد | مطال | نذا | بح فد | بطه | یح مه | نال | یح ک | فطار | صب | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| خجند | کاشغر | ختن | هرموز | اردبیل | جنیس | سیستان | میسند | بحرکابل | مکران | التمران | منصوره | مولتان | قندهار | لاهور | کشمیر | بیت المقدس | [illegible] | [illegible] |
| نب له | مول | فرقر | صب بر | صمح | سح تا | صدما | قانه | قدم | صح مه | صطه بر | نرمر | فرم | فرم | تب | لج تا | سول | [illegible] | [illegible] |
| اصطخر | کرمانشاه | طلقان | استراباد | الموت | سمنان | دلیجان | ارض الغور | سهراب | شهرالجبل | فرغانه | فرناس | رویسه | اکمده | وجله | کجربه | ابهر | [illegible] | [illegible] |
| نج ل | نح مر | مح ل | فطال | فرکر | نح مه | ذون | برمه | نرک | نح ک | فاک | لح نه | [illegible] | غل مه | قب نه | نح ک | قدل | [illegible] | [illegible] |

**بقیه العرض**

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| بسطام | فرنیان | اصفهان | بابارس | اهواز | حبشه | بصره | قومز | سوادکوفه | ساوه | بروع | قسطنطنیه | بحرین | [illegible] | طبرستان | طبریه | جرجیر | طبس | [illegible] |
| لوے | لوے | لب که | کرنر | بمه | حول | لج | لب | ل | ل له | م ل | مه | کرنر | لب ک | لره | لوے | لوے | [illegible] | [illegible] |
| خجستان | خجند | کاشغر | ختن | هرموز | اردبیل | جنیس | سیستان | میسند | بحرکابل | مکران | التمران | منصوره | مولتان | قندهار | لاهور | کشمیر | بیت المقدس | [illegible] |
| لرے | ماه | مدمه | صب ما | که | لح ل | نح | لرل | لح ک | لرنا | کوه | یح | کلام | بم | لح ما | نه | لر | [illegible] | [illegible] |
| سن سرابے | اصطخر | کرمانشاه | طلقان | استراباد | الموت | سمنان | دلیجان | ارض الغور | سهراب | شهرالجبل | فرغانه | فرنامین | رومیه | دجله | کجربه | ابهر | [illegible] | [illegible] |
| لدمد | ال مد | لدل | لدله | لون | لوکا | لدله | لب مت | لول | ل کی | اک | جسکر | ماه | نح کو | لدل | لوه | [illegible] | [illegible] | [illegible] |

**بقیه الطالع**

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| فرنامین | مدین | قراقرام | ابهر | فاریاب | رقه | جبل سارے | طبریه | انطاکیه | بغداد | جنیس | نصیبین | دمشق | عمار | ارض منقره | بلخ | تونس | [illegible] | [illegible] |
| سرطان | اسد | سنبله | میزان | عقرب | قوس | جدے | حوت | حمل | ثور | جوزا | اسد | سنبله | میزان | عقرب | قوس | جدے | [illegible] | [illegible] |
| حیران | وکده | مدینه | سمرقند | فاسان | سمان | سوادکوفه | طبس | خوارزم | کوفه | بخارا | افلاکیس | بدخشان | توران | سغریه | قسطنطین | جرجان | [illegible] | [illegible] |
| جوزا | اسد | سنبله | میزان | عقرب | قوس | جدے | حوت | جوزا | سنبله | میزان | عقرب | قوس | حوت | جوزا | سنبله | میزان | عقرب | [illegible] |
| بیرجان | طرطوس | حلب | زنجان | جرجان | موصل | حاز | اصفهان | مجمد | برکس | که | ابی ورد | کاشغر | طالقان | قسان | ختن | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| سنبله | میزان | عقرب | قوس | حوت | سنبله | میزان | قوس | حوت | سنبله | میزان | قوس | حوت | میزان | قوس | حوت | حوت | [illegible] | [illegible] |

**بقیه آخر الافق**

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| سمرقند | بخارا | خجند | توران | ترشیز | ترکس | بناکت | المسالغ | نیشاپور | طوس | سبزوار | طراز | یزد | تفلیس | مانه | سن | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| مط | مح | مح | مح | ن | من | مو | مو | مب | نح | مب | مب | مو | [illegible] | جاب | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| ماهورفر | اصفهان | دهقان | سمنان | خوارزم | استراباد | بصره | کاشان | [illegible] | خوزستر | رے | سارے | ساوه | بغداد | نجران | التستال | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| م | لط | لح | لز | لز | لو | لو | لب | لب | لا | لا | لح | لو | لب | ال | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| فرقرین | اصجم | شادروز | کوبا | اصبهان | بهران | تهامه | بادکوبه | طبقا | وزبت | بروع | اردبیل | تبریز | [illegible] | [illegible] | طرف | برکس | [illegible] | [illegible] |
| کز | کو | کد | نح | کب | ک | ک | یط | یح | لو | لب | [illegible] | لب | [illegible] | [illegible] | النوح | کب | [illegible] | [illegible] |

**بقیه الدلیل طول النهار**

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| مکه | طالقان | سجستان | عمان | نهاوند | تبریز | ارض قهر | حلب | زرنت | دینور | سنجار | رأس العین | رقه | بلخ | بیهان | دهقان | بسطام | [illegible] | [illegible] |
| مشتری | مشتری | زحل | مشتری | مشتری | زحل | عطارد | عطارد | مشتری | مشتری | مشتری | مشتری | مشتری | مشتری | مشتری | مشتری | مشتری | [illegible] | [illegible] |
| سمار | اصفهان | بابارس | سرابطغر | اهواز | بصره | جبل ال | قوس | سوادکوفه | ساوه | بروع | قسطنطنیه | بحرین | واسط | طبرستان | طبریه | جبل | [illegible] | [illegible] |
| مشتری | مشتری | عطارد | عطارد | زحل | عطارد | عطارد | مشتری | مشتری | مشتری | زهره | مشتری | عطارد | عطارد | عطارد | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| خابن | خجستان | خجند | کاشغر | ختن | اردبیل | جنیس | سیستان | میسند | بحرکابل | مکران | التمران | منصوره | مولتان | قندهار | لاهور | کشمیر | [illegible] | [illegible] |
| عطارد | مشتری | زهره | مریخ | زهره | عطارد | عطارد | عطارد | عطارد | عطارد | مشتری | مشتری | عطارد | عطارد | عطارد | عطارد | عطارد | عطارد | [illegible] |

**بقیه الدلیل طول الطوالع**

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| مکه | عمانه | طالقان | عمان | نهاوند | تبریز | ارض قهر | علانا | طلب | زرنت | رأس العین | رقه | بلخ | بیهان | دهقان | بسطام | فرنیان | [illegible] | [illegible] |
| نح لطه | بدلو | مرلح | مهم | مدم | مو | مرنه | مرکو | مرکا | مدل | مرکا | مط | مرکط | مه | مکط | نرل | مرلح | [illegible] | [illegible] |
| سرابطغر | اهواز | حبشه | بصره | جبل ال | جبل سارے | قرس | سوادکوفه | ساوه | بروع | قسطنطنیه | بحرین | واسط | طبرستان | طبریه | ترشیز | طبس | [illegible] | [illegible] |
| برلو | ما | تبسطان | نح لور | مرکبل | مدل | مرکل | مح ل | مرکا | مدر | مکر | نح لده | مدرم | مریح | ملدل | مرکا | مرما | [illegible] | [illegible] |
| خجند | کاشغر | ختن | هرموز | اردبیل | جنیس | سیستان | میسند | بحرکابل | مکران | التمران | منصوره | مولتان | قندهار | لاهور | کشمیر | سمان | [illegible] | [illegible] |
| بح ل | نح | بربر | نح کح | نح لط | مرا | نح ل | مدم | مرکا | لط | ک مر | نح لک | نح لک | مدرا | مده ی | مدکا | مدلب | سدم | [illegible] |

**بقیه الاقالیم**

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| مجانبالغ | خانکوبین | صبح سند | مل فارس | قم و کاشان | قیساریه | قسطنطنیه | بیت المقدس | مشوره سند | حلوان | قزوین | قرتو | ماکوکلاه | اصفهان | جیلان | عموریه | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| ۲ | اقلیم اول | ۲ | ۳ | ۲ | ۵ | ۲ | اقلیم اول | ۲ | ۳ | ۵ | ۱ | ۲ | ۳ | ۳ | ۵ | ۱ | ۳ | ۵ |
| بافارس | کرمان | طبرستان | رویسه | قصرکران | قندهار | تهم خراسان | سواس | کیمکران | برستان | سوع | ارض سوط | کشمیر | فرغانه | شهرالجبل | لاهور | بادکوبه | زابل | [illegible] |
| ۲ | ۳ | ۲ | ۵ | ۲ | ۲ | ۲ | ۵ | ۳ | ۲ | ۵ | ۲ | ۲ | ۵ | ۲ | ۲ | ۵ | ۲ | ۵ |
| لهاور | کاخطاکابل | بیشند | طبرے | بیوس | بابل | فلسطین | طالقان | عانه | بهدان | مولتان | کابل | قزوین | تکریت | خوزستر | مرو | اکره | دلی | [illegible] |
| ۲ | ۴ | ۳ | ۲ | ۳ | ۲ | ۳ | ۲ | ۵ | ۲ | ۳ | ۲ | ۳ | ۲ | ۲ | ۳ | ۲ | ۳ | ۲ |

**بقیه ...**

[illegible]

جدول بیست و پنجم در شناختن مسافت میان شهرهائی که مشهور است بخط راست لفظ لام علامت منزل و خا علامت فرسخ

# الجدول الخامس والعشرون في معرفة مسافة ما بين البلاد المشهورة بالخط المستقيم واللام علامة المنازل والخاء علامة الفراسخ

| غزنین | | | | | | | | مکه | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| با طوس [illegible] | با تفلیس [illegible] | با قندهار [illegible] | با بلخ [illegible] | با مولتان [illegible] | با کشمیر [illegible] | با جنید [illegible] | با اندلس [illegible] | با هرموز [illegible] | با قسطنطنیه [illegible] | با بلغار [illegible] | با دمشق [illegible] | با موصل [illegible] | با شیراز [illegible] | با بصره [illegible] | تا صنعا [illegible] |
| با ارزن الروم [illegible] | با هرموز [illegible] | با بغداد [illegible] | با اصفهان [illegible] | با حبشه [illegible] | با مصر [illegible] | با قزوین [illegible] | با استرآباد [illegible] | با خانبالغ [illegible] | با تبریز [illegible] | با سبزوار [illegible] | با هرات [illegible] | با شماخی [illegible] | با طوس [illegible] | با بخارا [illegible] | با سومنات [illegible] |
| با چین [illegible] | با بصره [illegible] | با یزد [illegible] | با سبزوار [illegible] | با شماخی [illegible] | با ختن [illegible] | با احسا [illegible] | با مکه [illegible] | با ارزن الروم [illegible] | با جنید [illegible] | با بلخ [illegible] | با تفلیس [illegible] | با اندلس [illegible] | با کشمیر [illegible] | با یزد [illegible] | با حلب [illegible] |

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| سه میل | فرسخی | فرسخ | هشت | منزلی |
| اصبعی | سی و سه اصبع | گزی | سه هزار گز | میلی |
| اسب | از یال | شش تار مو | عرض جو | جو میانه |

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| و بیشتر | ساقط است | کمتر | از نصف | کسر |
| و اصفهان | و مکه | صحیح است | منازل | از نصف |
| جدول بیست | سجاب | داخل سجاب | مقابل | در صفحه |

# بقية الجدول الخامس والعشرين في معرفة ما بين البلاد المشهورة بالخط المستقيم واللام علامة منازل والخاء علامة الفراسخ

| البلد | المسافات | البلد | المسافات |
| --- | --- | --- | --- |
| الاسترآباد | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| الشماخي | [illegible] | التفليس | [illegible] |
| قندهار | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| ايضا مكة | [illegible] | سومنات | [illegible] |
| الملتان | [illegible] | قسطنطينية | [illegible] |
| ايضا اصفهان | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| الكرخة | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| قرطبة الاندلس | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| سرنديب | [illegible] | [illegible] | [illegible] |

جدول بیست و ششم در ادعیه سفر و ادویه که بطرف میکند علت عضوها را از او جامع امراض یعنی از درد با وجز آنها

# الجدول السادس والعشرون فی ادعیة السفر والادویة التی تزیل علل الاعضاء بعفرتیا غیر و فی غیره

عند ارادة السفر

[illegible]

عند الخروج من المنزل

[illegible]

عند السیر فی الطریق

اللهم ارزقنی اطولها و افضلها رزقا وخیرها عافیة و تکون
اللهم ان کانت عظیم البرکة فاصلة المنفعة میمونة الناحیة فوفق
شأنها و انکانت غیر ذلک فاصرفنی عنها الی الذی هو خیر منها
فانک تعلم ولا اعلم و تقدر ولا اقدر و انت علام الغیوب و بجای
سواری و کرسی و مرکب بدل امام علی النقی علیه السلام گرفت

عند نقاط البیت

فاتحه و آیة الکرسی و سپس بخوان بگو اللهم
[illegible]
انا للنار و انا الیه راجعون [illegible] یا ارحم الراحمین

عند العطف

چون عصا از چوب بادام تلخ بردارد و آیه و لما توجه
تلقاء مدین را تا علی ما نقول وکیل که در سوره قصص است
بخواند نگاه دارد حق تعالی و از شر هر دو ان و د دان و هر حشر
باشد و باید این شکل را بر کاغذ نوشته میان عصا نهد و حلقه
و لا گرفتن پایان ۵ ۱ ۵ ۵ ۵ ۵ نصاب ۶

عند رکوب الدابة

[illegible]

السقوط عن الدابة

[illegible]

عند صعود الجبل

[illegible]

عند الوصول الی البلد

یا قوار بلغ الی الارض فیها اعملک یا یکون مما و دات الک السلطان علی کل مربوب فی اعوذ بقدرتک
علی کل شیء من الغرق و من کل سبع او ماره او عارض من سایر الدواب یا خالقها نظره او راها فی و اجرها
و لا تسلطها علی و اکفنی من شرها و باسمها یا الله یا و العلم العظیم حطنی بحفظک من مخاوفی و اوخلنی یا ارحم
و چون در بندد بر جوی ریزی و آیة الکرسی بخوان بگو عزمت علیک بعزیمة محمد صلی الله علیه و آله و
بعزیمة سلیمان بن داود و بعزیمة علی بن ابی طالب علیهما السلام الا بعدت عن حل لقینا و لم تؤذنا + +

عند الخوف فی الطریق

یا قویا تخذ ان نوم هی خلقه و التابع بها الی عقدره و المتقدم فیها حکمه دخالها و جاعل منها الها انا الی
[illegible]
الائمة الابرار السادة الطاهرین کن لفلان بن فلان در عاصمه اجمعین یا رب العالمین و الله المستعان

عند البلاد الحسنه

[illegible]

عند العقرب و الحیه

یا عالم من کل بجة علی تالف من اعلوب شدة و تخفیف سهم
[illegible]
[illegible] یا ارحم الراحمین [illegible]

عند النزول فی الشیء

[illegible]

عند الوصل

چون تنها شوی [illegible]
[illegible]

عند ما رکوب السفینة

بسم الله الملک الرحمن و ما قدروا الله حق قدره اذ قالوا ما انزل الله علی بشر
من شیء قل من انزل الکتاب الذی جاء به موسی نورا و هدی للناس تجعلونه
قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا و علمتم ما لم تعلموا انتم و لا آباؤکم قل الله
ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون بسم الله مجریها و مرسیها ان ربی لغفور رحیم

للمهوف والغرق

[illegible]

عند الخوف من الغرق

دعای پیش [illegible]
[illegible]

للامن من غیر الطریق

[illegible]

عند مخالف الطریق

[illegible]

عند الحلق

در پیش لشکر خود [illegible]
[illegible]
و اگر [illegible]

دفع الخلق والشیطان

بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض و لا فی السماء و هو السمیع
[illegible]

للامن من الشیاطین

اللهم رب السموات السبع و ما اظلت و رب الارضین السبع
و ما اقلت و رب الشیاطین و ما اضلت و رب الریاح و ما ذرت و رب
[illegible]
علی حاجتی یا قاضی الحاجات و مجیب الدعوات [illegible] الآیة

عند قضاء الحاجة

[illegible]

حفظ الدابة

[illegible]

عند الاصوات المخوفة

[illegible]

عند خوف من اللص

ایذ عاد او گرد [illegible] اللهم احفظ علی [illegible]
[illegible]
الله السلطان سلطان و لا الا الله [illegible] و الله اعلم بالصواب

بقیه جدول بیست و ششم در ادویه مجربه سریع الاثر بجهة علت عضاکه در اکثر اوقات در سفر محتاج الیه است

## بقیة الجدول السادس والعشرون فی ادویة مجربة مصلحة سریعة الاثر لعلل الاعضاء التی تجد فی السفر غالباً

فی الصداع

[illegible]

فی الزکام

[illegible]

فی الخفقان

از غم کی و حمیت که از راه رفتن با آفتاب و عطش آن بهم رسد علاج
کمون افیون مصری بر چشم بعد از نشستن نزد یک آتش و بول این
آن نفع این علت کند و اگر بعد از مرور مدتی عارض شود مغز دانه
اشیا مثل مقایم صغر اباشد نفع کند و اکتحال با ملیح کامل
نافع است و اگر رفته بود و باشد زنجبیل با دو شاب بسا یند

فی السعال

نخود را استخوان سبک تلخین بهم دود و برگ عنبر و برادر جای
نشاسته که وا زنده نازم شده و شکر از آن گرفته بقدر لعقه رطل عرم
کنند و یک در قوق شق و یکید گ نمک با حاو شیر و اصل کنند و بر دو روغ
بکار نشیند جمیع بعد یکیر اوق آمد و واقی باشد اگر بعد از عی
بهم رسد آب سرد بر سر زند مولد از مستان قواره دربالسستان

فی ضیق النفس

[illegible]

فی الطحال

[illegible]

فی وجع الاذن

[illegible]

فی وجع الاسنان

[illegible]

فی وجع المفاصل

[illegible]

فی وجع الاعضاء

[illegible]

...ودیست که بسبب کاوان بلندی یا مکر حیوانی یا ضرب یا عقست یا ضرب یا سنگ در ظهری
بهم رسد جای آن کبود شود چون قدری اقاقیا جزوی یا صبر و جزوی یا زناش و جزوی از حنظا
و جزوی ارضین ارمنی مجموع را با هم کوبیده با آب الآس ترکسته و از پر ریغ با آن عضو را مالند
در همان لحظه وجع تسکین یابد و کبودی عضو زائل گردد و بستن خمیر آرد و جو نیز گاهی این کار
کند سبوس نیز همین دستور است

فی البواسیر

[illegible]

فی الشقاق

[illegible]

ارسوء مزاج حارست یا یابس علاج آنکه در ساعت رفع شود از
... بهم جو منسوس در بر کوبیده و بعقید شیر
... بر بنفشه سیلاب هم بر نرم تناول نمایند نوعی گر
عسل بکوبد و اصل السوس ... بیخ کوز و کاو الجیر و صنوبر
و اصل السوس ... در جل با هم و زان او عسل ... او بریزد
تا بقوام شود بنوشند

فی القی

[illegible]

فی طلاء الاعضاء

[illegible]

برگی و صبر و عصاره ماميثا خصوص
زعفران و ... اقاقیا و طین ارمنی
علی السویه سحق نموده ... 
... نافع است

فی الحمی والغفلة

لذا رسی ست که در جوانه بهم رسد از ضعف لعوق معده و سوء مزاج صندل و کافور و آب
شاه توت که ریحان ست بر شکر و حوالی آن طلا کنند و قرص گشنیز بکار برند و جهة
ذخیره و حب الرشاد یک مثقال کمون کرمانی داخل کنند نرم بیخته غبیر سازند و
آن را بر روغن گاوی کنند و بخورند و اگر بر غیر آن ریزند با شیر مادرش بخورند والسلام

فی القولنج

عاقر قرحا او در میان گل خمیر آرد کرده
... بسیده و در ... شود و مانند ...
... کنار ...
... کنند ...
میان ... با آفتاب خشک ... شود کار
همین کار کنند مجرب است

فی عرق النساء

[illegible]

فی الکمات

[illegible]

فی البواسیر والشقوق

اول بیابد و موضع ناسور ... در سفید ...
... 
... اتفی که ...
... بسیار در بر مجرب همین فایده دارد دو ازتانی ... جمیع
ناسور ... و حک ... 
سنبر آن باشند به شود انشاء الله

فی الفرب

تسکین ... سازند و برگ ... و صاحب ...
بردارد ... شود ولیکن ... در ... بهم رسد علاج
... و کمون و ... صغیر ...
از هر یک قدری بر داشته طبخ و آب ... گرفته بقدر
رطل ... درآن ریخته صاف کنند و بیاشامند

فی الحکة

خارش ... اگر ... باشد ... آب سرد
... 
... 
... 
خارش ...
بر روغن ... گل کرده بمالند که نافع و مجرب است انشاء الله

فی القولنج

[illegible]

فی المغص

شاخ ... سفید ... قدری ... سفید است ... و
گل ... و ... از هر یک جزوی بر داشته ... طبخ نمایند تا ...
و طفلی که ... بیرون آید ... خلاص شود و اگر ... بیرون آید ...
... خلاص شود و اگر ...
... و اگر ... در میان ... است ...
اعلم بالصواب

فی وجع المفاصل

[illegible]

جدول بیست و هفتم در معرفت اختلاجات عضوها از قول حضرت امام جعفر صادق ع و دانیال پیغمبر علی نبینا ع

# الجدول السابع والعشرون في معرفة اختلاجات الاعضاء من قول الصادق ع و دانیال النبي ع

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| في الرأس كله | مراد جستن تمام سر است دلالت کند بر پیدا شدن شادی و طرب و ترفع عمر و یا بازو شدن دوستی با کسی که از آن باشد و به قول الخندر دال است بر رفعت و بزرگی و به قول حکما حکومت است | في قفاء الرأس | دلیل است بر توسعه رزق و آسانی معیشت و با شرف و بلندیست و یا غنیمت و یا وطن از سفر و به قول حکماء فرس و حکماء روم گویند که طلب امری بزرگ خواهد رفت | في الرأس | مراد کله سر است که جستن و به صفت ... سوای ... انسان جستن آن دلالت کند بر اینکه اندک نکری خواهد دید یا آزاری از ... یا د خواه رسید و ... خواهد یافت ... عظیم مشقت بدست آید | في الجبهة | پیشانی است جستن آن موجب شهرت گردیدن به نیکی و یا رسیدن شرف و بزرگی و عزت بین الناس و یا بلند شدن رتبه است نزد سلطان و یا شادی به بوی روی کند و بعضی گویند که حکومت یابد |
| في الاذن اليمنى | [illegible] | في الاذن اليسرى | [illegible] | في الصدغ الايمن | [illegible] | في الصدغ الايسر | [illegible] |
| في الحاجب الايمن | نشانه فکر فاسد است و یا خبری شنود که از آن دلگیر شود و به اسکندر گوید تنگی بوی روی کند روز و به بطلمیوس شود و یا نعمتی یابد بعد از تنگدستی و ... حکماء روم نشان خرمی است بعد از ترس | في الحاجب الايسر | از شنیدن خبری و یا واقع شدن آن شاد گردد و یا غائب او در رسد و یا توسعه معیشت یابد بعد از تنگدستی و حکماء روم گویند خرمی یابد بعد از غم و بعضی یابد بعد از خوف بسیار | في ما بين الحاجبين | جستن میان دو ابرو نشان سر زدن عمل زشت از وی و یا شنیدن حرفی که از آن خشم آید و بعضی گویند که ... یابد و حکماء روم گویند یا در رسد چیزی که از ... ک می شد | في الجفن الايمن | دلیل بر شادی و چشم روشنی است و یا خرمی و سرور است و به قول اسکندر خیر نیکست و به قول حکماء بهره عظیم از مال و نیکنامی خیر بسیار است والله اعلم بالصواب |
| في الجفن الايسر | [illegible] | في العين اليمنى | [illegible] | في العين اليسرى | [illegible] | في الجفن الاسفل | [illegible] |
| في ... | اندک است علامت آمدن غایب است یا عذر ... یا صحت از مرض یا بیرون آمدن از ... یا سعادت و از جیب ... حالی و شفا از مرض و دفع مکروه یا سعادتمند شدن یا گشایش امور | في العينين | مراد تمامی چشم است پس اگر دیده است جهد رحمت بعد از زحمت یا صحت بعد از مرض یا بر طرف شدن غم و دیدن خیر یا ... مرتبه است و از جنگ ... مند شدن و بر ... از دیدن ... زوال ... یا ملاقات ... است | في ايمن الانف | جستن طرف راست بینی دلالت کند بر دیدن یا رسیدن خبری که از آن شاد گردد و یا دلگیر شدن به چیزی که مشغول آن گردد و یا واقع شدن چیزی ... و ... یا فوت ... از حرف دشمنان | في ايسر الانف | زوال ... دیدن چیزی ... یا رسیدن چیزی که دوست داشته باشد و یا یافتن سعادت تازه و یا ظفر بر دشمنان یا ... از حصول چیزی که در آرزوی آن باشد ... |
| في ... | [illegible] | في ... | [illegible] | في ... | [illegible] | في ... | [illegible] |
| في ... | اندک است نشانه خوشحالی است از تولد ... و یا روی دادن عمل تازه و یا دیدن بعضی از خویشان و یا ... خاطری ... بر طرف شدن خوف و بیم ... رسیدن چیزی یا که جستن آن روشن گردد | في اللسان | بر جایی که از زبان بجنبد باعث تعب و دشواریست و یا توجه امر خطرناک و دیدن چیزیست که از آن غمگین شود و عاقبت بالفرج انجامد و یا غایبی او را برسد که باعث خوشحالی او باشد | في الانف | مراد جستن مجموع بینی است دلالت کند بر معانقه کردن یا غایبی که مطلوب ... یا دیدن چیزی که موجب خوشحالی باشد و نزد حکما دلیلست بر سفر کردن نزدیک و یا رسیدن به جاه و منزلت ... | في الفم | دهان است ... از تاریخ ... آن گویند علامت بر طرف شدن ... حاصل شدن ... است بعد از مرض و ... علامت شادمانی است و نزد حکما ... است ... و ... مرض اندک است |
| في ... | [illegible] | في ... | [illegible] | في ... | [illegible] | في ... | [illegible] |
| في ... الايمن | لب زیرین است یعنی نشانه اختلاج آن دلیل بر تازه شدن کار خیر است و یا پوشیدن جامه نو و اسکندر گوید ... در متاع او ... رسد ... در روز ... اختلاط کند | في ... الايسر | دلیل است بر خرمی و فرح و یا ... از چیزی که امیدوار ... و بعضی گویند علامت تازه شدن خوشحالی است از وصول مطلب عظیم | في عضد الايمن | مراد مجموع بازو است ... جستن هر عضوی نشان دلیل بیماری و شفا و به قولی رسیدن ... و بر طرف شدن آن یا رسیدن ... که در اندیشه داشته باشد والله اعلم بالصواب | في عضد الايسر | علامت خوشحالی و جمعیت است یا آنکه اختلاط است نافع و با خرمی و مرفه و یا دیدن نفعی است از کسی که صاحب او است ... حکماء روم وقوع ... نیک است |

## بقیة الجدول السابع والعشرین بقیة فی احکام الاختلاجات من قول الصادق و دانیال النبی والحکماء

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| فال فوق العین الایمن | مراد از مقاس اعظم است از عضد و ساعد اختلاج ان دلیلست بر بیماری و شفای از مرض اندک و یا نجات از مکروه و نزد بعضی بسر رسیدن و خشنودیست و بستیزان نیک و اخر برو دشمنان غالب گردد و شمن مجل مسرور است | فال الم فوق | دلیلست بر تعجیل خیر و یا رسیدن خرمی و چشم روشنی و یا خوشحالیست بسبب حصول مقصود و یا حزنی است از مردم نسبت باو و بقول حکما روم اش بلند و بزرگ حسنا یش کردد | فال الاذن الایمن | ساعد است از بند دست تا مرفق جستن عضو از دلیلست که زیاد کردن منکوحات و بقول صادق علیه السلام بنکاح تازه ایست و بقول حکما است و رفع اش بجمع شدن با محبوب از روی عز و ابش |
| فال الکف الایمن | [illegible] | فال الکف الایسر | [illegible] | فال ابهام الیمنی | [illegible] |
| فال سبابة الیمنی | در هر یک از اسابیع ثلاثه اختلاج ان علامت گفته شدن سخنان بد است درحق او و اسکندر گوید در علی خواهد افتاد و بسبب خرمی که از و صادر گردد | فال سبابة الیسری | علامت انست که در حق او خواهند گفت سخنانی که بکرده وی باشد و یا فاش گردد سخنان که در حق او گفته باشند و بعضی گویند نسبت داده شود باو افعالی که بد باشد | فال وسطی الیمنی | نشانه رسیدن رزق است بسی بسیار و یا ظاهر شدن دشمنی او و بقول بعضی از حکما خوف است میان خلق عالم و شهرت کردن است بنیکی و نیکنامی |
| فال الخنصر الایمن | [illegible] | فال الخنصر الایسر | [illegible] | فال الابط الایمن | [illegible] |
| فال الکاهل | سفر و شی خاص یعنی نهی کاه است جستن ان از هر طرف دال بر شادمانی و خرمی و بهره یافتن از زر و سیم و دنیا و از هر چه اراده نماید | فال الصلب | خرم شدنست از اندوه غایبی و از طرف چپ کار کمر و هست و زر است و اندک همی که زود بر طرف شود و دو ستانها از زر است رسیدن بمرد و یا به که ریگان نزد و اخریدی ایست عظیم برسد که دارد و بر باشد | فال الظهر | موت یافتن است بمال بسیار و خرمی بسبب زرگی و نیکنامی و اگر در کمر بند باشد دلیلست بر طرف کردیدن محنت و بهره بردن از مال و نکاح تازه و بر زن جمیله |
| فال العانة | [illegible] | فال الذکر | [illegible] | فال الخصیتین | [illegible] |
| فال الفخذ الیمنی | ران است است جستن او مذکور شدن او بنیکی و اعتقاد مردم بر خوبی او یعنی که هر چه بگوید راست دانند و از سخن وی بیرون نروند والله اعلم | فال الفخذ الیسری | دلالت کند بر اینکه اندک غمی او را عارض شود و یا بر طرف هم دیگری است غایبی هم بوی برسد از جایی که گمان نداشته باشد | فال الرکبة الیمنی | دلیلست بر خوشحالی شدن بسبب ان خیری که او را عقب داشته باشد و یا فرح و مطلع فرح است یا صرفه تازه بسبب رسیدن بخیری و کفایت از شر دشمن |
| فال الساقین | [illegible] | فال العقبین | [illegible] | فال الکعبین | [illegible] |
| فال الاصابع | مراد مجموع بطن پاهاست خواه اجزای ان بزمین رسد و در راه رفتن یا نرسد جستن ان از راست روی دادن اندک همی و از چپ نشانه سعی و غنیمت است | فال ... | در انگشت مهین پای راست من غایب و در چپ رسیدن بدولت و در سبابه راست اندک نکبت و از چپ بلندی و در وسطی راست خصومت و در چپ شادی و در انگشت کوچک از راست خوشحالی و از چپ دولت | فال بطن القدمین | در هر یک از انگشتهای پای راست روی دادن آشوب و فتنه است و در انگشتهای پای چپ هر یک خرمی و خوشحالی و رسیدن بکام دوست و دادن سعادت است |

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| فال الذراع الایسر | علامت رسیدن رزق بسیار است و یا خوشحالیهای تازه و با سعادت تازه و نزد حکما پیدا شدن سرفتنه ایست میان مردم و تفوق بر همکنان است | فال ابهام الیسری | [illegible] | فال وسطی الیسری | علامت ظفر یافتن است بر دشمن دیرینه و بقول حکما صلح است بعد از جنگ و شادیست بعد از غم تمت |
| فال الکتف الایسر | [illegible] | فال السرة | نافع است جستن ان نشان بسیار شدن عیال است و یا رسیدن بزرگ وزرکه حرام است و نزد بعضی علامت زیاد شدن اولاد و حشمت | فال الالیتین | [illegible] |
| فال الرکبة الیسری | نشان سروری یافتن است بر زر و سیم و دنیا و متاع ان و یا رسیدن بهره بزرگ از مال و ملک حیوانات و غیره | فال ظهر القدمین | [illegible] | تمت | عضو که اختلاجش خوب نباشد یا کسی خواب پریشان ببیند بگوید اللهم لاطیر الا طیرک ولا خیر الا خیرک ولا اله غیرک و عای دیگر اعتصمت لک یا رب من شر ما یجب فی نفسی فاعصمنی من شر ذلک |

# بقیة الجدول السابع والعشرین بقیة فی احکام الاختلاجات من قول الصادق و دانیال النبی و الحکماء

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| قال ظهر القدم الایمن | مراد بقفای اعظم است از عضد و ساعد اختلاج ان دلیلست بر بیماری شفای ازو مرض اندک و با نجات از ان کرده و نزد بعضی سرزنش و خشمناکست بسخنان تبیح و افزون برد شمنان غالب گردد و شخصی بمال و سرودست | قال المرفق | دلیلست بر تعجیل خیر و یا رسیدن خرمی و چشم روشنی و یا خوشحالیست بسبب حصول مقصود و یا حزنی است از مردم نسبت باو و بقول حکما روم نسبت اش بلند و بزرگ خلایق گردد | قال الابهام الایمن | ساعد است از بند دست تا مرفق جستن عضو از ان دلیلست بر زیاد کردن سکوجات و بقول صادق علیه السلام نکاح تازه است و بقول حکما است در زوائش بجمع شدن با محبوب از او در اعراضش | قال الابهام الایسر | علامت رسیدن رزق بسیار است و یا خوشحالیهای تازه و باسعادت تازه و نزد حکما پیدا شدن سربلندیست میان مردم و تفوق بر همگنان است |
| قال الکعب الایمن | [illegible] | قال الکف الایسر | [illegible] | قال ابهام الیمنی | [illegible] | قال ابهام الیسری | [illegible] |
| قال الیتین الیمنی | در هر یک از انگشتان سبابه جستن اختلاج ان علامت گفته شدن سخنان بدست در حق او اسکندر گوید در خللی خوراک افتد و بسبب خرمی که از او وصادر گردد | قال سبابة الیسری | علامت انست که در حق او خواهند گفت سخنانی که نکرده وی باشد و یا فاش گردد سخنان که در حق او گفته باشند و بعضی گویند نسبت داده شود باو افعالی که بد باشد | قال وسطی الیمنی | نشانه رسیدن رزق است و بیعتی بسیار و یا ظاهر شدن دشمنی او و بقول بعضی از حکما عزت است میان خلق عالم و شهرت کردن است بنیکی و نیکنامی | قال وسطی الیسری | علامت ظفر یافتن است بر دشمن دیرینه و بقول حکما صلح است بعد از جنگ و شادیست بعد از غم تمت |
| قال البنصر الیمنی | [illegible] | قال الخنصر الیمنی | [illegible] | قال البطن | [illegible] | قال الکعب | [illegible] |
| قال الکاهل الیمن | سفروش خاصر یعنی تهی گاه است جستن ان از هر طرف دال بر شادمانی و خرمی و بهره یافتن از زر و سیم و دنیا و از هر چه اراده نماید | قال الفلح | خرم شدنست از امدن غایبی و از طرف چپ کار مکروه است از زیست و اندک همی که زود برطرف شود و دوستانی از زیست رسیدن نمرد و باید که پستان بزرگ و کوچک اید و از باشد تا خطیم برسد که دار زور | قال الظهر | موت یافتن است بمال بسیار و خرمی بسبب بزرگی و نیکنامی اگر در کمر بند باشد دلیلست بر طرف کردیدن محنت و بهره بردن از مال و نکاح تازه بر زن جمیله | قال السرة | تابع است جستن ان نشان بسیار شدن عیال است و یا رسیدن بزرگی و کرم است و نزد بعضی علامت زیاد شدن اولاد و حشمت |
| قال الصدر | [illegible] | قال الحلق | [illegible] | قال الخصیتین | [illegible] | قال الاذنین | [illegible] |
| قال الفخذ الیمنی | ران راست است جستن او مذکور شدن او به نیکی و اعتقاد مردم بر خوبی او و هی که هر چه بگوید راست دانند و از سخن وی بیرون نروند والله اعلم | قال الفخذ الیسری | دلالت کند بر اینکه اندک غمی او را عارض شود و یا برطرف بهم دلگیری است غایبی هم بوی برسد از جایی که گمان نداشته باشد | قال الکبد الیمنی | دلیل است بر خوشحالی شدن بسبب ان خیری که او را العقب وابسته باشد و یا فرح و مطلوبی است یا سرقه تازه بسبب رسیدن به خرمی و کفایت از شر دشمن | قال الکبد الیسری | نشان سروری یافتن است بر زر و سیم و دنیا و متاع ان و یا رسیدن بهره بزرگ از مال و ملک حیوانات و غیره |
| قال الساق الیمنی | [illegible] | قال العقب | [illegible] | قال الکتفین | [illegible] | قال کتف الیسری | [illegible] |
| قال کف القدم الیمنی | مراد مجموع بطن پا است خواه افزار ان بر زمین رسد و رزاه رفتن یا نرسد جستن ان از راست روی دادن اندک همی و از چپ نشانه سعی و غنیمت است | قال کف الیسری | در انگشت مهین پای راست مال غایب و در چپ رسیدن بدولت و در سایه انگشتان اندک نکبت و از چپ بلندی و در وسطی راست خصومت و در چپ شادی و در انگشت کوچک از راست خوشحالی و از چپ دولت | قال الطحال | در هر یک از انگشتهای پای راست روی دادن آشوب و فتنه است و در انگشتهای پای چپ هر یک خرمی و خوشحالی و رسیدن بکام و دوست و ادن سعادت است | تمت | عضوی که اختلاجش خوب نباشد یا کسی خواب پریشان ببیند گوید اللهم لا طیر الا طیرک و لا خیر و لا خیر الا خیرک و لا اله غیرک و دعای دیگر اعتصمت لک یا رب من شر ما یجب فی نفسی فاعصمنی من ذلک |

# بقية الجدول الثامن والعشرين في ادعية علل الاعضاء المنقولة عن الائمة صلوات الله عليهم اجمعين ٥

**الكبد والقلب** — [illegible]

**الكلى** — [illegible]

**لسع العقرب**

دست بر سینه بمال و بگو بسم الله و بالله محمد رسول الله و ابطال الاحوال الا قوة الا بالله العلي العظيم اللهم امسح عني ما احذر پس بنوع دیگر است یا الله در سوره مخلصا له الدين اعوذ بالله من الشيطان الرجيم و بعد گر چه نفس بکر بگوید توکلت على الحي الذي لا يموت الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا و لم يكن له شريك في الملك و لم يكن له ولي من الذل و كبره تكبيرا

**السل**

سه روز روزه و روز آخر وقت زوال غسل چهار رکعت نماز کند و برهنه شده بکلی پاک کرده در سجده در روز سیم آن روز و بگوید یا واحد یا احد یا صمد یا کریم یا جبار یا قریب یا مجيب يا ارحم الراحمين صل على محمد وآل محمد و اكشف ما بي من مرض و السني العافية شاملة كافية في الدنيا والآخرة [illegible]

٥٩٠ | ١ | [illegible]

تر نماز تهجد بسیار ... بگوید اللهم اني اعوذ بك دعاء الذليل الفقير طليل ادعوك دعاء من اشتدت فاقته و قلت حيلته و ضعف عمله و الح عليه البلاء دعاء مكروب ان لم تدركه تا ملكه ان لم تستنقذه فلا تضطرني الى الياس الی يومك و القنوط من رحمتك

**الفرح والقبض** — [illegible]

**الغم** — [illegible]

**الغضب** — [illegible]

**الوسواس**

چون طفلی را اثار عارض شود خوراه تا بیدار شده و خواه و تسکیل بخوانند سوره او از الم تا آخر پس بگوید و من يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره و اگر طفل بزرگ باشد و خود تواند خواند باید عا بوی تلقین نماید اللهم اشفني بشفائك وداوني بدوائك و عافني من بلائك فاني عبدك و ابن عبدك تمت

**البرص**

خوردن خاک و امام حسین مغرب بیان علاوه بر علت خصوصا برص و بروایتی سوبار کونشا یا سویق خشک نافع است و نوشتن سوره یس بعسل و سجام و نوشیدن نافع دیگر برص را وضو بسازد و بعد از دو رکعت نماز بگوید یا الله یا رحمن یا رحیم یا سامع الاصوات یا مجیب ما اخذ فقد عافني و احسن الي تمت

**الفالج**

سوره الانعام ... سوره بخوانند ... بسم الله الرحمن الرحيم الذين كفروا ان السموات و الارض كانتا رتقا ففتقناهما و جعلنا من الماء كل شيء حي افلا يؤمنون و دست بر شکم کشیده بگوید فاجعلنا الخناس الى جنع اللحم ... من الطويح الخبيث ... اللهم الا قلع من ... باذن الله عز و جل ...

**الصرع** — [illegible]

**الماء الاصفر** — [illegible]

**السهو**

بار بگوید یا الله یا رب الارباب یا سید السادات و یا اله الآلهة یا مالک الملوک یا جبار السموات و الارض اشفني و عافني من دائي هذا فاني عبدك و في قبضتك و ناصيتي بيدك نو عد بگریه و روز دیگر ... عملی که در رسالة ... گفته اند

**الطحال**

ابد طفلان است چون این شکل چهار در چهار را اعداد بر چهار خانه از برطرفی که بشمار ... ترتیب ... چهار است عدد اول

| | | | |
|---|---|---|---|
| ١٣ | ٣ | ٢ | ١٦ |
| ٨ | ١١ | ١٠ | ٥ |
| ١٢ | ٧ | ٦ | ٩ |
| ١ | ١٤ | ١٥ | ٤ |

دوم الى آخر همچنین نویسند و بر بازوی راست طفل بندد اصلاح شود و دوا گرا آورده باشند زیاد شود

**الفتق والحبس**

حکم ... و بحسن است برای اول بگوید اعوذ بوجه الله العظیم و بعزته التي لا ترام و بقدرته التي لا يمتنع منها شيء من شر هذا الوجع و من شر ما فيه و من شر ما احذر منه ... اللهم ما كان لي من خير فمنك لا احمد عليه غيرك و ما كان لي من شر فقد حذرتنيه لا عذر لي فيه اللهم اني اعوذ بك ان اتكل على ما لا احمد او آمن ما لا عذر لي فيه

**الاوجاع والرطوبة** — [illegible]

**القولنج** — [illegible]

**الرياح والنساء** — [illegible]

**وجع الفخذين**

طشتی را پر کنند از آب گرم و در میان آب بلند بنشیند و دست بر موضع الم گذارده و این آیه مبارکه را بخواند اولم یر الذين كفروا ان السموات و الارض كانتا رتقا ففتقناهما و جعلنا من الماء كل شيء حي افلا يؤمنون و در حين خواندن با کسی سخن نگوید تا راحت شود

**وجع الركبتين**

بعد از فراغ از نماز واجب این دعا را بخواند یا اجود من اعطى و یا خیر من سئل و یا ارحم من استرحم ارحم ضعفي و قلة حيلتي و عافني من وجعي ... صلوات فرستاده دست بر زانو یا بمال و اگر نماز کند ... گرچه شود ... 

**وجع الساقين**

صفت با بخوان آن الم الى كتاب ... و لكن تجد من ... ربي الناس و اشف انت الشافي لا شفاء الا شفاؤك شفاء لا يغادر سقما اللهم اشف القلب و الجسم و اكشف السقم ... بحق محمد

**وجع القدمين** — [illegible]

**الكعبين** — [illegible]

جدول بیست و نهم در ادعیه متفرقه که مرویست از ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین

# الجدول التاسع العشرون فی ادعیة متفرقة لمطالب متفرقة مرویة عن الائمة المعصومین صلوات الله علیهم اجمعین

[illegible]

شب بعد از فراغ از نماز تهجد دست بردارد و بگوید اللهم تحلنا بالبلاء ... ومنا بالسلام ... بالادای قادر ... میوم لاسعادة ... وصل علی محمد و آل محمد و القنی ... وسلمنی شره ... منی ... فاخرجه ... الاصوات للرحمن ... الاسا ... بعنه لوجه الحی القیوم ... [illegible]

[illegible]

... اگر ... بگوید اللهم انی ... الحمد ... لقیه ... فقال ... بالمد

[illegible]

... بگوید اللهم انی ... حیاة ... من ... بدست ... خواند فاتحه اخلاص ... آخر سوره حشر ...

[illegible]

اللهم السماء لک والارض لک وما بینهما لک فاجعل ما بینهما ... علی فلان و نام گرفته و ... علی ... و نظر کرد ... فی ... بسبالا ... هر جا که باشد بر گردد بعون الله تعالی

[illegible]

اللهم انی عبدک وابن عبدک ... ماض فی حکمک عدل فی قضاؤک ... بکل اسم هو لک سمیت به نفسک او انزلته فی کتابک او علمته احدا من خلقک او استاثرت به فی علم الغیب عندک ان تجعل القرآن ربیع قلبی و نور بصری ...

[illegible]

اللهم اذهب عنی غیظ قلبی واجرنی من مضلات الفتن اسئلک رضاک واعوذ بک من سخطک ... واعوذ بک من ... اللهم ... علی الحق و الصواب و اجعلنی ... مرضیا غیر ضال ... الا ...

[illegible]

... آیة الکرسی ... و تهلیل و صلوات ... رسول خدا صلی الله علیه و آله ... بعجز من عروقه ... من اللوح المحفوظ ... فی ... کلماته ... القهر والبصیرة والله اعلم بالصواب

[illegible]

اللهم ان کان رزقی فی السماء فانزله وان کان فی الارض فاخرجه وان کان بعیدا فقربه وان کان قریبا فاعطنیه وان کان ... فبارک لی ... اللهم ... بموضع رزقی ... ادعیه مذکورست

[illegible]

چون مطلبی بخواهی ... یا ارحم الراحمین ... و سجده کن ... وضو ساخته ... بگو بسم الله الرحمن الرحیم ... مطلب او برآید

[illegible]

... اللهم ... فالق ... الاحد الصمد ... عالم ... اللهم ... الرحمن الرحیم ...

[illegible]

# بقية الجدل التاسع والعشرون في ذكر الصلوة المروية عنهم وعليهم الصلوة والسلام تتمة

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| صلوة الاعرابی [?] | [illegible] | صلوة كلمة الكاظم [?] | بر ظرف پاکیزه بزعفران بنویسد اعوذ بکلمات الله التامة واسمائه کلها عامة من شر السامة والهامة ... [illegible] | صلوة العمل [?] | [illegible] |
| صلوة الحمی | دو رکعت است در هر رکعت فاتحه و سه بار الا له الخلق والامر تبارك الله رب العالمين و بعد از فراغ بسیار اللهم الشفیع بنبیك محمد يا محمد الشفيع بك الى ربي في قضاء حاجتي ويكو يا الرحمن يا الله يا رب يا رحمن يا رحيم ويا حي يا قيوم يا ذا الجلال والاكرام برحمتك ... الآن خفف الله عنكم وعلم ان فيكم ضعفا ... فلك تخفيفا من ربكم ورحمة ... [illegible] | صلوة القوة | [illegible] | صلوة الضالة | [illegible] |
| صلوة الحفظ [?] | [illegible] | صلوة الكفاية | [illegible] | | |
| صلوة الاعمى | دو رکعت است با وضو بهر نحو که خواهد و بعد از فراغ اللهم انی اسئلك وارغب اليك واتوجه بنبيك نبي الرحمة يا محمد اني اتوجه الى الله ربك وربي ان يرد علي بصري ابو حمزه ثمالی از ابی جعفر علیه السلام روایت کند که این نماز را رسول خدا صلی الله علیه وآله بمردی اعمی تعلیم فرمود و هنوز از جای خود برنخاسته بود که بینا گردید | صلوة الخوف | [illegible] | صلوة المظلوم | ... للظالم من الظالم ... [illegible] |
| صلوة الكرب [?] | [illegible] | صلوة الدين | [illegible] | صلوة الامام [?] | در جدول امام محمد تقی علیه السلام ذکر شد ... [illegible] |
| صلوة الغنية | دو رکعت جهت حصول توانگری و توسل در هر رکعت فاتحه یکبار و ده بار آیهٔ قل اللهم مالك الملك تا آخر و بعد از سلام ده بار یا رب اغفر وارحم وانت خیر الراحمین و ده بار اللهم صل علی محمد وآل محمد پس در سجده بگوید اغفر لی وهب لی من لدنك ملکا لا ینبغی لاحد من بعدی انك انت الوهاب موجب عظمت [?] | صلوة الليلة [?] | [illegible] | صلوة الضرورة [?] | [illegible] |
| صلوة المولود [?] | [illegible] | صلوة الرزق | [illegible] | | |
| صلوة الهموم | [illegible] | صلوة الاستغفار [?] | دو رکعت در هر رکعت سیزده بار قدر و بعد از فراغ در سجده بگو اللهم یا فارج الهم و یا کاشف الغم و مجیب دعوة المضطرین یا رحمن الدنیا والآخرة ورحيمهما صل على محمد وآل محمد وارحمني رحمة تطفئ بها عني غضبك وسخطك وتغنيني بها عن رحمة من سواك ... [illegible] | صلوة الاستسقاء [?] | ... [illegible] |
| صلوة الفطنة [?] | [illegible] | صلوة الحاجة | ... [illegible] | صلوة الفرج [?] | [illegible] |

جدول سی ام در ذکر پادشاهان روی زمین و مدت سلطنت ایشان از زمان حضرت آدم

# الجدول الثلثون فی ذکر سلاطین الارض و طوائف الامم و مدة ملکهم من لدن آدم

| | |
|---|---|
| [illegible] اولاد آدم | [illegible] |
| ملوک [illegible] | اول ایشان [illegible] پس [illegible] [illegible] |
| ملوک [illegible] | [illegible] |
| ملوک [illegible] | [illegible] |
| ملوک [illegible] | [illegible] |
| ملوک بنی اسرائیل | اول ایشان [illegible] |
| ملوک [illegible] | [illegible] |
| ملوک [illegible] | [illegible] |
| ملوک [illegible] | [illegible] |

[illegible]

# بقیة الجدول الثلثون فی ذکر سلاطین الارض فی طوائف الامم و مدة سلطنتهم من لدن آدم

## ملوک السبعینیة

[illegible]

## ملوک الکیانیة

اول ایشان کیقباد بن کیابیه که بعد از طوفان خروج کرد ... ملکش یکصد و ده سال پس پسرش کیکاوس که دعوی ربوبیت ... ملکش یکصد و پنجاه سال ... و سیاوش ... پس کیخسرو ... شصت سال پادشاهی کرد ... پس لهراسب ... پس گشتاسب ... زردشت ... پس بهمن پسر اسفندیار ... پس همای ... پس داراب ... پس دارا ... چهار سال پادشاهی کرد

## ملوک الاشکانیة

[illegible]

## ملوک الطوائف

[illegible]

## ملوک العجم

ساسانیان که ... اول ایشان اردشیر بابکان ... پس شاپور ... پس هرمز ... پس بهرام ... پس نرسی ... پس انوشیروان ... پس هرمز ... پس خسرو پرویز ... پس شیرویه ... پس یزدجرد ... سال

## ملوک العرب

[illegible]

## ملوک السلجوقیة

اول ایشان طغرل بیگ ابو طالب محمد بن میکائیل بن سلجوق ... پس برادرزاده‌اش الپ ارسلان ... پس پسرش جلال الدین ملکشاه ... نظام الملک ... پس برکیارق ... پس محمد ... پس سنجر ... و اول ایشان محمد بن انوشتکین ... غیاث الدین ... مسعود ... طغرل ... و عز الدین جلال الدین ملکشاه و سلیمان شاه و طغرل شاه و جمال الدین محمود ... که بعد از انقراض دولت ایشان رسید و تقدیم ذکر شان بر اسبعا بوده

## ملوک الدیالمة

[illegible]

## ملوک الغزنویة

[illegible]

## ملوک الچنکیزیة

اول ایشان چنگیز خان که دولت خوارزمیه را برطرف کرد و بیست و پنج سال و چهار ماه پادشاهی کرد پس اوکتای خان ملقب بقاآن ... پس هلاکو خان ... دولت عباسیه ... خواجه نصیر الدین طوسی ... پس اباقاخان ... پس ارغون ... پس گیخاتو ... پس بایدو خان ... پس غازان خان ... پس برادرش محمد خدابنده ملقب به اولجایتو ... پس سلطان ابوسعید پسر اولجایتو نوزده سال ... پس ... طغا تیمور ... و دولت ایشان منقرض گردید

## الف ... عثمانیه

[illegible]

جدول سی ودوم در ذکر تاریخ خلفا از بنی امیه وبنی عباس که غصب نمودند حقوق ائمه طاهرین علیهم السلام را

# الجدول الثانی والثلاثین فی ذکر تواریخ الخلفاء من الامویة والعباسیة الغاصبین لحقوق الائمة علیهم السلام

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| معاویه | اول بنی امیه است که امامت را غصب نمود و اسم او حرب ... عبد الشمس بن عبد مناف بود و کنیه ابی سفیان ... خلافت نمود ... وفاتش در ماه رجب سال ستین ... | یزید بن معاویه | [illegible] | معاویة بن یزید | سالم زاد بود و بر پدر او را بجای خود بخلافت نصب کرد در نیمه ماه ربیع الاول سال اربع وستین ... و خود را بعد از چندی خلع کرد ... مدت خلافتش چهل روز ... |
| مروان | [illegible] | عبد الملک | [illegible] | | |
| الولید | پسر عبد الملک است که در روز فوت پدر او را بخلافت نصب کردند در نیمه شوال سنه ست وثمانین و فوتش در نصف جمادی الآخر سنه ست وتسعین و مدت خلافتش نه سال و هشت ماه | سلیمان | [illegible] | عمر بن عبد العزیز | مکنی بابی حفص نواده مروان بن الحکم است که در روز فوت سلیمان ... او را بخلافت نصب کردند ... مادرش ام عاصم بنت عاصم بن عمر بن خطاب ... ولادتش در سنه احدی وستین ... خلافتش دو سال و پنج ماه و چهار روز و عمرش سی و نه سال بوده |
| یزید | [illegible] | هشام | پسر عبد الملک است و وصیت کرده بود سلیمان پسر خود را که ولایت عهد خود با وی دهد ازبسکه بغض بود سلیمان ولایت را بوی نداد ... بعد از برادرش یزید خلافت بوی منتقل گشت ... و احوال چون ... و جمیل الوجه بود ... فوتش در رصافه در ششم ربیع الاول سنه خمس وعشرین ومائه بود ... خلافتش نوزده سال و هفت ماه و یازده روز و عمرش پنجاه و چهار سال و چند ماه بوده | الولید بن یزید | [illegible] |
| یزید بن الولید | [illegible] | مروان الحمار | [illegible] | | |
| ابو العباس السفاح | [illegible] | المنصور | عبد الله محمد بن علی ملقب بابی جعفر تولدش در سنه خمس وتسعین و در عهد برادر ولایت عهد بوی مفوض شد و کنیت دیگرش ابو الدوانق است ... بمخالفت اهل بیت رسول ... فوتش در ششم ذی الحجه سنه ثمان وخمسین ومائة ... خلافتش بیست و یکسال و نه ماه و یازده روز و بغداد را او بنا کرد و مسمی بدار السلام نمود و چندین مرتبه اراده قتل آن حضرت صادق علیه السلام را کرده حقتعالی آنحضرت را از شر او نگاه داشت | المهدی | [illegible] |
| الهادی | ابو محمد موسی المهدی و مادرش ام هارون المسماة بخیزران مولدش در کوفه و بعد از مهدی مباشر امر خلافت بوده تا وقت فوت که لیلة الجمعة هفدهم ربیع الاول سنه سبعین ومائة مدت حکومتش یکسال یکماه بوده است | الرشید | [illegible] | الامین | ابی عبد الله محمد بن الرشید و مادرش زبیده بنت جعفر بن ابی جعفر المنصور بعد از هارون پدرش بخلافت نشست تا در محرم سنه ثمان وتسعین ومائة کشته شد مدت ولایتش چهار سال و هشت ماه و بیست و چهار روز و تولدش در شوال سنه احدی وسبعین ومائة بود |
| المأمون | [illegible] | المعتصم بالله | [illegible] | | |
| الواثق بالله | هارون بن معتصم است که بعد از فوت پدر بامر خلافت مشغول شد پنج سال و ... روز خلافت کرد و مولدش سنه ست وتسعین ومائة و فوتش در بلده سر من رای یوم الاربعاء بیست و چهارم ذی حجه سنه اثنین وثلاثین ومائتین | المتوکل علی الله | [illegible] | المنتصر بالله | محمد بن متوکل است ... از خلفای بنی العباس بعد از پدر خود مباشر امر خلافت شد تا آخر عمرش تغییر نیافت تولدش سنه ثلث وعشرین ومائتین و فوتش یوم الاحد رابع ربیع الآخر سنه ثمان واربعین و مدت خلافتش شش ماه بوده است تمت |

# بقیه الجدول الحادی و الثلثون فی ذکر تواریخ بقیة الخلفاء الغاصبین لحقوق الائمة المعصومین صلوات الله علیهم

**المستعین بالله**

احمد بن المعتصم است عم معتز که بعد از فوت منتصر برادرزاده خود بخلافت قیام نمود در محرم سنه اثنین و خمسین و مایتین ویرا خلع نمودند و مدت خلافت او سه سال و نه ماه و در شوال همان سال قتل بعمل آمد و گویند مولدش سنه ثمان عشرین و مایتین بوده

**المعتز بالله**

[illegible]

**المهتدی بالله**

محمد بن الواثق بن المعتصم است بعد از معتز پسر عم خود بخلافت قیام نمود و موصوف بزهد و ورع بود ... عمر بن عبد العزیز ... تا هنگامی که در دوم رجب سنه خمسین و مایتین ... مولدش سنه ثمان و عشرین و مایتین

**المعتمد علی الله**

[illegible]

**المعتضد بالله**

[illegible]

**المکتفی بالله**

ابو محمد بن علی بن معتضد است که بعد از پدر خود بقول از مقتدر بخلافت نصب شد و تا آخر عمرش بر مقتدر جهة گنجایش مکانت ... خمس و تسعین و مایتین مدت خلافتش شش سال و شش ماه و بقولی پنجسال و سه ماه بود بعد از فوت برادرش مقتدر نصب شد

**القاهر بالله**

[illegible]

**الراضی بالله**

ابو العباس محمد بن جعفر المقتدر است که بعد از خلع قاهر عم خود خلافت بوی رسید تا روز فوتش که شانزدهم ربیع الاول ... و تسعه و عشرین و ثلاث ماه مدت امارتش شش سال و دو ماه و ده روز ... تولدش شهر رجب سنه سبعین و مایتین عمرش سی و دو سال

**المتقی لله**

[illegible]

**المستکفی بالله**

اول ابو القاسم عبد الله بن علی بن المکتفی است که بعد از خلع متقی پسر عم خود منصوب گشت تا هنگامیکه او را از خلع و نابینا کردند و در حبس ... جمادی الآخر سنه اربع و ثلاثین و ثلث ماه و مولدش سنه ثمانین و تسعین و مایتین و ثانی ابو الفضل بن المقتدر است که بعد از خلع مستکفی پسر عم زاده خود خلیفه شد تا هنگامیکه مفلوج گردید و خود را خلع کرد در چهارشنبه ثالث عشر ذی القعده سنه ثلث و ستین و ثلث ماه و بعد از دو ماه بعد از آن فوت شد و خلافتش بیست و نه سال و چهار ماه و بیست و یک روز مولدش در سنه احدی و ثلث ماه بود

**المطیع لله**

[illegible]

**الطائع لله**

[illegible]

**القادر بالله**

[illegible]

[illegible]

**القائم بامر الله**

[illegible]

**المستظهر بالله**

مکنی بابی العباس مسمی باحمد بن المقتدی بامر الله که بعد از پدر خود متولی امر خلافت شده خلافتش استمرار یافت تا هنگام فوتش که لیلة الاحد سابع و عشرین ربیع الآخر سنه اثنا عشر و خمسماه مدت خلافتش بیست و پنجسال و چند ماه و مولدش سنه ثمان و ستین و اربع ماه بوده و ایام عمرش چهل و چهار سال بود و فیض بسیار بمردم رسانید رعیت در بود و ساکنین و اهل زمانه از جود وی در رفاه بودند

**المسترشد بالله**

[illegible]

**الراشد بالله**

ابو جعفر منصور بن المسترشد است که در دوشنبه ثامن عشرین ذی القعده سنه تسع و عشرین و خمس ماه بخلافت رسید و در شنبه خامس عشر ذی القعده سنه ثلاثین و خمس ماه سلطان مسعود داخل بغداد شده و بموصل گریخت و در انجا خلع و در اصفهان کشته شد در رمضان اثنین و ثلاثین و خمس ماه مدت سلطنتش دو سال شده مولدش بعد از خمس ماه بوده

**المقتفی لامر الله**

[illegible]

**المستنجد بالله**

یوسف بن المقتفی است مکنی بابی المظفر که بعد از فوت پدر بخلافت یافت تا آنکه فوت شده در بغداد یوم السبت هشتم شهر ربیع الاول سنه ست و ستین و خمس ماه مدت خلافتش یازده سال و شش روز تولدش ربیع الآخر سنه ست و عشر و خمس ماه بوده

**الناصر لدین الله**

[illegible]

**الظاهر بالله**

[illegible]

[illegible]

**المستنصر بالله**

ابو محمد حسن بن المستضیء است که بعد از فوت پدر بقول ناصر لدین الله بخلافت نصب شد در یوم الاحد عاشر ربیع الآخر سنه ست و ستین و خمس ماه و در ثانی ذی القعده سنه خمس و سبعین و خمس ماه از هجرت نبوی مدت سلطنتش نه سال بوده

**المستعصم بالله**

[illegible]

**المستعصم بالله**

ابو احمد عبد الله المنصور مردی بود منعیف الرای بعد از منتصر خلافتش استمرار یافت تا سنه ست و خمسین و ستماه هلاکو بغداد را گرفته و بدست هلاکو کشته و دولت بنی عباس منقرض گردید در هشتم محرم همان سال

جدول سی و دویم در ذکر ملائکه علویین و سفلیین و حصر مذهبها و ملتها که در میان خلائق میباشد

# الجدول الثانی والثلثین فی ذکر ملائکة العلویین والسفلیین وحصر المذاهب والادیان والملل والاشیاء

**الملائکة**

[illegible]

**الروحانیون**

[illegible]

**قبیلة الارض**

[illegible]

**انواع الاناسی**

جماعت هندی و سندی و نوبی و زنگی و حبشی و قبطی و بخاره از نسل ایران حامند و ترکان ماوراءالنهر و سقالبه و قوم چین که تا ایشان چون درخت ارس فرس تقیم که قوم حزند از نسل فرزندان یافث و نسناس و کفربت که در ...
ایشان ... از نسل ... بن ... بالشکال عجیبه مختلفه که بعضی ... چون ادم و سر و گردن چون اسب ... و برخی ... چشم در پیشانی و برخی ... چون ... بالا چون آدم
چون آدم ... سواره و قومی ... بر کلب و طائفه ... چون ماهی ... و بعضی ... چون خروس ... یافث ... طائفه را
طول و عرض مساوی و طائفه دیگر ... فرش ... از نسل ... یافث ... ادم است ... قسم در بلاد روم ...
چون فرنگ که از اولاد فرنج ... برادر ایوب ... و جماعت ... قولی شش طائفه ... مشرق و شمال ... در وسط عالم ...
و تمامی ادم ... اند

**الملائکة**

[illegible]

**طوائف الجن**

[illegible]

**الیهود**

[illegible]

**النصاری**

[illegible]

**المجوس**

[illegible]

# بقیة الجدول الثاني والثلاثین فی ذکر حصر المذاهب والادیان فیما بین الآدمیین

| | |
|---|---|
| الفصل … | [illegible] |
| الفصل … | از اصول فرق مسلمین اند که اثبات صفات ازلیه کنند جهة باری تعالی از علم و قدرت و سمیع و بصیر و اراده و … آن ایشان بر جماعت اند اشاعره و اصحاب ابی الحسن علی بن اسمعیل اشعری که خیر و شر را تقدیر حق میدانند … حسن و قبح عقلی است و هیچ چیز را بر خدا واجب نمیدانند و دوم کرامیه که اتباع ابی عبد الله محمد بن کرام اند … و حنابله که اتباع احمد بن حنبل اند … و حلولی … در اجرای صفات بی تاویل ++ / الف … / از اصول فرق مسلمین … از برای صاحب کبیره … اصحاب یونس … با ثبت و دخول … اخلاص است … عبادت و بندگی … عبیدیه اصحاب عبید مکتب … غسانیه که اتباع غسان کوفی اند … ثوبانیه منسوب بابی ثوبان … صالحیه تابع صالح بن عمرو اند که جامع بین القدریة والارجاء … والله اعلم بالصواب |
| الفصل … | [illegible] |
| الفصل … | از اصول اهل اسلام اند که عبد را در فعل حسنات و سیئات مستقل دانسته اراده خدا دخیل در امور عباد دانند چهار ده فرقه اند القدریة تابعان قاضی عبد الجبار استرابادی … ابو الهذیل همدانی … اعتزال … حکمت … در بصره … مخالف اصحاب … عمرو بن بحر الجاحظ … ابو علی … ابو هاشم … مردار … بشر بن المعتمر … هشام بن عمرو فوطی … معمر سلمی … ابو الحسین … ثمامة بن اشرس … بعدم تعیین محق و مبطل از فریقین جمل و صفین +++ |
| الفصل … | [illegible] / الف … / [illegible] |
| الفصل … | از فرق مسلمین اند که خروج بر امام را جایز … علی و عثمان … از دین … بعضی صفات … عارف … عبد الرحمن … یزید … رشیدیه … شیبانیه اصحاب شیبان بن سلمه … خراسان … ثعالبه … حازمیه … اخنسیه … حفص بن ابی المقدام … کرمان … سحیمیه … ازارقه اصحاب نافع ابن الازرق … اهواز … عایشه و طلحه و زبیر … مسلمین … |
| الفصل … | [illegible] |
| الفصل … | شیعه … امامت … فاطمی … خروج بسیف کند … زیدیه … اصحاب حسن بن صالح … سلیمانیه … جارودیه … امام زین العابدین … محمد بن عبد الله بن الحسن بن الحسن … کیسانیه … محمد بن الحنفیه … علی ابن ابی طالب … / الف … / نوعی خوارج اند که مکلف … کتاب … خوارج اند که با انضمام … چهارده فرقه … معتزله و سه فرقه … هشت طایفه … شیعه … سبعین فرقه … الناجیة والباقی … حدیث … امامیه اثنا عشریه |
| الفصل … | [illegible] |

تحرير بدء حمدا ملا الخافقين
... ف و ...
... الاكوان فاخرة

ما طلع الفجر من المطلعين
وفق عبدا ولها صاغرا
بالذهب لنقل زكي اللجين

للاحد الواحد من غير حد
للشرف لفائق من كل زين
فاز لك الامر بكيل المرام

نظم سواد وبياض بعين
صار رياضا كرياض الجنان
جد وله من نهر الكوثرين

اشرق من اوج افاداته
مدانية مسك جنى الجنتين
من شرب الغرفة من حوضه

شمس نهار قمر الآشتين
فاض على ساحة من حاض فيه
اتخذ الغنية من كل عين

نسئلك العصمة يا من هدى
رد بسنابته النيرين
خير نجيبات نساء الزمن

بالنبي المنتجب الوالدين
حق اخيه الرضي المرتضى
وابنتها جامعة الحسنين

ثم ركب بين الثقلين الذي
من قمع الكفر بسيف حنين
ثم بسبطيه وشبليهما

ذي المحسنين الحسنين الهدين
ثم بغواص بحار العلوم
كاظمي الغيظ سميح اليدين

ثم بسجاد على اجرى
باقرنا الفائض كالهاطلين
ملتجئ الخلق على ...

صحيحة الناصع من المهديين
رب وبالصادق وابن له
قبته نيرة المشرقين

رب بحق النقي المتقي
حجتك القائم في الاعصرين
هم فلك الفضل وهم شمسه

والنور الغر من الفرقتين
صل على سيدنا المصطفى
ظلمهم الازرق على الفرقدين

ثم بذي العسكر والمنتظر
ثم على عترته المصطفين
خير جزائهم جميع الامم

حبهم يسعنا النشاتين
راق بابواب عالى الكف
ارجلين خاص لي الخاضرين

ملك الغني لتمام الامور
طامحة الطرف مع المرفقين
ما نسي العبد بجمع الكتاب

تلتمس المخلص من كل شيء
في طرق الفجر بوحل الوجل
من خلل الفكرة اطراف عين

فاعف لنا يوم يقوم الحساب
واقف رضانا برضا الوالدين

معروض اي عقده کشای برادران دینی میدارد بندهٔ کمترین محمد رضا امامی خواتون آبادی مصنف این کتاب که چون وضع این کتاب بطرحی تازه و بخلاف وضع کتابهای دیگر است تا بر مردم آسان باشد پیدا کردن آنچه خواهند و بنابر کمی و بسیاری هر شرحی از شروح آن احتیاج بآن باشد که بعضی از خانهای جداولش کوچک و بعضی متوسط و بعضی بزرگ لهذا هر جدولی بطرحی علاحده واقع شده و گلها و شکلها از واقع شدن عنوان رنگین

بهم رسیده است که در حسن منظر و قبول وضع نیز دخلی عظیم دارد و جدولها و اشکالش در غایت اشکال و غلط نگردد پس از ان مشکلتر و نساخ آن بدو جدول کشی و تقطیع لطفی ندارد و فی الحقیقه مضامین اوامنت آمیزش لایق هر گونه زیب و زینت هست گویا از قلم تقدیر این هیات بر جریده وجود مرقوم شده دلیل بر این معنی آنکه نام تاریخش که جنات الخلود است ماده تاریخ شروع در تالیف و ماده تاریخ اتمامش که یکسال بعد از آن باغ خلد اتفاق افتاده

پس بقانون نوشتن این نسخهٔ مبارکه و دواوین بهر موقوف که سلیقه که جداول [illegible] تضییع سعی این حقیر است که مدت پانزده ماه شب و روز جمع و طراحی آن خونها بسیار خورده‌ام و شرح [illegible] گنجانیده‌ام این آسان نیست بلکه بفضل جناب قدس الهی و دستیاری رسول صلی الله علیه و آله و ائمهٔ طاهرین [illegible]

پس استدعای چهار مطلب از خدمت برادران که نظر برین کتاب مینمایند دارم **اول** آنکه این حقیر را بضاعت الطلب مغفرت و دعای خیر یاد کنند **دوم** آنکه بر سهو و خطای این عبد خاطی قلم عفو درکشند **سوم** این نسخهٔ مبارکه را بدست نااهل و نادان ندهند **چهارم** آنکه مادام کاغذ خوب و جدول کش صاحب سلیقه و اسباب آن از پرگار و سطاره و قلم و مجدول و کاتب خوشنویس

صحیح نویس تحصیل نکنند میل بنویسانیدن این کتاب ننمایند و تغییر در وضع اسلوبش ندهند و روح مراد در قالب مغتنم نسازند پس هر که تغییر دهد انتفاعی که ازین کتاب بر دو برادر و حلال نیست مقید بقید لعنت خدا و رسول است

قد وقع اتمام هذا الکتاب بعون الملک الوهاب

اللهم لك الحمد على ما مننت علينا باتمام الكتاب المستطاب هذا ولك الشكر على ما انعمت علينا بابراز الخطاب

الناطق بالهدى والصواب ونصلي ونسلم على من هو علة الوجود وفخر

الوجه الاغر محمد المصطفى وعلى آله القاضي الفاضل الحق

في يوم فصل الخطاب وعلى اصحابه وخيرة اهل الحق

والصواب وقد وقع الختم من تحرير وتصحيح هذا الكتاب المسمى عون الجنان الخلود لحشر الله بتسميته في نعيم الموعود كفانا الله بنا شر كل حاسد حسود ومن حمد بطه لنا ذخر اليوم الموعود حسب مطلوب اقل العباد واحقر الكتاب الخليفة الشيخ عبد الوهاب بن الحاج المغفور المرحوم الشيخ موسى [illegible] المقدس المبرور [illegible] ابو القاسم [illegible] الكريم وعن الامل مستبق في ابواب الرحمة ان تنفعنا فيه كافة المؤمنين والمسلمين سيما الناظرين والطالبين وكان ذلك في يوم الاثنين صبح الثامن عشر من الاول من شهر الثاني عشر من سنة السابع من المائتين الثالث عشر بعد الالف من الهجرة النبوية المصطفوية على هاجرها الف الصلوة والتحية

سنه ۱۲۶۶ [illegible]